



پروردگار من الله است

دکتر محمد بن سرار یامی
دکتر عبدالله بن سالم باهمام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروردگار من الله است

۱۰	خداوند ارجمند و با عظمت	۷	آن گاه که ایمان به خداوند رخت بر می بندد
۱۰	الله جل جلاله:	۸	نیاز بندگان فقیر به خداوند بی نیاز
۱۰	نیاز بندگان به الله متعال:	۸	ای بندگانم..
۱۱	افتخار شناخت خداوند:		اوامر و نواهی خداوند را رعایت کن
۱۱	در هر چیز برای او نشانه ای هست:		خدا هم تو را از خشم و غضب
		۹	خودش محفوظ می دارد:

ایمان به خداوند

اولا: ایمان به آنچه بعد از مرگ روی می دهد ۲۹	۱۵	مفهوم ایمان به خداوند و حقیقت آن
دوم: ایمان به روز رستاخیز: ۳۰	۱۶	اهمیت ایمان:
سوم: ایمان به آن چه درباره علامات و نشانه های روز رستاخیز آمده است: ۳۱	۱۶	ثمرات ایمان:
چهارم: ایمان به رویدادهای ترسناک روز رستاخیز، مانند: ۳۳	۱۹	آثار ایمان:
پنجم: ایمان به حساب و کتاب ۳۶		ایمان به رسولانی که خداوند آنها را معرفی کرده است: ۲۴
ششم ایمان به بهشت و دوزخ: ۳۸	۲۸	ایمان به دیدار با خداوند
	۲۹	آنچه لازمه ایمان به روز رستاخیز است:

شناخت الله آفریننده نو آفرین

دلیل شرع: ۴۹	اولا: پروردگار من الله است: ۴۵
دلیل حس ۵۰	۱- معنی رب: ۴۵
۳- اثر توحید ربوبیت در زندگی بنده یکتا پرست: ۵۱	۲- دلایل وجود رب: ۴۶
۴- الحاد و خطرات آن: ۵۵	دلیل فطرت: ۴۷
	دلیل عقل: ۴۸

فهرست

بشناس خدای را که معبودی جز او نیست

۶۸	قسمت اول: آثار تعبدی بر قلب:	دوم: خدای را بشناس که معبود راستینی جز او نیست. هو:
۶۸	۱. محبت و دوستی	۵۹
۷۹	۲. امید:	۵۹
۸۳	۳. ترس	۵۹
۹۳	قسمت دوم	۵۹
۹۳	آثار تعبدی بر کردار و رفتار:	۶۰
۹۳	نخست: آثار خاص بر فرد:	۶۰
۱۰۱	دوم- آثار عمومی در میان مردم:	۶۲
		اثر گواهی لا اله الا الله بر بنده یکتا پرست:
		۶۸

شناخت خداوند با استفاده از نام ها و صفاتش

۱۰۹	اهمیت دانش به نام ها و صفات الله تعالی:	سوم: خداوند را با استفاده از اسماء و صفاتش بشناس
۱۱۴	قواعد و نکته هایی در فهم اسماء و صفات الله تعالی:	۱۰۷
۱۱۶	آثار ایمان به اسماء و صفات بر بنده:	۱۰۷
۱۲۰	۱- او الله است	۱۰۸
۱۲۰	الله بخشنده و مهربان است	۱۰۸
۱۲۰	زندگی با الله پاک و نام ها و صفات او	۱۰۸
۱۴۸	ب: آثار اسماء الله در هستی:	۱۰۸
		۱- معنی آیه " و خداوند نام های نیک دارد"
		ب- معنی: " پس به آن نام ها او را به دعا بخوانید"
		ج- معنی آیه " و آنان را که در نام هایش کجروی می کنند رها کنید" عبارت است از:

پایان: دعوت به ایمان خالص

۱۵۷	چگونه خلص خواهی شد؟	۱۵۵	معنی اخلاص:
۱۵۸	از ثمرات اخلاص:	۱۵۶	جایگاه اخلاص:

پروردگار من الله است

ایمان به خداوند نقطه دگرگونی در زندگی انسان از بندگی غیر
خدا به سمت بندگی کسی است که مستحق بندگی است

ربي الله

آن گاه که ایمان به خداوند رخت بر می بندد.

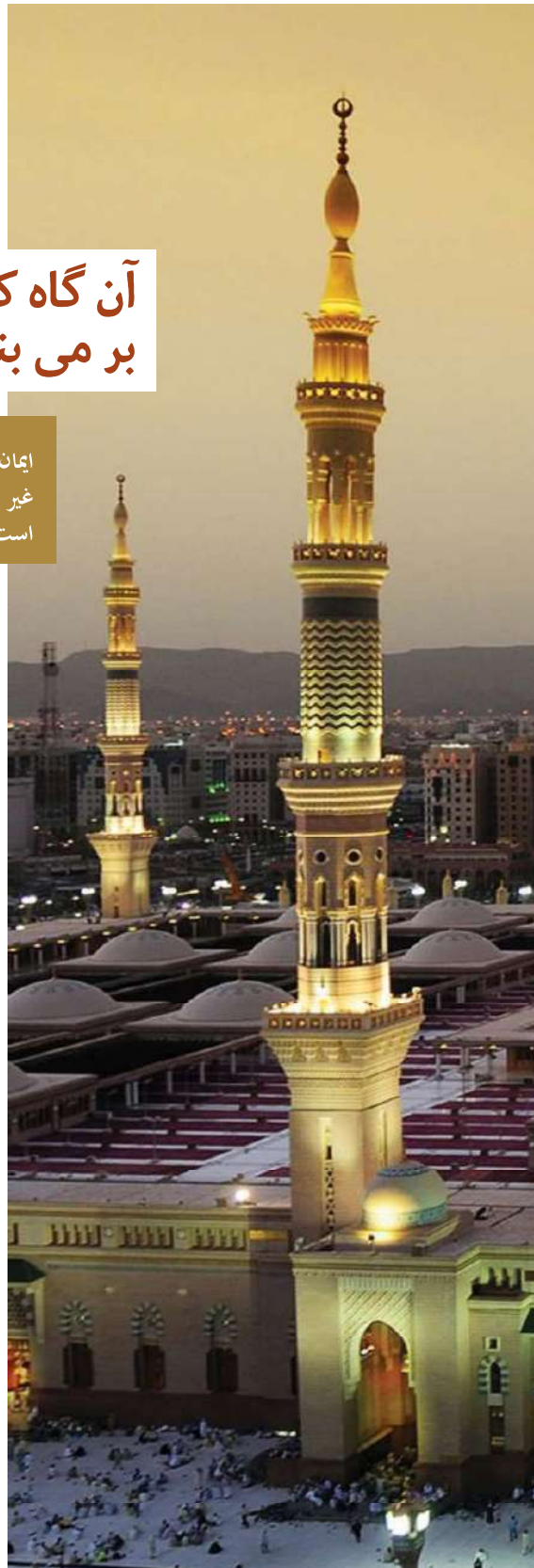
ایمان به خداوند نقطه دگرگونی در زندگی انسان از بندگی
غیر خدا به سمت بندگی کسی است که شایسته بندگی
است.

آن گاه که کلید ایمان از زندگی مردم رخت بر
می بندد؛ نتیجه حتمی آن زندگی ای سخت و
فلاکت بار است که سبب ابداع و ابتکار وسایل
جدید در خودکشی و رهایی از این زندگی
سخت و فلاکت بار می گردد. سپاس خداوند
را که نعمت اسلام را ارزانی نمود و این نعمت
سرآمد همه نعمت هاست و آن کافی است. به
خبر زیر دقت کنید:

روش تازه برای بیرون رفتن از این دنیا:
"فیلیپ نیچکه" طرفدار کشتن دلسوزانه در
استرالیا می گوید: دستگاه خودکشی که (کیف
رحلت) نام دارد و با پست از کانادا سفارش
داده می شود، به تعداد بسیار زیاد در کشور به
فروش رفته است.

قیمت این دستگاه ۳۰ دلار امریکایی بوده و
به همراه آن یک کیف مخصوص ساخته شده از
پلاستیک قرار دارد تا جان آدمی را به وسیله خفه
کردن بگیرد.

نیچکه به خبرگزاری "ای. بی. سی" استرالیایی
اظهار داشت که دستگاه تا حد زیادی ملال آور،



اما در جان گرفتن دقیق و قوی است.

و افزود: این دستگاه به صورت بسیار گسترده مورد استفاده قرار می گیرد و روزانه افراد زیادی با من در باره دستگاه و چگونگی استفاده از آن صحبت می کنند.

از طرف دیگر یکی از زنان بریتانیایی، که به یک بیماری عصبی دچار شده و قادر به تحرک نیست، شکایتی در دادگاه علیای لندن مطرح ساخته، تا به همسرش اجازه دهند تا او را در پایان دادن به عمرش کمک کند.

رادیو لندن ذکر می کند که "دایان پیرتی" ۴۲ ساله دو سال پیش به همین بیماری دچار شده بود. او هم بعد از این که قانون؛ هیچ تضمینی را برای عدم پیگرد قانونی همسرش؛ در صورت کمک به او برای پایان دادن به زندگی اش نپذیرفت به دادگستری پناه برد.

خداوند ارجمند و بلند مرتبه می فرماید: "هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگانی ای تنگ خواهد داشت". [سوره طه آیه ۱۲۴]

نیاز بندگان فقیر به خداوند پی نیاز

ای بندگانم..

رسول خدا صلی الله علیه و سلم در آن چه از خدای عز و جل نقل می کند، می فرماید: "ای بندگانم من ستم را بر خود حرام کرده ام و آن را در میان شما نیز حرام قرار داده ام، پس بر یکدیگر ستم نکنید. ای بندگانم همه شما گمراهید مگر کسی که من او را هدایت کرده باشم، پس از من طلب هدایت کنید تا شما را هدایت کنم. ای بندگانم همه شما گرسنه هستید مگر کسی که من او را سیر کرده باشم، پس از من درخواست سیری کنید تا شما را سیر کنم. ای بندگانم همه شما عریانید مگر کسی که من او را بپوشانم پس از من درخواست پوشش کنید تا شما را بپوشانم. ای بندگانم شما شب و روز اشتباه و گناه می کنید و من تمام گناهانتان را می بخشم، از من درخواست بخشش کنید شما را می بخشم. ای بندگانم شما توان زیان رساندن به مرا ندارید. و توان سود رساندن به مرا هم ندارید. ای بندگانم اگر همگی شما از نخستین تا آخرینتان از آدمی و جن، دارای متقی ترین

"ای مردم، شما به خداوند نیازمندید و خداوند است که بی نیاز ستوده است"
[سوره فاطر آیه ۱۵]

قلب باشید این بر مملکت من چیزی نمی افزاید و اگر همگی شما از نخستین تا آخریتان از آدمی و جن، بر گناهکارترین قلب باشید، این چیزی از مملکت من نمی کاهد. ای بندگانم اگر همگی شما از نخستین تا آخرین از آدم و جن در یک میدان گرد آیید و خواسته های خود را از من مطرح کنید و من همه خواسته های شما را برآورده سازم این از مملکت من چیزی نمی کاهد مگر به همان اندازه که فرو کردن سوزنی در اقیانوس از آب آن می کاهد، ای بندگانم این ها اعمال و کردار شماست که من آنها را برای شما می شمارم و پاداش و کیفر شما را می دهم، پس هر کس خیری یافت خداوند را بستاید و هر کس جز این یافت جز خودش کسی را ملامت نکند" (روایت از مسلم است).

ای بندگانم این ها کردار شماست که من بر می شمارم و سپس پاداش و کیفر شما را می دهم، هر کس خیری یافت خداوند را سپاس گوید و هر کس جز این یافت جز خودش کسی را ملامت نکند". (روایت از مسلم است)



اوامر و نواهی خداوند را رعایت کن خدا هم تو را از خشم و غضب خودش محفوظ می دارد:

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: یک روز من بر سواری پشت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودم و فرمود: "ای پسر، من کلماتی را به تو می آموزم: اوامر و نواهی خداوند را در نظر داشته باش، خدا هم تو را از خشم و غضب خودش محفوظ می دارد. خداوند را فرمان ببر تا او را همیشه در برابر خود ببینی. هرگاه چیزی پرسیدی فقط از خداوند بپرس و چون یاری خواستی فقط از خداوند یاری بخواه و بدان که اگر تمام مردم گرد آیند تا به تو سودی برسانند که خداوند آن را ننوشته است نمی توانند و اگر همگی گرد آیند تا به تو زیانی برسانند که خداوند آن را مقدر ننموده، نمی توانند. اقلام از نوشتن بازآمده و نوشته ها خشک شده اند" (روایت از ترمذی است)

خداوند ارجمند و با عظمت

کسی که خداوند را بیشتر می شناسد، بیشتر از او می ترسد.

الله جل جلاله:

"الله" در دل های بندگان مکلف، پریشانی و پراکندگی و نیازمندی فطری قرار داده است که آن از بین نمی رود و بی نیاز نمی شود مگر زمانی که بنده به پروردگار ارجمند و با عظمت تکیه کند.

"الله" نام آن ذات الهی است که تمام صفات نیکو را داراست.

نیاز بندگان به الله متعال:

بنده به ماوا و پناهگاهی نیاز دارد تا او را به هنگام اندوه و غصه ایمن سازد و او این سان آفریده شده است. به همین سبب او در تمام حالات به پروردگارش نیاز

دارد و برای بدست آوردن رضایت او سعی می کند زیرا او را دیدار خواهد کرد.

آن گاه که بنده به خداوند احساس نیاز کرد و برای انجام واجبات خود بپاخاست و به آنچه نزد خداوند است یقین کرد و بر آن صبر و شکیبایی ورزید، خداوند او را از جمله پیشوایان بندگان می گرداند و او پیشوایی می شود که مورد اقتدا

الله که شان و مقام او بسیار ارجمند است... آن معبود ستوده شده است... همه آسمان ها و هر آن چه در آن ها است او را می ستایند و همه زمین ها و هر آنچه در آنها است...

و شب و آن چه در آن است و روز و آن چه در آن آشکار است... و خشکی و دریا... همه آن ها تسبیح و پاکی او را بیان می کنند.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و هیچ چیز نیست مگر آن که با حمد او تسبیح می گویند، ولی شما تسبیح آنان را در نمی یابید" [سوره اسراء آیه ۴۴]

از لطف و کرم خداوند بر بنده آن است که شناخت خودش را برایش آسان و هموار ساخته است.

"الله" شناخته شده ترین معرفت هاست. او نیازی به معرفی ندارد... دل ها او را می شناسند و روان آدمی در

برابر معرفت او منکسر و مودب بر جای می ماند.

دلها شیفته و شیدای "الله" بوده و به عفو و بخشش او طمع و امید دارند و مخلوقات به یاد او انس می گیرند

قرار می گیرد: "و از آنان چون شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین یافتند پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند" [سوره سجده آیه ۲۴]

خداوند شکیبایی و یقین را سبب پیشوایی در دین قرار داده است.

مخلوقات برپایه دلبستگی به خالق ارجمند و با عظمت آفریده شده اند. همچنان که نسبت به نیکی و احسان کننده حس دوستی دارند و بزرگترین خیرخواه و نیکی کننده به آنان الله همان ذات ارجمند و با عظمت است.



هر توشه ای جز ایمان پایان می یابد و هر پشت گرمی و یآوری جز الله منهدم می شود.

افتخار شناخت خداوند:

نشانه هایی برای صاحبان عقل و خرد، افراد دانا، عارف و متفکراند.

نگاهی کوتاه به برخی از آیات در کتاب خداوند می اندازیم آیاتی که برای صاحبان عقل و خرد بوده و آنها را به سوی ایمان به خداوند یکتای بی نیاز فرا می خواند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"و در زمین برای اهل یقین نشانه هایی است (۲۰) و نیز در وجودتان [نشانه هایی است] آیا نمی نگرید (۲۱)" [سوره ذاریات آیات ۲۱-۲۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: " بگو بنگرید که چه چیز در آسمان و زمین است." [سوره یونس آیه ۱۰۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پروردگار شما خدایی است که آسمانها و زمین را در شش

افتخار دانش و شناخت، به افتخار مورد شناخته شده است و هیچ چیز از پروردگار ارجمند و با عظمت و شناخت اسماء و صفات او و شناخت حکمت و حق او بر بندگان بزرگوارتر نیست. به همین سبب توحید مغز دین بوده و دو سوم قرآن به شکل واضح توحید را اثبات می کنند.

در هر چیز برای او نشانه ای هست:

خداوند در هر چیز از بندگانش نشانه و آدرسی برای رسیدن به وجود و یکتایی و کمال و عظمت خودش نهاده است پاک و بلند مرتبه است خداوند. او به تفکر و تدبیر در این نشانه ها فرا خوانده و به ما خبر داده است که این ها

روز آفرید، آن گاه بر عرش استیلا یافت. [او] کار [هستی] را تدبیر می‌کند. هیچ شفاعت کننده‌ای مگر پس از اجازه او نیست، این است خداوند، پروردگارتان. او را بندگی کنید. آیا

[سوره آل عمران آیات ۱۹۱-۱۹۰]

پند نمی‌پذیرید! (۳) بازگشت همگی شما به سوی اوست. خداوند به وعده راستین [وعده نموده است]. او آفرینش [هستی] را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند تا آنان را که

[سوره جاثیه آیه ۴]

ایمان آورده‌اند و کردار شایسته کرده‌اند به داد، پاداش دهد. و آنان که کافر شده‌اند به [سزای] آنکه کفر می‌ورزیدند، نوشیدنی‌ای از آب گرم و عذابی دردناک [در پیش] دارند (۴) او کسی

است که خورشید را درخشان و ماه را روشن قرار داد و برای آن (ماه) منزلها مقرر نمود تا شمار سالها و حساب را بدانید. خداوند این را جز به حق نیافریده است. آیات [خویش] را

[سوره ق آیه ۶]

برای دانایان به روشنی بیان می‌کند (۵) به یقین در آمد و شد شب و روز و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده است، برای پروا پیشگان

نشانه‌هاست (۶) [سوره یونس آیات ۶-۳]

و می‌فرماید: "بی گمان در این [امر] برای خردمندان نشانه‌هاست" [سوره طه آیه ۵۴]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هاست (۱۹۰) آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش [آرمیده] یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین



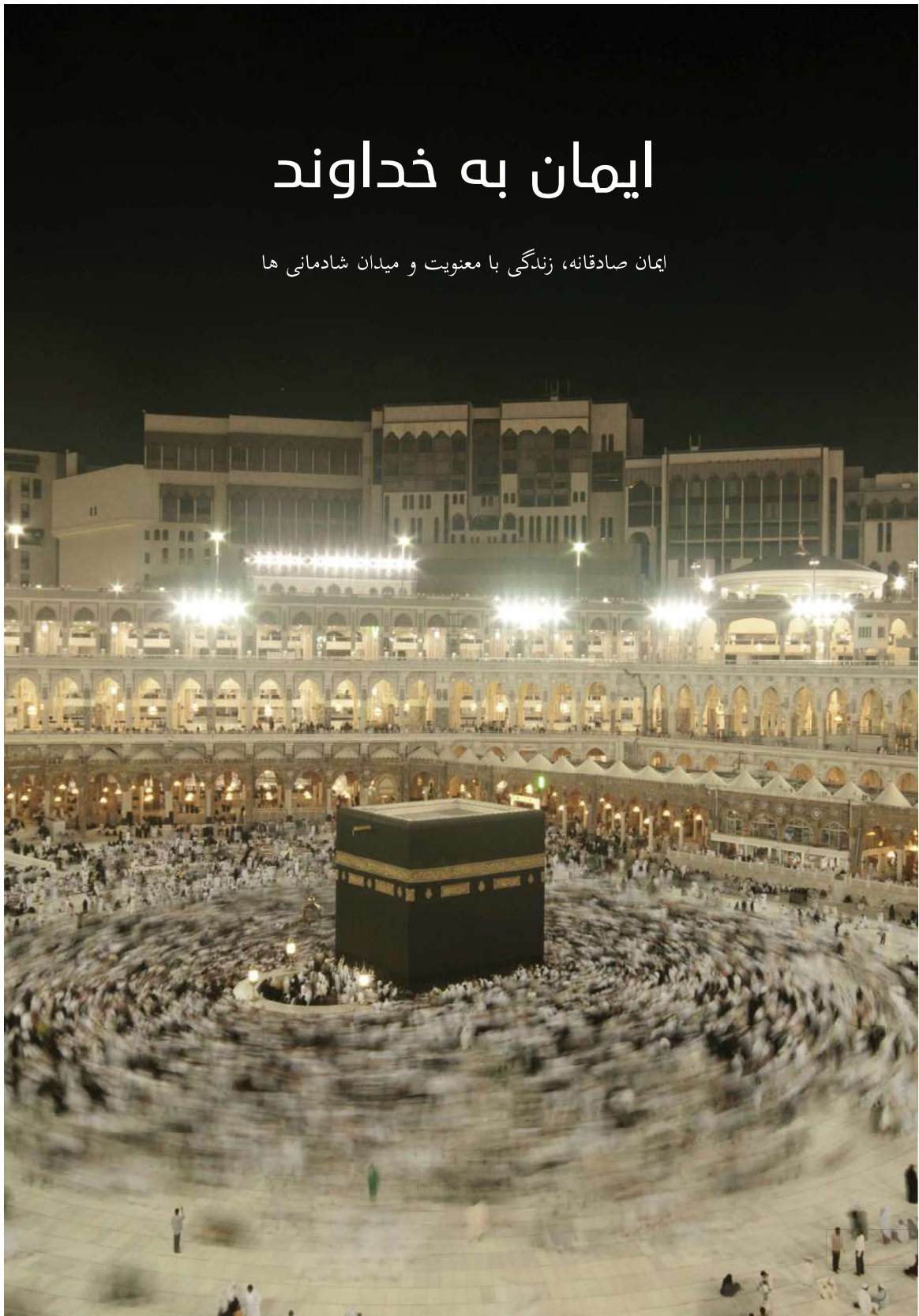
باز بيني

۱. اگر ايمان از زندگي مردم رخت بر بندد،
چه رخ مي دهد؟
۲. آيا خداوند متعال به بندگي بندگان يا به
توبه آنان نيازي دارد؟
۳. بندگان در چه چيزي به خداوند متعال
نياز دارند؟ به چه دليل؟
۴. بزرگترين آيه و نشانه خداوند که در
زندگي تان تاثير داشته را ذکر کنيد.



ایمان به خداوند

ایمان صادقانه، زندگی با معنویت و میدان شادمانی ها



ایمان به خداوند

مفهوم ایمان به خداوند و حقیقت آن

ایمان صادقانه، زندگی با معنویت و میدان شادمانی ها

راحتی و خوشی نفس جز با ایمان به خداوند ممکن نیست و نفس غیر مومن همیشه ترسان و سرگردان و ناتوان باقی می ماند و هرگز به استقرار و آرامش نمی رسد و ایمانی که سبب نجات و رهایی است ایمان به الله است و ایمان به آن معنی است که فرد تصدیق قطعی بکند مبنی بر اینکه پروردگار هر چیز و صاحب و آفریننده آن، الله است و فقط او مستحق عبادات نماز، روزه، دعا، امید و بیم، خضوع و خاکساری است و اوست که تمام صفات کمال را داربوده و از هر عیب و نقص و کمبود پاک و منزّه است و اوست باعظمت و ارجمند.

و ایمان به او شامل ایمان به فرشتگان و کتاب های او و رسولان او و روز رستاخیز و تقدیر خیر و شر از طرف اومی شود و این ایمان اصل سعادت انسان، بلکه بهشت دنیا در این باور و سرانجام آن بهشت آخرت است. ان شاء الله

"از دیدگاه شرع ایمان عبارت است از: اعتقاد به قلب به همراه اقرار با زبان".

بعد از فهم این امر باید دانست که اساس پذیرش عمل در نزد الله تعالی ایمان است. به دلیل سخن باری تعالی که می فرماید: "هر کس که از کارهای شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن باشد"

[سوره انبیاء آیه ۹۴]

ایمان به الله تعالی نوری به سوی عدل، آزادی، دانش، معرفت، هدایت، آرامش، آسایش و امنیت روانی است.



اهمیت ایمان:

برترین اعمال و پاکترین آنها در نزد الله تعالی ایمان است، همانگونه که ابوذر -رضی الله عنه- روایت می کند از پرسشی که از رسول خدا صلی الله علیه و سلم نمودند: "ای رسول خدا، برترین اعمال کدام است؟ فرمودند: ایمان در راه خداوند و جهاد در راه او" (روایت از مسلم است)

ایمان سبب هدایت و سعادت دنیایی و اخروی است. بنا به سخن باری تعالی که می فرماید: "پس هر کس را که خداوند بخواهد هدایتش کند دلش را برای [پذیرش] اسلام می گشاید" [سوره انعام آیه ۱۲۵]

ایمان مومن را از گناهان دور می کند. به دلیل سخن الله تعالی که می فرماید: "کسانی که تقوی دارند، چون وسوسه ای از [سوی] شیطان به آنان برسد، [خداوند را] یاد می کنند، آن گاه ناگهان بینا می گردند" [سوره اعراف آیه ۲۰۱]

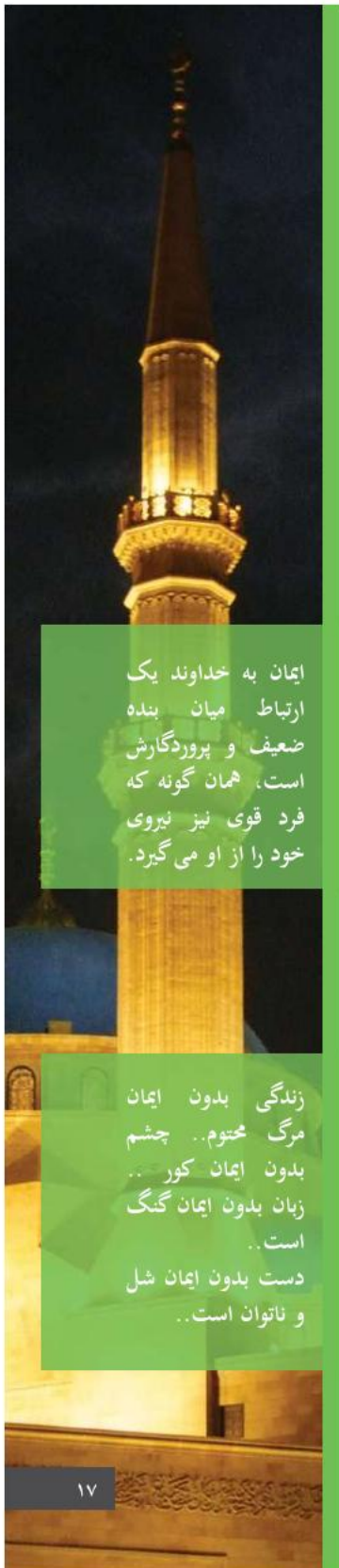
ایمان شرط پذیرش عمل است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و [ای پیامبر] به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی کرده شد: اگر شرک آوری، بی گمان عملکردت نابود شود. و به یقین از زیانکاران شوی" [سوره زمر آیه ۶۵]

با ایمان خالص، خداوند عمل را برکت می دهد و دعاها را با آن می پذیرد. "و [ای پیامبر] به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی کرده شد: اگر شرک آوری، بی گمان عملکردت نابود شود. و به یقین از زیانکاران شوی" [سوره زمر آیه ۶۵]

خداوند با ایمان خالص، عمل را برکت می دهد و دعاها را با آن می پذیرد.

ثمرات ایمان:

خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "آیا ندانسته ای که خداوند چگونه مثالی می زند، سخن پاک را چون درخت پاکي [قرار داد] که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان باشد (۲۴) میوه هایش را به حکم پروردگارش در همه زمان می دهد" [سوره ابراهیم آیات ۲۴-۲۵]



ایمان به خداوند یک
ارتباط میان بنده
ضعیف و پروردگارش
است، همان گونه که
فرد قوی نیز نیروی
خود را از او می گیرد.

زندگی بدون ایمان
مرگ محتمل... چشم
بدون ایمان کور...
زبان بدون ایمان گنگ
است...
دست بدون ایمان شل
و ناتوان است...

از جمله ثمرات ایمان، موارد ذیل هستند:

۱. ایمان راستین، اطمینان و آرامش روانی و گشادگی سینه را بوجود می آورد و این مصداق کلام خداوند متعال است که می فرماید:
"بدان که دوستان خدا، نه بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین

شوند" [سوره یونس آیه ۶۲]

۲. بدست آوردن همراهی خاص الله تعالی برای مومنان، یعنی آنها را از تاریکی های کفر و نتایج آن، به سوی نور ایمان و پاداش آن بیرون می برد.

۳. رستگاری به خشنودی خداوند و به بهشتی که برای مومنان تصدیق کننده، آماده کرده است. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید:
"خداوند به مردان و زنان مؤمن باغهایی را وعده داده است که از فرودست آن جویباران روان است که در آنجا جاودانه اند و [نیز] سراهای پاک در بهشتهای جاویدان. و خشنودی خداوند [بسی] بزرگتر است" [سوره توبه آیه ۷۲]

۴. دفاع خداوند از دوستان خود و از مومنان و حزب خودش:
"به راستی خداوند [شرّ مشرکان را] از مؤمنان باز می دارد".

[سوره حج آیه ۳۸]

و از آن جمله: دفاع الله تعالی از رسولش محمد صلی الله علیه و سلم در حادثه هجرت و دفاع از ابراهیم خلیل علیه السلام آن گاه که در آتش انداخته شد.

۵. ارجمندی و پیشوایی در دین، خداوند می فرماید: "و از آنان چون شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین یافتند پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند" [سوره سجده آیه ۲۴]

هیچ چیز بیشتر از پیشوایی دین داران و صاحبان یقین به خداوند، دلالت بر این نمی کند. خداوند یاد آنان را جاودان نهاده و آثار آنان را بر جای گذاشته است. در حالی که آنها در گور و زیر خاک خوابیده اند. وجود آنان از روی زمین رخت بر بسته، اما آثار آنان و اخبارشان در زندگی وجود دارد.



۶. محبت الله تعالى به مومنان، خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را دوست می دارند" [سوره مائده آیه ۵۴]

و می فرماید: "آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند برایشان دوستی مقرر خواهد نمود" [سوره مریم آیه ۹۶]

۷. زندگی پاک و پاکیزه در دو جهان؛ خداوند می فرماید: "هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی پاک زنده می داریم و پاداششان را به [حسب] نیکوترین آنچه می کردند، به آنان می دهیم" [سوره نحل آیه ۹۷]

کجایند کسانی که در پی زندگی پاک و سعادت هستند؟

۸. محبت خداوند با مومن و محبت مومن با خداوند، خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را دوست می دارند" [سوره مائده آیه ۵۴]

یعنی: آنان را دوست دارد و محبت آنان را در میان مردم قرار می دهد.

۹. بدست آوردن بشارت برای اهل ایمان با توجه و عنایت خداوند به آنان، خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "و مومنان را مژده بده" [سوره توبه آیه ۱۱۲]

بشارت و مژده به چیز عظیمی صورت می پذیرد که اثر آن در چهره آشکار می شود به همین سبب به این نام نامگذاری شده است و هیچ چیز از رحمت و خشنودی و بهشت خداوند عز و جل بالاتر نیست، خداوند بزرگوار و با عظمت می فرماید: "و به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، مژده ده که آنان باغهایی دارند که فرودست آن جویباران روان است" [سوره بقره آیه ۲۵]

۱۰. ایمان سبب ثبات و ثابت قدمی است. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "کسانی که مردم به آنان گفتند: به یقین مردمان [کافر] برای [نبرد] با شما [سپاه] فراهم آورده اند، پس از آنان (سپاه کفر) بترسید. که [این گفته] ایمانشان را افزون ساخت و گفتند: خدا ما را بس است و چه نیک کارسازی است" [سوره آل عمران آیه ۱۷۳]

بیش از همه چیز فداکاری های پیغمبران و صحابه و تابعین و کسانی که بر برنامه آنان رفته اند و تاریخ آنها را ثبت کرده است، بر این موضوع دلالت می کنند.

۱۱. بهره بردن از موعظه و نصیحت، خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید:

"و پند ده، به راستی که پند دادن به مؤمنان سود می بخشد" [سوره ذاریات آیه ۵۵]

فقط اهل ایمان از نصیحت و موعظه سود می برند.

۱۲. خیر را در هر حال برای مومن قرار داد. در حالت رفاه و در حالت تنگ دستی، در هر حال

خیر و خوبی همراه مومن است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"شگفتا از کار مومن که همه کارش خیر است و این برای کسی غیر از مومن نیست. اگر خوشی به او برسد شکر گذاری می کند و این برایش خوب است و اگر زبانی به او برسد شکیبایی می کند و این برایش خوب است" (روایت از مسلم است)

ایمان صاحبش را بر تحمل صبر در حالت زیان و شکر گذاری در حالت شادی و خوشی و امید دارد.

۱۳. حفظ مومن از ارتکاب گناهان کبیره، در روایت صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و سلم

آمده است که فرمودند: "زنا کار در حالت زنا با ایمان نیست" (روایت از بخاری است)

این ها ثمرات واضح و بزرگ ایمان هستند. کجایند کسانی که در پی آسایش و آرامش خیال اند؟



۱. افزایش حرص مومن برای فرمان پذیری از قانون و شرع مطهر خداوند است. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "سخن مؤمنان چون به [راه] خداوند و رسولش فراخوانده می شوند تا بین آنان حکم کند، فقط این است که گویند: شنیدیم و فرمان بردیم و اینانند که رستگاران"

[سوره نور آیه ۵۱]

ایمان به خداوند زندگی است..
زندگی با خداوند ایمان است.

ایمان صاحبش را به فرمان پذیری و انقیاد از دستور خداوند عز و جل و امید دارد.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "سوگند به پروردگارت،

[در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آن گاه از

آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند" [سوره نساء آیه ۶۵]



بلکه ایمان صاحبش را به گردن نهادن و رضایت به دستور الله تعالی فرا می خواند.

۲. حفاظت خداوند از بنده اش در برابر شرک آشکار و پنهان. بنده هیچ درخواست، دعا و یاری جستن را از غیر خداوند طلب نمی کند. سود و زیان به دست خداوند ارجمند و با عظمت است: "اگر خداوند [بخواهد] گزندی به تو رساند، باز دارنده‌ای برای آن جز خود او نیست"

[سوره انعام آیه ۱۷]

۳. دوستی و دشمنی در راه خداوند و برای او، این محکم ترین ریسان ایمان است. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "جز این نیست که مؤمنان برادرند" [سوره حجرات آیه ۱۰]

و هیچ چیز بیش از برادری میان مهاجرین و انصار بر این دلالت نمی کند، زیرا آنها جان و مال را تقدیم برادر خود نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هرگز مومن نمی شوید تا دوست بدارید برای برادر مومن تان آن چه را برای خود دوست می دارید"

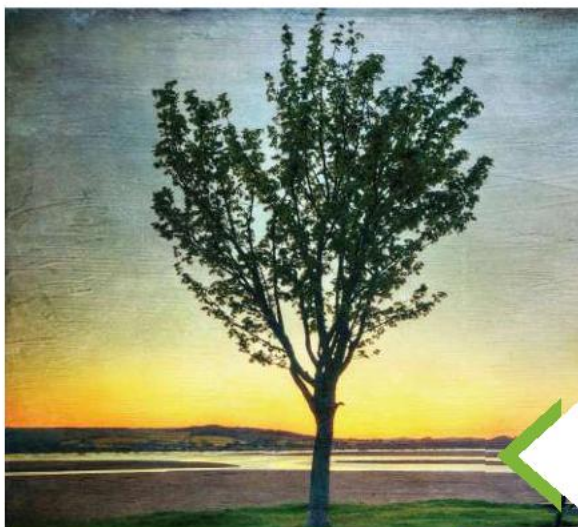
(روایت از بخاری است)

۴. شکیبایی بر جهاد در راه خداوند و بخشیدن هر چیز نفیس و با ارزش در این راه، تا الله تعالی راضی شود. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید:

"مؤمنان تنها آنانند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، آن گاه شكّ به دل راه نداده‌اند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینان اند که راستگویند"

[سوره حجرات آیه ۱۵]

"ای کسانی که ایمان آورده اید، ایمان بیاورید"
فراخواندن آنان به سوی ایمان و تشویق بر آن به سبب جایگاه بزرگ آن.



۵. سعادت و خوشبختی قلب به اعتماد بر خداوند و یقین نسبت به وعده های او و به آن چیزی است که به نزد او وجود دارد. بهشت دنیا در نظر او ایمان و پیروی از خداوند مهربان است و امید رسیدن به بهشت آخرت را دارد که خداوند به او وعده داده است. بلکه بیشتر از این او امید پاداش اعمال خود را دارد و انتظار دارد در برابر تمام خستگی ها، رنج ها و ریزش عرق پاداش خود را از طرف خداوند دریافت کند و در نامه اعمال او نوشته می شوند. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "برای اهل مدینه و کسانی از بادیه

نشینانی که پیرامونشان بودند روا نبود که از رسول خدا باز پس مانند و [نیز روا نبود] که از شخص آن [حضرت] به خود بپردازند. این از آن است که هیچ تشنگی و رنجی و گرسنگی ای در راه خدا به آنان نمی رسد و جایی که کافران را به خشم آورد، طی نکنند و از [هیچ] دشمنی دستبردی به دست نمی آورند مگر آنکه به [پاداش] آن برایشان کردار شایسته ای نوشته خواهد شد. خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۲۰) و هیچ نفقه ای - چه اندک باشد یا بسیار - انفاق نمی کنند و هیچ میدانی را نمی پیمایند مگر آنکه به [سودشان] نوشته شود تا خداوند به [پاس] نیکوترین آنچه می کردند به آنان پاداش دهد (۱۲۱)"

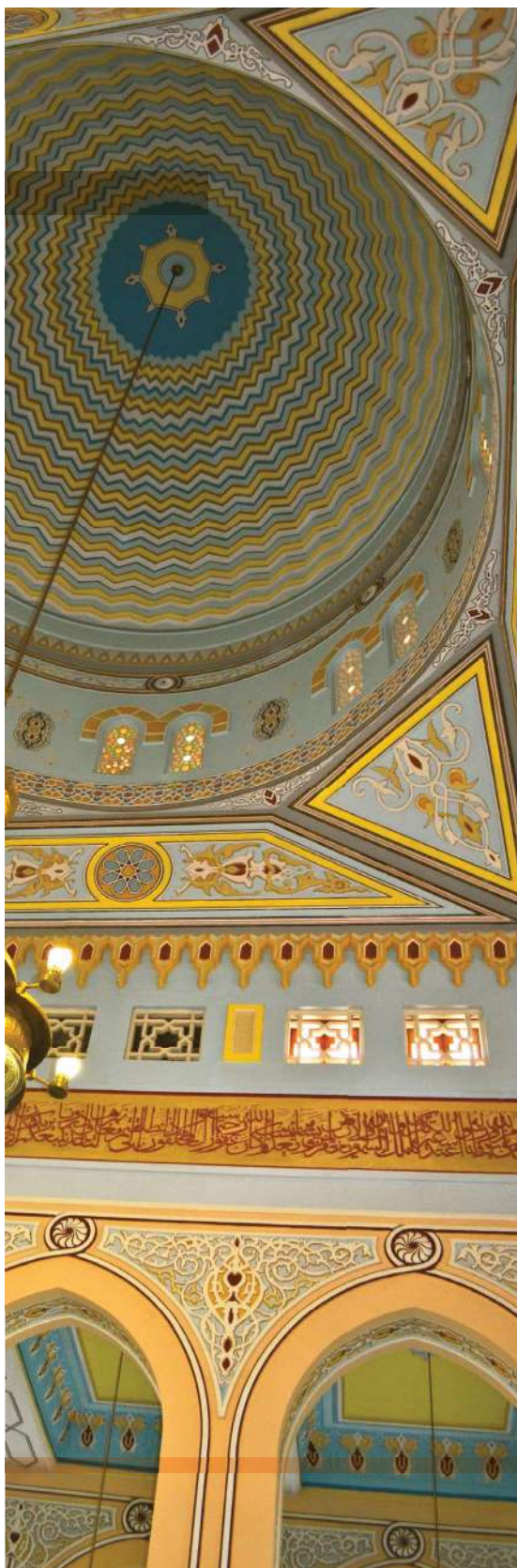
[سوره توبه آیات ۱۲۱-۱۲۰]

تمام این ها برای کسانی است که به او ایمان آورده و صادق باشند.

۶. دست یافتن به دوستی خدا و رسول او. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "جز این نیست

که ولی شها، خداوند و رسولش و مؤمنان هستند" [سوره مائده آیه ۵۵]

ولایت خداوند یعنی محبت خداوند سبحان و یاری دین او و دوستی با دوستان او و دوری از دشمنان او کسانی که طرف مقابل او قرار دارند. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "گروهی را که به خداوند و روز قیامت ایمان می آورند، نخواهی یافت که با کسی که با خدا و رسولش مخالفت ورزیده است دوستی کنند. و هر چند پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. اینانند که [خداوند] در دلهایشان ایمان را نگاشته است و آنان را به فیضی از سوی خود توان داده است. و آنان را به باغهایی در می آورد که از فرودست آن جویباران روان



است که در آنجا جاودانه‌اند. خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنودند. اینان سپاهیان خدا هستند. بدانید که سپاهیان خدا رستگارند" [سوره مجادله آیه ۲۲]

بلکه مومن، خدا، رسول و مومنان را به دوستی می‌گیرد و هرگز به کافران دست دوستی نمی‌دهد و خداوند ارجمند و با عظمت می‌فرماید: "مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوستان [خویش] گیرند" [سوره آل عمران آیه ۲۸]

۷. صاحب اخلاق نیکو می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم در روایتی می‌فرماید: "حیا و ایمان متصل به هم‌اند، آن‌گاه که یکی از بین رفت دیگری هم از بین می‌رود" (روایت از بیهقی است)

حیا از بزرگترین خصایل اخلاقی است. مومن اخلاقش را با برادرانش نیکو می‌سازد تا در بهشت دنیا بدون مشکل، اختلاف و دشمنی زندگی کند. این به آن سبب است که او مومن است و این فقط برای مومن است.

۸. سعادت حقیقی و آسایش روانی سبب می‌شوند که او احساس کند در بهشت دنیا و در سعادت و راحتی خیال است. زیرا او یک پروردگار دارد که الله و یک پیغمبر دارد که محمد بن عبدالله صلی الله علیه و سلم و یک برنامه دارد و آن پیروی از رضایت الله تعالی است و یک هدف دارد که آن رسیدن به بهشتی است که وسعتش به مانند وسعت آسمان و زمین است.

این طرف و آن طرف نگاه می کنی می بینی که مطب روان پزشکان پر از بیماراند. که گله و شکایت و غم و غصه ها و رنج خود را حکایت می کنند و از کم خوابی و افسردگی و کابوس های شبانه در عذاب اند و تو به طور قطع می دانی که تمام این بیماری ها به سبب دوری از ایمان به خداوند- حق سبحانه و تعالی- تمایل به دنیا و تکیه بر آن است. مادیات بر معنویت و جنبه روحی بشر طغیان کرده و چیره شده است و انسان شديداً به این نیاز دارد تا جنبه روحی خود را اشباع کند و این امکان ندارد مگر با ایمان راستین به خداوند عز و جل و اعتماد بر او و یاد همیشگی او و ایمان به فرشتگان و کتابهای آسمانی و به رسولان و ایمان به تقدیر خیر و شر و تلخ و شیرین که همگی از طرف خداوند بلند مرتبه است.

به هر حال بسیاری از انسانها از درمان قلب و راحتی دل و از بهشت دنیا غافل گشته و در پی امور بی ارزش این جهانی خود را به رنج و تعب انداخته اند و نه به آنچه می خواهند می رسند و نه به راحتی و آسایشی دست می یابند که از آغاز راه در پی آنند.

اشباع جانب روحی فقط با ایمان ممکن می شود؛ زیرا روح از طرف خداوند است و خداوند جسم را از خاک آفریده است. هرگاه که جانب روحی را سیراب و اشباع کردی تمایل تو به امور پست دنیایی کاهش می یابد و به سمت امور و قضایای معنوی گرایش می یابی و به سمت بالا روان می شوی و هرگاه از این جنبه غافل شدی نفس تو به طبیعت حیوانی و شهوانی خود بر می گردد و به رنج و سختی دچار می شود و دنیا در برابر دیدگانش تیره و تار می شود.



ایمان به رسولانی که خداوند آنها را معرفی کرده است:

خداوند بندگان را بیهوده نیافریده و آنها را به خود وا نگذاشته است. به این هدف خداوند رسولان را فرستاده تا او را با کمال و جلالش شناسانده و شرع و قانون او را معرفی کنند. خداوند متعال برترین انسانها را برای این کار فرستاده است و رسولان زیادی هم ارسال کرده است. از آن جمله نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و پایان بخش پیغمبران محمد صلی الله علیه و سلم است. با همگی آنان نشانه هایی قرار داد تا به صدق و راستی آنان دلالت کند. پس آنان امانت را رساندند و رسالت را ادا کردند و خداوند خالق را به بندگان معرفتی نمودند. هرکس که به آنها ایمان نیاورد و آنها را تصدیق نکند به خداوند ایمان نیاورده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "رسول [خدا] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان [هم]. هر يك به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده اند" [سوره بقره آیه ۲۸۵]

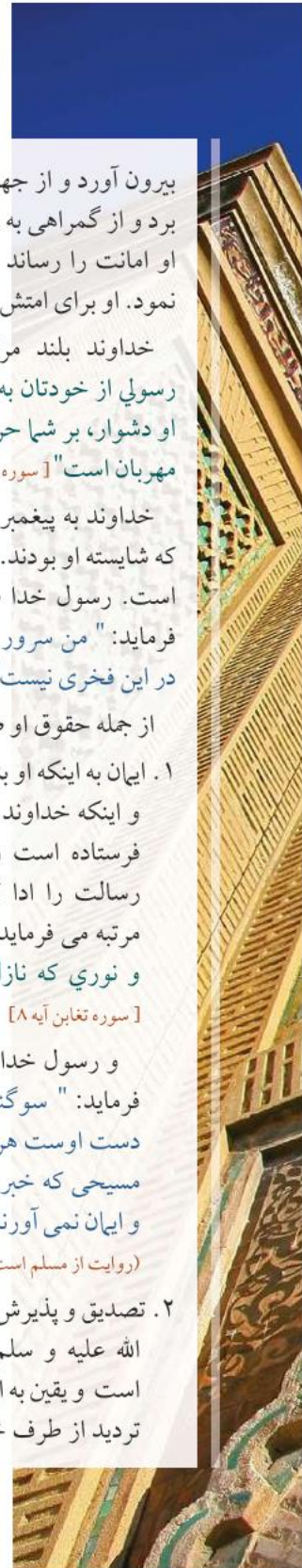
زیرا آنان پیام رسانان خداوند سبحان هستند و ما به همگی آنان ایمان می آوریم. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "[و گفتند:] میان هیچ يك از فرستادگانش فرق نمی گذاریم" [سوره بقره آیه ۲۸۵]

خداوند متعال به همراه رسولان کتاب هایی فرستاد تا نوری برای بشریت باشند. به همراه ابراهیم صحیفه هایی فرو فرستاد و زبور را به داوود داد و تورات را به موسی و انجیل را به عیسی بخشید و به محمد که درود و سلام خداوند بر او باد قرآن را اهدا کرد که آن معجزه همیشگی اوست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "این کتابی است که آیاتش استوار آن گاه روشن شده است. از نزد [خداوند] فرزانه آگاه [نازل] گشته است" [سوره هود آیه ۱]

و خداوند پاک آن را نور، برکت، دلیل و سبب هدایت قرار داد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و این کتابی مبارك است که ما آن را نازل کرده ایم، پس از آن پیروی کنید و پروا دارید تا مورد رحمت قرار گیرید" [سوره انعام آیه ۱۵۵]

و همچنین می فرماید: "ای مردم، به راستی برایتان از [جانب] پروردگارتان برهانی آمد و نوری آشکار به سوی شما نازل کردیم" [سوره نساء آیه ۱۷۴]

خداوند بلند مرتبه در کلمه شهادت ایمان به خاتم پیغمبران و رسولان و برترین بشر را متصل به ایمان به وحدانیت خودش قرار داد. "اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله" خداوند او را رحمتی برای تمام جهانیان فرستاد و به وسیله او آنها را از تاریکی ها به سوی نور



بیرون آورد و از جهل و نادانی به سمت دانش برد و از گمراهی به سمت هدایت و ایمان. پس او امانت را رساند و برای امت خیر خواهی نمود. او برای امتش بسیار حریص بود.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بی گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص [و] به مؤمنان رئوف مهربان است" [سوره توبه آیه ۱۲۸]

خداوند به پیغمبر و رسولش حقوقی را داد که شایسته او بودند. او بهترین بشر و سرور آنها است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "من سرور فرزندان آدم هستم و البته در این فخری نیستم" (روایت از ابن ماجه است)

از جمله حقوق او صلی الله علیه و سلم:

۱. ایمان به اینکه او بنده و فرستاده خداوند بوده و اینکه خداوند او را رحمتی برای جهانیان فرستاده است و او امانت را رسانده و رسالت را ادا کرده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده ایم، ایمان بیاورید"

[سوره تغابن آیه ۸]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "سوگند به آن که جان محمد در دست اوست هر یک از این امت یهودی یا مسیحی که خبر بعثت من به آنها می رسد و ایمان نمی آورند از اهل آتش خواهند بود"

(روایت از مسلم است)

۲. تصدیق و پذیرش آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از طرف خدایش آورده است و یقین به اینکه آن حق بوده و او بدون تردید از طرف خدایش ابلاغ نموده است.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "مؤمنان تنها آنانند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، آن گاه شک به دل راه نداده اند"

[سوره حجرات آیه ۱۵]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: "سوگند به پروردگارت، [در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آن گاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن

نهند" [سوره نساء آیه ۶۵]

۳. محبت با رسول خدا صلی الله علیه و سلم، خداوند متعال می فرماید: "بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و مالهایی که آن را به دست آورده اید و تجارتی که از کسادیش می ترسید و خانه هایی که آنها را می پسندید در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد کردن در راه او محبوب ترند، پس در انتظار باشید تا خداوند حکمش را در میان آورد. و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی کند" [سوره توبه آیه ۲۴]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هیچ یک از شما مومن نمی شود تا زمانی که من از پدر و مادر و فرزند و همه مردم در نزد او محبوب تر نباشم"

(روایت از بخاری است)

۴. احترام و اکرام و ارج نهادن به او. خداوند متعال می فرماید: "تا [شما ای مردم] به خدا و رسول او ایمان آورید و [دین] او را یاری دهید و او را به بزرگی باور دارید"

[سوره فتح آیه ۹]



و همچنین می فرماید: "پس آنان که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و او را یاری دادند و از نوری که با او فرو فرستاده شده است پیروی کردند، آنانند که رستگارند"

[سوره اعراف آیه ۱۵۷]

۵. دوستی و مودت و گرامی داشت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و سلم: کسانی که اسلام پذیرفتند و بر سنت و طریقه او حرکت کردند، سفارش و وصیت پیغمبرمان محمد صلی الله علیه و سلم را فهمیدند، آنجا که می گوید: "به خاطر خداوند اهل بیت مرا رعایت کنید. به خاطر خداوند اهل بیت مرا رعایت کنید. به خاطر خداوند اهل بیت مرا رعایت کنید"

(روایت از مسلم است)

اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و سلم از بزرگان مردم بودند. کسانی مانند همسرانش و خویشانانش و فرزنداناش که صدقه بر آنان حرام و تحقیر و توهین نمودن آنها نادرست است همانگونه که ادعای عصمت برای آنان جایز نبوده و نارواست که آنان را به غیر از خدا به فریاد بطلبیم.

۶. محبت با یاران او، کسانی که به او ایمان آوردند و او را تصدیق کردند: به بدی ذکر نکردن آنان، خداوند متعال آنان را ستوده است.

۷. به بدی ذکر نکردن صحابه و سیره آنان، کسانی که او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردند. آنان کسانی هستند که خداوند آنان را ستوده است. می فرماید: "محمد (ص) رسول خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می بینی که از خداوند فضل و خشنودی می جویند. نشانه [درستکاری] آنان از اثر سجده در چهره هایشان پیدا است". [سوره فتح آیه ۲۹]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم درباره آنان فرمود: " یاران مرا دشنام ندهید. یاران مرا دشنام ندهید. سوگند به آنکه جان من در دست اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه احد در راه خداوند طلا خرج کند به اندازه دو مشت خرجی که آنها کرده اند نمی رسد و به نیم این مقدار هم نمی رسد" (روایت از مسلم است)

و برترین صحابه خلفای راشدین هستند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی که خداوند از آنان و از دیگر صحابه خشنود باد. خداوند متعال می فرماید: "و پیشروان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از او خشنود شدند. و برایشان باغهایی که فرو دست آن جویباران روان است آماده ساخت که در آنجا همیشه جاودانه اند. این کامیابی بزرگ است" [سوره توبه آیه ۱۰۰]

همگی آنان علم و دین را از رسول خدا صلی الله علیه و سلم نقل کردند تا به ما رسید.





ایمان به دیدار با خداوند

همه بندگان به سوی خداوند باز می گردند و بازگشت همگی به سوی اوست. این رکنی اصیل از ایمان به خداوند و بلکه این از ارکان ایمان است: ایمان به روز رستاخیز، آن گاه که جبرئیل در پیش روی اصحاب برای آموزش آنان ارکان ایمان را از پیامبر پرسید، به او گفت: "آن است که به الله و فرشتگان، کتاب های او رسولان او، به روز رستاخیز و به تقدیر خیر و شر از جانب او ایمان بیاوری" (روایت از مسلم است)

آن روز، به روز دیگر یا روز بازپسین نام گذاری شده است زیرا بعد از آن روز دیگری نیست و بعد از آن بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ جای می گیرند. در قرآن کریم این روز به نام های زیادی نامگذاری شده که بر عظمت و جایگاه و اهمیت رویدادهای آن روز دلالت می کند. از جمله نام های آن عبارتند از: روز واقعه، زیرا وقوع آن قطعی است. "خافضه" و "رافعه": زیرا قومی با دخول در بهشت مقام رفیع و بلند می یابند و دسته ای با سرنگون شدن در دوزخ خوار و ذلیل می شوند. روز حساب و جزاء و روز "الحاقه" یعنی روزی که اخباری که خداوند داده بود محقق می شوند. روز "الطامه" یعنی روز غلبه یافتن و "الصاخه" - فریاد گوش خراش - زیرا فریاد صور سبب کری مردم می شود و روز "وعید" - هشدار - که هشدار خداوند در باره کافران محقق می شود و روز "حسرت" زیرا در آن حسرت و افسوس فراوان است و "یوم التلاق" - گرد آمدن - به معنی دیدار زیرا در آن روز همه مردم در یک مکان گرد می آیند و "یوم الازفه" - نزدیک - روز نزدیک به سبب شدت نزدیکی آن و "یوم التناد" - روز فریاد - زیرا در آن روز فریاد های بسیاری زده می شود. بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند و دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند و روز "عقیم" چرا که بعد از آن روز دیگری نیست و

"دار الآخرة" و "دار القرار" و "الغاشيه" - فراگیر - زیرا همه مردم را فرامی گیرد... و دیگر نام های آن روز

آنچه لازمه ایمان به روز رستاخیز است:

اولا: ایمان به آنچه بعد از مرگ روی می دهد

قبر و سوال و جواب آن:

این همان پرسش از مرده بعد از دفن اوست که در باره رب و دین و نبی او پرسیده می شود. خداوند مومنان را استوار نگه می دارد و پاسخ می دهد که رب من الله، دین من اسلام و نبی من محمد است و خداوند کافران را گمراه می کند و پاسخ می دهد آنها نمی دانم و فرد منافق و متردد پاسخ می دهد من نمی دانم من شنیدم که مردم چیزی می گفتند من هم گفتم.

عذاب قبر و نعمت آن:

آن گاه که عثمان بر قبری ایستاد، گریست تا ریشش خیس شد. گفت: به او گفته شد: بهشت و دوزخ را یاد می کنی و غمی گری و از این، این چنین می گویی؟ گفت: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "قبر نخستین منزلگاه آخرت است. اگر از آن نجات یافتید بعد از آن آسان تر می شود و اگر از آن نجات نیافتید بعد از آن سخت تر می شود." گفت و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند "هیچ منظره ای ندیدم مگر اینکه قبر از آن ترسناک تر بود" (روایت از احمد است)

عذاب قبر برای ستمکاران، منافقان، کافران و برای برخی از مومنان گناهکار است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و چون ببینی، آن گاه که ستمکاران در سكرات مرگ اند و فرشتگان دستان خود را گشاده اند [و می گویند: جانیان را بیرون آورید [شگفت زده می شوی]. امروز به [سزای] آنچه به ناحق بر خداوند می گفتید و [به سزای آنکه] از آیتش سرکشی می کردید، به عذاب خوار کننده کیفر داده می شوید" [سوره انعام آیه ۹۳]

و خداوند بلند مرتبه در باره آل فرعون می فرماید: "آتش [دوزخ آنان را فرو گرفت] که به هنگام صبح و شام بر آن عرضه می شوند. و روزی که قیامت بر پا شود، [گوییم: فرعونیان را به سخت ترین عذاب در آورید" [سوره غافر آیه ۴۶]

در حدیث زید بن ثابت از رسول خدا روایت است که فرمودند:





"اگر ترس این نمی بود که مردگان خود را دفن نکنید دعا می کردم که خداوند صدای ناله های عذاب قبر را که من می شنوم به شما بشنوند." پس فرمودند: "از عذاب قبر به خداوند پناه ببرید" پس ما گفتیم: از عذاب قبر به خداوند پناه می بریم. پس فرمودند: "به خداوند پناه ببرید از عذاب آتش" پس ما گفتیم: از عذاب آتش به خداوند پناه می بریم. فرمودند: "به خداوند پناه ببرید از فتنه های آشکار و پنهان" پس گفتیم: پناه بر خداوند از فتنه ها، آنچه که آشکار باشد یا پنهان باشد و فرمودند: "از فتنه دجال به خداوند پناه ببرید"

(روایت از مسلم است)

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم در باره مومن، آن گاه که به دو فرشته پاسخ داد، می گوید: "ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد که بنده من راست گفت. از بهشت برایش بگسترانید و از بهشت بپوشانیدش و از بهشت دری برایش بگشایید و از بوی خوش و هوای لطیف آن به او می رسد و قبرش به وسعت دیدش گشاده می شود"

(روایت از احمد و ابوداود است در روایتی طولانی)

دوم: ایمان به روز رستاخیز:

و آن زنده کردن مردگان است. آن گاه که بار دوم در صور دمیده می شود، مردم برای پروردگار جهانیان از گورها بر می خیزند. پابرنه بدون هیچ گونه کفشی و عریان بدون

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس هنگامی که [جانها] به حلقوم می رسد (۸۳) و شما آن گاه می نگرید (۸۴) و ما از شما به او (محتضر) نزدیکتریم ولی درک نمی کنید (۸۵) پس اگر جزا نمی بینید (۸۶) چرا اگر راستگوید

[سوره فصلت آیه ۳۰]



هیچ گونه پوششی و ختنه نشده. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "چنان که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، [دیگر بار] آن را تکرار کنیم. [که به عنوان] وعده‌ای لازم بر ماست بی گمان ما توانا [بر این] کاریم)" [سوره انبیاء آیه ۱۰۴]

رستاخیز: آن ثابت است و کتاب، سنت و اجماع مسلمانان بر آن دلالت می کند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "سپس شما پس از این خواهید مرد (۱۵) آن گاه قطعاً شما روز قیامت برانگیخته شوید (۱۶)" [سوره مومنون آیات ۱۶-۱۵]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "روز رستاخیز مردم پابرهنه و ختنه نشده برانگیخته می شوند" (روایت متفق علیه است)

مسلمانان بر درستی آن اجماع کرده اند و آن مقتضای حکمت است که خداوند برای این آفرینش رستاخیزی قرار دهد تا در آن بر اساس آن چه به زبان پیغمبران برای آنان فرو فرستاده، به آنها پاداش و کیفر دهد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سویی ما بازگردانده نمی شوید" [سوره مومنون آیه ۱۱۵]

و خداوند بلند مرتبه به پیامبرش می فرماید: "به راستی کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به بازگشتگاهی باز خواهد گرداند" [سوره قصص آیه ۸۵]



و این ها همان رویدادهایی هستند که پیش از وقوع قیامت روی داده و بر نزدیکی آن دلالت می کنند و به دو نوع بزرگ و کوچک تقسیم می شوند.



نشانه های کوچک:

این مجموعه رویدادهایی هستند که پیش از وقوع قیامت به مدتی طولانی روی می دهند و برخی از آنها روی داده و پایان پذیرفته و برخی دیگر آشکار شده اند و تا هنوز آشکار می شوند و ادامه دارند. برخی دیگر تا هنوز روی نداده و بزودی روی خواهند داد. همانسان که رسول خدا صلی الله علیه و سلم خبر داده اند، مانند بعثت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و وفات او و فتح بیت المقدس و ظاهر شدن فتنه ها، از بین رفتن امانتداری، از بین رفتن علم و دانش، ظهور جهل و نادانی، انتشار زنا و روابط نامشروع، رباخواری، ظهور آلات موسیقی، افزایش شرب خمر و افتخار چوپانان در ساختمان های بلند مرتبه، افزایش بد رفتاری فرزندان با مادران و همزیستی با آنان به مثابه نوکر، افزایش کشتار و زلزله، فرورفتن و بلعیده شدن به وسیله زمین مسخ شدن، افزایش بهتان و افترا و ظهور زنان پوشیده اما عریان، افزایش گواهی و شهادت دروغین و پنهان کردن گواهی راستین و دیگر مواردی که در کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمده است.

نشانه های بزرگ:

این ها مجموعه ای از رویدادهای بزرگ هستند که به نزدیکی قیامت دلالت می کنند و اینکه زمان زیادی تا وقوع آن نمانده است و این مجموعه ده نشانه هستند: دجال، فرود آمدن عیسی بن مریم، ظهور یاجوج و ماجوج و سه فرو رفتن در زمین: یکی در مشرق، یکی در مغرب و دیگری در جزیره العرب، ظهور دود، طلوع خورشید از سمت مغرب، پدیدار شدن یک حیوان و آتشی که مردم را به سمت محل حشر می برد. این علامت ها پی در پی می آیند. وقتی نخستین علامت آشکار شد دیگر نشانه ها در پی آن می آیند.

چهارم: ایمان به رویدادهای ترسناک روز رستاخیز، مانند:

۱. کوبیده و هموار شدن کوههای بلند با زمین. خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"و کوهها را بینی [و] آنها را ساکن می پنداری حال آن که آنها چون حرکت ابر در گذرند" [سوره نمل آیه ۸۸]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و کوهها سخت خرد و ریز شوند (۵) و چون غبار پراکنده گردند (۶)" [سوره واقعه آیه ۶-۵]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و کوهها مانند پشم رنگین شوند" [سوره معارج آیه ۹]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و درباره کوهها از تو می پرسند، بگو: پروردگارم آن را سخت خواهد پراکند. (۱۰۵) و آن را [مانند] هامونی هموار خواهد گرداند (۱۰۶) که در آنجا هیچ نشیبی و فرازی نبینی (۱۰۷)" [سوره طه آیات ۱۰۷-۱۰۵]

۲. منفجر شدن دریاها و شعله ور شدن و آتش گرفتن آنها. این دریاها که قسمت اعظم کره زمین را در بر گرفته اند در آن روز منفجر می شوند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و هنگامی که دریاها منفجر شوند" [سوره انفطار آیه ۳] "هنگامی که دریاها افروخته شوند" [سوره تکویر آیه ۶]

۳. تبدیل شدن زمین و آسمانها از وضعی که مردم آن را مشاهده می کنند، آنها در زمینی برانگیخته می شوند که نسبت به آن هیچ گونه شناخت و اثری ندارند. خداوند بلند مرتبه می فرماید "روزی که زمین به زمینی دیگر دگرگون شود و آسمانها [نیز چنین شوند] و به پیشگاه خداوند یگانه قهار آشکار شوند" [سوره ابراهیم آیه ۴۸]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "مردم به روز رستاخیز در زمینی سفید و غبار آلود گرد می آیند به مانند یک صفحه پاک که برای هیچ کس در آن هیچ نشانه ای نیست" (متفق علیه)
سفید و بدون هیچ گونه نشانه و علامت می گردد.



۴. مردم چیزهایی را می بینند که به دیدن آن عادت نداشته اند. آنها کنار هم قرار گرفتن ماه و خورشید را مشاهده می کنند که سبب اضطراب و پریشانی بیشتر می شود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آن گاه که چشم خیره شود (۷) و ماه تیره گردد (۸) و خورشید و ماه به هم آورده شود (۹) انسان آن روز گوید: راه گریز کجاست! (۱۰)" [سوره قیامه آیات ۱۰-۷]

۵. دمیدن در صور، که آن پایان این زندگی دنیا است و آن گاه که آن روز بیاید در صور دمیده می شود و با آن دمیدن، زندگی در زمین و آسمان پایان می پذیرد "و در «صور» دمیده شود، آن گاه آسمانیان و زمینیان [همگی] بمیرند. مگر کسی که خداوند خواسته است" [سوره زمر آیه ۶۸]

آن دمیدنی وحشتناک و نابودگر است. شخص آن را می شنود و چنان وحشت زده می شود که قادر به سفارش و وصیت چیزی نمی گردد و نمی تواند پیش زن و فرزندان و دوستان خود باز گردد. "جز چشم به راه بانگی مرگبار نیستند که در حالی آنان را فروگیرد که دشمنی می ورزند (۴۹) پس نمی توانند وصیتی کنند و نه به سوی خانواده خویش باز گردند (۵۰)" [سوره یس آیات ۵۰-۴۹]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم و می فرماید "سپس در صور دمیده می شود و هیچ کس آن را نمی شنود مگر این که گردش کج می شود و از شدت آن هوش و حواس خود را از دست می دهد - می گوید- نخستین کسی که آن را می شنود فردی است که دارد حوض خود را گل اندود می کند تا شتران از آن بنوشند. - می گوید - پس بیهوش می شود و دیگر مردم هم بیهوش می شوند" (روایت از مسلم است)

۶. گرد آمدن انسانهایی که از آغاز آفرینش تا پایان آن در روی زمین آفریده شده اند: همگی در صحرای محشر جمع می شوند. انسان ها و جن ها از نخستین تا آخرین و حتی حیوانات آنها. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "در این [امر] برای کسی که از عذاب آخرت بترسد، نشانه ای است. آن روز روزی است که مردم در آن گرد آورده شوند و آن روز روزی است که [همگان] حاضر آیند" [سوره هود آیه ۱۰۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بگو: بی گمان پیشینیان و پسینیان (۴۹) در موعد روزی معین گرد آورده می شوند (۵۰)" [سوره واقعه آیات ۵۰-۴۹]

۷. مردم عریان به همان سان که خداوند آنان را آفریده است حشر می شوند، اما از شدت آن روز به چیزی توجه نمی کنند. ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها از آن وضع شگفت زده شد. از او روایت شده است که گفت: "رسول خدا فرمودند: (شما پابرنه، عریان و ختنه نشده حشر می شوید) عایشه گفت: ای رسول خدا مردان و زنان به هم نگاه می کنند؟ فرمود: وضعیت و حالت بسیار سخت تر از آن است که به این امور متوجه شوند" (روایت از بخاری است)

۸. قصاص مظلوم از ظالم حتی در میان حیوانات. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: " شما به روز قیامت حقوق اهل آن را ادا می کنید، حتی قصاص گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار هم گرفته می شود. " (روایت از مسلم است)

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: " هرکس در حق کسی بی عدالتی مرتکب شده و نسبت به مال یا حیثیت وی بی عدالتی کرده است باید امروز از او حلالیت بطلبید پیش از آن که روزی بیاید که نه درهمی باشد و نه دیناری. اگر او را عملی نیک باشد به اندازه بی عدالتی از او گرفته می شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد از گناهان طرفش برداشته و بار او می کنند " (روایت از بخاری است)

۹. نزدیکی خورشید به مردم تا جایی که برابر با کردارشان در عرق خود غرق می شوند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: " روز رستاخیز خورشید نزدیک می شود تا به نزدیکی یک میل می رسد. سلیم بن عامر گفت: به خدا سوگند من نمی دانم منظور از میل چیست. آیا مسافت مشخص در زمین است یا همان میله ای که با آن سرمه به چشم می کشند. می گوید: پس مردم به اندازه اعمالشان در عرق غرق خواهند بود. برخی تا شتالنگ و برخی تا زانو و برخی تا سینه در عرق خواهند بود و برخی دیگر را کاملاً غرق می کند و رسول خدا به دهانش اشاره کردند " (روایت از مسلم است)

۱۰. برخی نامه اعمالشان را به دست راست و برخی دیگر به دست چپ می گیرند و مردم در حالت ترس و وحشت و سرگردانی بر جای می مانند، تا نامه اعمال همگی پخش شود و مومنان بشارت می یابند که نجات آنان نزدیک بوده و نامه اعمال آنها در دست راست آنان جای می گیرد و غم و غصه کافران با استقرار نامه اعمالشان در دست چپ افزوده می شود، این پاداشی برابر با کردارشان است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: " پس اما کسی که کارنامه اش به دست راست او داده شود، می گوید: بگیری کارنامه ام را بخوانید (۱۹) من یقین داشتم که من به حسابم خواهم رسید (۲۰) پس او در زندگانی پسندیده ای خواهد بود (۲۱) در بهشتی برین (۲۲) که میوه اش دسترس است (۲۳) به [پاداش] آنچه در روزگاران گذشته پیش فرستاده اید، گوارا بخورید و بیاشامید (۲۴) و اما کسی که کارنامه اش به دست چپ او داده شود، گوید: ای کاش کارنامه ام به من داده نمی شد (۲۵) و نمی دانستم حساب [کارم] چیست (۲۶) ای کاش مرگ یکسره کننده بود (۲۷) مالم در حق من سودی نبخشید (۲۸) فرمانروایی ام از [دست] من رفت [و نابود شد] (۲۹) " [سوره حاقه آیات ۱۹-۲۹]

۱۱. آن چه به انسان می رسد از ترس و وحشت و بی تابی و نگرانی، به طوری که فرد از هیچ کس چیزی نمی پرسد و جز نفس خودش کسی دیگر برایش مهم نیست. خداوند بلند



مرتبه می فرماید: " روزی که نه مال و نه فرزندان سودی نمی رسانند" [سوره شعراء آیه ۸۸]

۱۲. و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "روزی که انسان از برادرش بگریزد (۳۴) و از مادرش و از پدرش (۳۵) و از همسرش و فرزندان [نیز بگریزد] (۳۶) هر کس از آنان- آن روز- کار و باری دارد که برایش کفایت می کند (۳۷)" [سوره عیس آیه ۳۴]

پنجم: ایمان به حساب و کتاب

بنده بر اساس عمل اش حساب گرفته می شود و پاداش و کیفر می یابد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "به یقین بازگشت آنان به سوي ماست (۲۵) آن گاه حسابشان [نیز] بر ماست (۲۶)" [سوره غاشیه آیات ۲۶-۲۵]

و می فرماید: "هر کس نیکی در میان آورد، ده چندان آن [پاداش] دارد. و هر کس بدی در میان آورد، جز به مانند آن کیفر نیابد و آنان ستم نخواهند دید" [سوره انعام آیه ۱۶۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و در روز قیامت ترازوهای درست را در میان نهیم و کسی هیچ ستمی نبیند و اگر [عمل نیک و بد هر شخص] هموزن دانه خردلی باشد، آن را [در میان] می آوریم و ما حسابرسی را کفایت می کنیم" [سوره انبیاء آیه ۴۷]

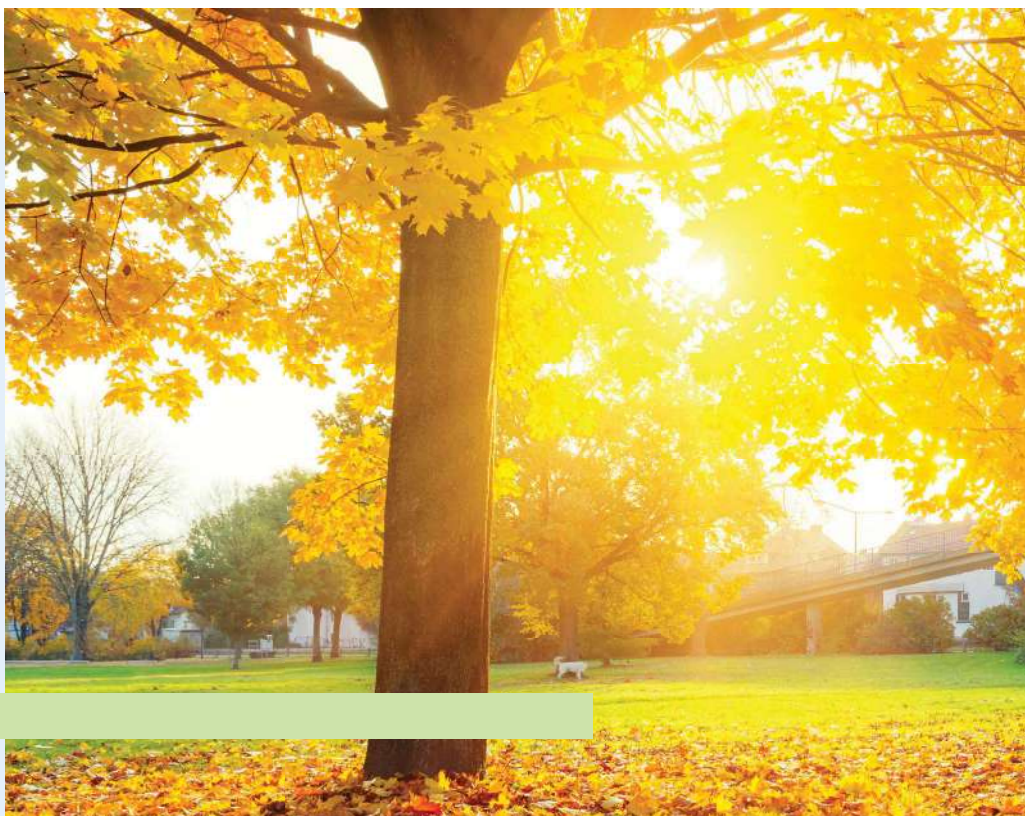
از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند:

"خداوند به بنده نزدیک می شود تا جایی که او را زیر سایه خود می گیرد و او را می پوشاند و به او می گوید: آیا فلان گناه و فلان

گناه، یادت می آید؟ پاسخ می دهد آری ای پروردگار. تا اینکه از او برای تمام گناهانش اعتراف می گیرد و فرد چنین گناه می کند که او هلاک شده است. خداوند می فرماید: من این گناهان را در دنیا پوشاندم و امروز آنها را می بخشم و اعمال

نامه کارهای نیکش به او داده می شود. اما کافران و منافقان را در حضور همه مخلوقات به فریاد می خوانند. "اینانند کسانی که بر پروردگارشان دروغ بستند، بدانید که، لعنت خداوند بر ستمکاران است" [سوره هود آیه ۱۸] (متفق علیه)

در حدیث قدسی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت شده است که در آنچه از خدایش نقل می کند فرمود: "همانا خداوند نیکی ها و بدی ها را نوشته و سپس آنها را بیان داشته است. هر کس قصد انجام نیکی را بکند اما آن را انجام ندهد خداوند یک نیکی کامل برایش می نویسد و اگر قصد آن را نمود و آن را هم انجام داد، ده برابر تا هفتصد برابر برایش پاداش نوشته می شود و اگر قصد انجام دادن بدی را



نمود و آن را انجام نداد
خدا و ند
برایش یک
نیکی کامل
را
ثبت می کند
و اگر قصد
نمود و آن
را انجام داد
فقط یک بدی
برایش می نویسد"
و [غایب نبوده ایم (۷)] " [سوره اعراف آیه ۶-۷]

به حسن بصری گفته شد: می
بینیم که تابعین بیش از صحابه
عبادت می کنند، صحابه در
چه چیزهایی گوی سبقت را از
آنان برده اند؟ حسن پاسخ داد:
اینان عبادت می کنند در حالی
که دنیا در دلهای آنهاست. اما
صحابه عبادت می کردند در
حالی که آخرت در دلشان بود.

(متفق علیه)

تمام مسلمانان بر این اتفاق دارند که حساب
و کتاب بر اعمال و کردار صورت می پذیرد و
آن مقتضای حکمت است، زیرا خداوند متعال

ششم ایمان به بهشت و دوزخ:

این دو منزلگاه جاودانی مخلوقات هستند، بهشت جایگاه نعمتی هایی است که خداوند به مومنان وعده داده است. به مومنان پرهیزگاری که ایمان آوردند به آنچه لازمه باور داشتن است، ایمان آوردند و به پیروی از خداوند و رسول او بپاخواستند و در این مسیر با خداوند مخلص و پیرو رسولش بودند. در بهشت انواع نعمت وجود دارد "آن چه که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی وصف آن را نشنیده و به ذهن کسی هم خطور نکرده است." خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، اینانند که بهترین آفریدگانند (۷) پاداششان در نزد پروردگارشان باغهای جاودانه ای است که از فرودست آن جویباران روان است- که در آن برای همیشه جاودان خواهند بود- خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از او خشنود شدند. این [پاداش] کسی راست که از پروردگارش بیمناک باشد (۸)" [سوره بینه آیات ۸-۷]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس هیچ کس نمی داند که از آنچه مایه روشنی چشم است چه چیزی برایشان نهان داشته شده است. به [پاس] آنچه می کردند [پاداش یافتند]" [سوره سجده آیه ۱۷] و برترین نعمت ها نگرستن به چهره الله تعالی در بهشت است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آن روز چهره هایی تازه [و خرم] هستند (۲۲) نظاره گر به پروردگارشان (۲۳)" [سوره قیامه آیات ۲۳-۲۲]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "کسانی که نیکوکاری کرده اند، نیکویی [بهشت] و افزوده ای بر آن دارند" [سوره یونس آیه ۲۶]

مراد از (حسنی) نیکویی: بهشت است و مراد از زیاده: نگرستن به روی الله است. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "آن گاه که بهشتیان وارد بهشت می شوند، خداوند بلند مرتبه می گوید: آیا می خواهید چیزی افزون به شما بدهم؟ می گویند: آیا صورت های ما را سفید نکردی و ما را در بهشت وارد نساختی و از آتش رهایی ندادی؟ می گوید: پس حجاب بر داشته می شود، پس هیچ چیز را محبوبت تر از نگرستن به روی پروردگارشان ندیدند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و سلم این آیه را تلاوت فرمودند: "کسانی که نیکوکاری کرده اند، نیکویی [بهشت] و افزوده ای بر آن دارند" [سوره یونس آیه ۲۶] (روایت از مسلم است)

اما آتش: آن جایگاه عذابی است که خداوند برای کافران ستمکار آماده کرده است. کسانی که به خداوند کفر ورزیده و با رسولان او مخالفت می نمودند. در آن انواع عذاب و تنبیه مهیا می باشد. چیزهایی که به ذهن کسی نرسیده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از آتشی که برای کافران فراهم دیده شده است بر حذر باشید" [سوره آل عمران آیه ۱۳۱]

و می فرماید: "به راستی که ما برای ستمکاران آتشی را که سرآورده هایش آنان را فرا گیرد، فراهم دیده ایم. و اگر فریاد خواهند با آبی همانند مس گداخته که چهره ها را بریان کند به دادشان

رسند. بد شرابی است و [جهنم] بد آرامگاهی است" [سوره کهف آیه ۲۹]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بی گمان خداوند کافران را لعنت کرده است و برایشان آتش فروزان فراهم دیده است (۶۴) که همواره در آنجا جاودانند. هیچ دوست و یاریگری نیابند (۶۵) روزی که چهره هایشان در آتش گردانیده شود. گویند: ای کاش ما از خداوند و رسول [او] اطاعت می کردیم (۶۶)" [سوره احزاب آیه ۶۶-۶۴]

و سبک ترین آنها در عذاب را رسول خدا صلی الله علیه و سلم چنین توصیف می کند: "سبکترین عذاب روز قیامت از آن شخصی است که در زیر کف پایش اخگری گذاشته می شود که به سبب آن مغز او در سرش می جوشد" (روایت از بخاری است)



محقق شدن یک رکن از ارکان ایمان به خداوند، زیرا ایمان به خداوند بدون ایمان به روز رستاخیز محقق نمی شود. این از جمله ارکان ایمان است و به همین سبب خداوند جنگ با کسانی را که به آن ایمان ندارند لازم گردانیده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بجنگید با کسانی که به خداوند و روز بازپسین ایمان نمی آورند" [سوره توبه آیه ۲۹]

امنیت در دنیا و آخرت و وعده دریافت پاداش بزرگ، خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بدان که دوستان خدا، نه بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین شوند" [سوره یونس آیه ۶۲]
وعده دریافت پاداش بزرگ، خداوند بلند مرتبه می فرماید: "به راستی کسانی از مؤمنان و یهودیان و ترسایان و صابئین که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند، پاداششان را نزد پروردگارشان دارند. و نه بیمی بر آنان است و نه آنان اندوهگین شوند" [سوره بقره آیه ۶۲]

تشویق برای انجام کارهای نیک؛ خداوند بلند مرتبه می فرماید: "ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [هم] اطاعت کنید هر گاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام تر است" [سوره نساء آیه ۵۹]

و می فرماید: "فقط کسی مسجدهای خدا را آباد می کند که به خداوند و روز قیامت ایمان آورده باشد" [سوره توبه آیه ۱۸]



و می فرماید: "به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می دارد و خداوند را بسیار یاد می کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست" [سوره احزاب آیه ۲۱]

و می فرماید: "به راستی در آنان برایتان سرمشقی نیکوست. برای کسی [از شما] که به [لقای] خدا و روز قیامت امیدوار است" [سوره ممتحنه آیه ۶]

و می فرماید: "و گواهی را برای [رضای] خدا ادا کنید. این [حکم] کسی است که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد" [سوره طلاق آیه ۲]

از انجام کارهای منکر و بد جلوگیری می کند: پروردگار بلند مرتبه ما می فرماید: "و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، نهان داشتن آنچه خداوند در رحمهایشان آفریده است، برای آنها روا نیست" [سوره بقره آیه ۲۲۸]

ام المومنین عایشه رضی الله عنها به زنی گفت: مرگ را بسیار یاد کن چرا که سبب نرمی و لطافت دل می شود.

و می فرماید: "و چون زنان را طلاق دادید و به سر آمد خویش برسند، وقتی که در بین خویش به شایستگی تراخی کنند، آنان را از آنکه با همسران خویش ازدواج کنند، باز مدارید. این [حکمی است] که هر کس از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به آن پند داده می شود" [سوره بقره آیه ۲۳۲]

و می فرماید: "کسانی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند [در سرباز زدن از] آنکه با مالهایشان و جانهایشان جهاد کنند از تو اجازه نمی‌خواهند و خداوند به [حال] پرهیزگاران داناست (۴۴) فقط آنان از تو اجازه می‌خواهند که به خداوند و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و دلهایشان شک آورده است، پس آنان در شک خود سرگردان می‌شوند (۴۵)" [سوره توبه آیات ۴۴-۴۵]

به همین سبب کسی که به روز رستاخیز ایمان ندارد از انجام کارهای زشت و منکر باز نمی‌آید و از ارتکاب آنها شرم نمی‌کند. "آیا نگریده‌ای به کسی که جزای اعمال را دروغ انگاشت! (۱) آن شخص همان کسی است که یتیم را [با اهانت از خود] می‌راند (۲) و بر خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند (۳)" [سوره ماعون آیات ۱-۳]

دل‌داری دادن به مومن از آنچه که از نعمت‌ها و پاداش دنیا از دست می‌دهد. بهشت آن رستگاری بزرگ است و زندگی دنیا جز اسباب غرور چیزی نیست. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "هر موجود زنده‌ای چشنده [طعم] مرگ است. و جز این نیست که پاداشهائتان را در روز قیامت، به تمام و کمال خواهید یافت. پس هر کس که از آتش [جهنم] دور داشته و به بهشت در آورده شود، بی شک رستگار شده است. و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست."

[سوره آل عمران آیه ۱۸۵]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "بگو: به راستی من اگر از پروردگارم نافرمانی کنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم (۱۵) هر کس که در آن روز [عذاب را] از او باز دارند. به راستی

[خداوند] به او رحمت آورده است. و این است کامیابی آشکار (۱۶)" [سوره انعام آیات ۱۶-۱۵]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "و آخرت بهتر و ماندگارتر است" [سوره اعلی آیه ۱۷]

حسن رضی الله عنه می‌گوید: کسی که مرگ را شناخت، مصیبت‌های دنیا برایش آسان می‌شود.



دل‌داری دادن به مومن از آنچه که از نعمت‌ها و پاداش دنیا از دست می‌دهد، بهشت آن رستگاری بزرگ است و زندگی دنیا جز اسباب غرور چیزی نیست. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "هر موجود زنده‌ای چشنده [طعم] مرگ است. و جز این نیست که پاداش‌های آن را در روز قیامت، به تمام و کمال خواهید یافت. پس هر کس که از آتش [جهنم] دور داشته و به بهشت در آورده شود، بی شک رستگار شده است. و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست"

[سوره آل عمران آیه ۱۸۵]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "بگو: به راستی من اگر از پروردگارم نافرمانی کنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم (۱۵) هر کس که در آن روز [عذاب را] از او باز دارند. به راستی [خداوند] به او رحمت آورده است. و این است کامیابی آشکار" [سوره انعام آیات ۱۶-۱۵]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "و آخرت بهتر و ماندگارتر است" [سوره اعلی آیه ۱۷]

قلب نه اصلاح می‌شود و نه رستگار می‌گردد، نه آرامش می‌یابد و نه لذت واقعی را درک می‌کند، نه خوش می‌شود و نه آرام می‌گیرد مگر به عبادت پروردگار و دوستی با او و روی آوردن به او.

شیخ الاسلام

بازبینی

۱. دین و ایمان چه رابطه ای با آرامش و آسایش دارد؟ توضیح دهید.
۲. ایمان را تعریف و آثار آن را بر جوامع توضیح دهید.
۳. مقتضیات و لوازم ایمان به خداوند کدام اند؟
۴. برترین اعمال و پاکترین آن در نزد خداوند بلند مرتبه کدام اند؟
۵. از ثمرات ایمان به الله تعالی کدامین را بر خود و خانواده و جامعه احساس کرده اید. چند تا را نام ببرید؟
۶. مقتضیات ایمان به پیامبران چیست؟
۷. چرا لازمه ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و سلم محبت با یاران اوست؟
۸. رویدادها و احوال روز قیامت را به ترتیب از نشانه های کوچک تا ورود به بهشت یا دوزخ توصیف کنید.
۹. مهمترین اعمالی که سبب ورود به بهشت و نجات از دوزخ می شوند کدام اند؟
۱۰. ثمرات ایمان به آخرت را در عبادت، خشیت و محبت الله تعالی توضیح بدهید.
۱۱. بزرگترین و مهمترین نعمت بهشت چیست؟ و سبک ترین عذاب دوزخ کدامین است؟



شناخت الله آفریننده نو آفرین

الله اسمی است که در لفظ شیرین و در معنا دلپذیر است و از توله و تعلق و دوستی و محبت گرفته شده و از بی همتایی و بی نظیر بودن و پرستش و اخلاص بر گرفته شده است. این نام چقدر با عظمت است!

شناخت الله آفریننده نو آفرین

الله اسمی است که در لفظ شیرین و در معنا دلپذیر است و از توله و تعلق و دوستی و محبت گرفته شده و از بی همتایی و بی نظیر بودن و پرستش و اخلاص برگرفته شده است. این نام چقدر با عظمت است!

اولا: پروردگار من الله است:

"اوست خداوند آفریدگار نو آفرین نقشبند" [سوره حشر آیه ۲۴]

۱- معنی رب:

رب آن سرور و سالاری است که نمونه و مانند ندارد. او اصلاح کننده امور آفریده های خود بوده و نعمت های خود را بر سر آنان سرازیر کرده است. او آن مالک و صاحبی است که آفرینش و حکم از آن اوست. واژه رب برای مخلوق استفاده نمی شود مگر در حالت اضافه مانند: رب الدار: صاحب خانه، رب المال: صاحب مال. اما استفاده مطلق از آن، فقط خاص الله تعالی است.

چون آگاهی مردم نسبت به نیازشان به رب و پروردگار پیش از فهم آنان به نیازمندی به اله و معبود است و آنان پیش از دفع نیازمندی های سرای دیگر قصد دفع نیازمندی ها در این سرای نزدیک را دارند، پس پیش از اقرار به الوهیت به ربوبیت خداوند اقرار نموده و دعا و خواسته های خود را مطرح کرده اند. از او یاری خواسته و بر او توکل کرده اند و این ها بیشتر از پرستش و روی آوری با او بوده است.

او الله است، همان آفریننده نو آفرین و نقشبند که تمامی مخلوقات را آفریده است. آفرینش آنان را نو نمود و به حکمت خود آنان را استوار داشته است با ستایش و حکمت خود آنان را نقش بسته و او همیشه بر این وصف بزرگ بوده و هست.

الله رب است: او پرورش دهنده و مسلط بر تمام بندگانش است. امور آن ها را تدبیر و نعمت های خود را بر آنان سرازیر می سازد و خاص ترین این تربیت و پرورش اصلاح قلوب و ارواح و اخلاق دوستانش است. به همین سبب بسیار زیاد به نام جلیل او را می خوانند، زیرا آنان این تربیت و پرورش خاص را از او می خواهند.

رب و ربوبیت دارای معانی بزرگی است. از آن جمله دخل و تصرف در خلق و دادن روزی و صحت و توفیق و راه نهایی. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و کسی که او به من غذا می دهد و به من [آشامیدنی] می نوشاند (۷۹) و چون بیمار شوم همو مرا شفا می دهد (۸۰) و کسی که مرا می میراند آن گاه زنده ام می گرداند (۸۱)" [سوره شعراء آیات ۷۹-۸۱]



۲- دلایل وجود رب:

تمام هستی به این اقرار می کند و آن را تصدیق نموده و به آن اعتراف می کند و ایمان دارد و به وجود الله فریاد می زند خدای بلند مرتبه می فرماید: "رسولانشان گفتند: آیا در [وجود] خداوند شک هست، که آفریننده آسمانها و زمین است! شما را فرا می خواند تا گناهانتان را برای شما بیامرزد و تا مدتی معین [اجل] شما را باز پس اندازد. گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید. می خواهید که ما را از آنچه نیاکانمان می پرستیدند، باز دارید. پس برای ما دلیلی آشکار در میان آورید" [سوره ابراهیم آیه ۱۰]

چگونه برای وجود کسی دلیل می خواهند که ایشان بلند مرتبه و با عظمت و دلیل هر چیز است. اگر باصرف نظر از این، در پی دلیل برای رب و پروردگار بگردیم این موارد را خواهیم یافت:

مومن: کسی است که یقین دارد الله تعالی پروردگار توانا بوده و یقین دارد که او معبود یکتاست.

او را جز به فضل و احسانش ذکر نمی کند و غمی ستاید و تو در هر دو حالت به او، جل جلاله نیاز داری

دلیل فطرت:

مخلوقات بر ایمان به خالق آفریده شده اند و فقط کسانی از این ایمان رویگردان می شوند که فطرت حقیقی آنها محو شده است. از بزرگترین دلایل گرایش فطرت به الله تعالی، آن سخن رسول خدا صلی الله علیه و سلم است که می فرماید: "هر مولودی بر اساس فطرت از مادر متولد می شود و پدر و مادرش او را یهودی، مسیحی و یا مجوسی می کنند. به مانند چهارپایان که بچه خودشان را می زایند، آیا در میان آنان گوش بریده ای می بینی" (روایت از بخاری است)

هر مخلوق بنا بر فطرتش به توحید اعتراف می کند. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "پس روی [دل] ات را با حق گرایي تمام به سوي این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی دانند" [سوره روم آیه ۳۰]

این ها دلایل فطرت بر وجود پروردگار بلند مرتبه هستند.

دلیل فطرت بر وجود الله تعالی از هر دلیلی قوی تر است. البته برای کسی که مورد هجوم شیطان قرار نگرفته باشد. به همین سبب الله متعال فرموده است: "فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است" [سوره روم آیه ۳۰]

و این را بعد از این سخن اظهار داشت: "پس روی [دل] ات را با حق گرایي تمام به سوي این دین بگردان" [سوره روم آیه ۳۰]

فطرت سالم به وجود الله تعالی گواهی می دهد و کسی که مورد هجوم شیطان قرار گرفته است به طور عادی از این دلیل استفاده نمی کند و زمانی به آن نیاز پیدا می کند که در مشکل و ورطه بزرگی بیفتد. در آن هنگام دستان، چشمان و دلش به سوی آسمان متوجه می شود و با فطرت و آفرینش استوارش مستقیماً از پروردگارش یاری و کمک می جوید.

الله نامی است که در فطرت نقش بسته و نیاز به دلیلی رسا تر از این نمی باشد.





دلیل عقل:

از جمله قوی ترین و مستدل ترین دلایل بر وجود خالق دلایل عقلی است که جز فرد منکر و کافر کس دیگری نمی تواند آنها را انکار کند. از این نمونه است:

۱. هر مخلوقی خالق و آفریننده ای دارد و چون این ها آفریده شده اند، پس باید آفریننده ای داشته باشند که آنها را آفریده است، زیرا هیچ چیز نمی تواند خودش را به وجود بیاورد و همچنین نمی شود به طور تصادفی به وجود آمده باشد، نمی تواند خودش را به وجود بیاورد زیرا به حکم عقل هیچ چیز نمی تواند آفریننده خود باشد، چون آن پیش از بوجود آمدن، معدوم است و چگونه می تواند آفریننده و خالق خود باشد در حالی که وجود ندارد پس چون هر چیزی که موجود است باید بوجود آورنده ای داشته باشد و از سوی دیگر آفرینش او با این نظام شگفت، بدیع، هماهنگ، متحد و صمیمانه بوده و نظام اسباب و مسببات بین مخلوقات حاکم گشته پس به طور قطع محال است که به شکل تصادفی به وجود آمده باشد. هر آفریده ای آفریننده ای دارد و اگر این مخلوقات نمی توانند خودشان را بیافرینند و امکان به وجود آمدن به شکل تصادفی نیز وجود ندارد پس می ماند اینکه آنان را بوجود آورنده ای است که او الله پروردگار جهانیان است. خداوند بلند مرتبه و با عظمت این دلیل عقلی و این برهان را در قرآن این چنین ذکر کرده است: "آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند!" [الطور: ۳۵]

یعنی آنها بدون آفریننده آفریده نشده اند و خودشان هم خود را نیافریده اند. پس باید آنها خالق و آفریننده ای داشته باشند و آن الله بلند مرتبه است. در روایات آمده است که آن گاه که جبیر بن مطعم شنید رسول خدا صلی الله علیه و سلم سوره طور را می خواند و به این آیات رسید: "آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند! (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند! [نه] بلکه آنان یقین نمی کنند (۳۶) آیا خزانه های پروردگارت نزد آنان است یا آنان چیره هستند (۳۷)" [سوره طور آیات ۳۷-۳۵]

جبیر در آن روز مشرک بود و گفت: "نزدیک بود قلبم از جا کنده شود". (روایت از بخاری است)

۲. آیات آشکار خداوند در هستی و آفرینش او؛ خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "بگو بنگرید که چه چیز در آسمانها و زمین است"

[سوره یونس آیه ۱۰۱]

زیرا نگرستن در آسمانها و زمین سبب می شود تا شخص به این نتیجه برسد که الله همان خالق است و به ربوبیت پروردگارش یقین کند. از یک اعرابی در بیابان پرسیدند: خدایت را به چه چیز شناختی؟ گفت اثر پا بر رونده ای دلالت می کند و پشگل شتر بر وجود شتر. آیا این آسمان دارای برج ها و زمین با دره و کوه و دریای پر موج اش بر پروردگار شنوای بیبا دلالت نمی کنند؟!

بشریت در برابر پرده های غیب و پوشیده برای همیشه عاجز و ناتوان باقی می ماند هر چندان که دانش مادی، زمینی او اوج بگیرد، تنها ایمان به خداوند است که این موضوع را حل می کند.

۳. منظم بودن امر دنیا و محکم بودن این نظم و ترتیب، این دلالت می کند که تدبیر کننده آن یک معبود یکتا بوده و صاحب و مالک یگانه بوده و پروردگار و رب یکی است و غیر از او معبود و رب دیگری وجود ندارد، همانگونه که وجود دو پروردگار و معبود و آفریننده که در تمام امور مثل و مانند هم باشند محال است، رسیدن به این دانش که هستی را دو خدای مانند هم آفریده اند ناممکن بوده و بر اساس فطرت بشری و دانش آدمی محال است. پس وجود دو معبود باطل می شود.

دلیل شرع:

تمام قوانین آسمانی بر وجود آفریننده و بر کمال علم، حکمت و رحمت او دلالت می کنند، زیرا این قوانین باید قانونگذاری داشته باشند و قانونگذار خداوند ارجمند و با عظمت است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "ای مردم، پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده است، بندگی کنید تا [از خشم خدا] ایمن مانید (۲۱) کسی که زمین را [مانند] بساطی و آسمان را [مانند] سقفی برایتان قرار داد. و از آسمان آبی باراند، سپس بدان از [انواع] فراورده ها برای روزی شما بر آورد. پس در حالی که می دانید برای خداوند همتیانی مقرر مکنید (۲۲)" [سوره بقره آیات ۲۲-۲۱]

و تمام کتاب های آسمانی این چنین اظهار می دارند.



دلیل حس

از آشکارترین و واضح ترین براهین گویای وجود پروردگار پاک و بلند مرتبه دلیل حس است. حسی که برای هر صاحب بصیرتی آشکار و ملموس است:

۱. پذیرش دعاها: انسان خداوند ارجمند و با عظمت را به دعا می خواند و می گوید: ای پروردگار، از او چیزی می خواهد و بعد مشاهده می کند که دعایش پذیرفته شده است و این دلیلی ملموس و قابل درک با حس بشری بر وجود رب است. او جز خداوند کس دیگری را نخوانده و خداوند دعای او را پذیرفته است و چه بسا این بارها مشاهده شده و نمونه هایی از این پذیرش را بارها در باره گذشتگان شنیده ایم که خداوند دعای آنها را پذیرفته و خواسته آنان را لبیک گفته است و این امری عادی است که دلالت بر وجود خالق می کند و از این دست در قرآن فراوان است و از آن جمله: "ایوب را [نیز یاد کن]، چون پروردگارش را ندا داد که: آسیبی به من رسیده است و تو مهربانترین مهربانانی. (۸۳) پس [دعایش] را اجابت کردیم" [سوره انبیاء آیات ۸۴-۸۳]

و جز این آیات فراوانی در این باره وجود دارد.

۲. هدایت مخلوقات به راز زندگی شان: چه کسی انسان را در هنگام ولادت به سوی پستان مادر رهنمون می کند تا از آن شیر بنوشد و چه کسی هدهد را به دیدن جایگاه آب در زیر زمین راهنمایی می کند در حالی که جز او کسی متوجه آن نمی شود؟ همانا او همان الله است که می گوید: "گفت: پروردگار ما کسی است که به همه چیز [هیئت] آفرینش را داده، آن گاه او را [به جستجوی نیازهایش] هدایت کرده است" [سوره طه آیه ۵۰]



الحاد یک بیماری در عقل و خلی در اندیشه و تفکر و ظلمت و تاریکی در قلب و سبب ضایع شدن زندگی است.



است. او به خدایش آرام می گیرد و به او پناه می برد. او می داند که زندگی مخلوطی از خوبی و بدی و عدل و ظلم و لذت و درد است.

اما کسانی که ربوبیت الله را انکار کرده و نسبت به دیدار با او در شک و تردید اند، زندگی آنها طعم و مزه ای ندارد و سرشار از پریشانی، اضطراب، حیرانی و علامات سوال پی درپی و بدون پاسخ است. آنها پناهگاهی ندارند تا به آن پناه گیرند و عقل های آنان با وجود هوش و ذکاوت در حیرت، سرگردانی و پریشانی بوده و این عذاب دنیا است که صبح و شب آتش آن دلهایشان را می سوزاند.

۲. آرامش روانی: آرامش روانی فقط یک مصدر دارد و آن ایمان به الله تعالی و روز آخرت و... است. ایمانی راستین و ژرف که هیچ گونه شکی در آن نبوده و هیچ نفاقی آن را فاسد نسازد. این است چیزی که واقعیت نمایان به آن گواهی می دهد و تاریخ از نمونه های آن آکنده بوده و هر انسان منصف و بصیر در اطراف خود آن را لمس می کند. ما به تجربه آموخته ایم که بیشتر مردم که در اضطراب و فشار روانی و پریشانی به سر می برند و احساس پوچی و نابودی می کنند کسانی هستند که از نعمت ایمان و خنکی یقین محروم هستند. زندگی آنان هیچ مزه و طعمی ندارد،

۳. و نشانه هایی که پیغمبران و رسولان آورده اند: و آن ها همان معجزاتی هستند که خداوند با آن ها رسولان، پیغمبران و برگزیدگان خودش را بر دیگر آدمیان تایید و تقویت نموده است. هر رسولی را که خداوند به سوی قومی فرستاده است او را با معجزه ای تایید نموده تا برای آنان ثابت شود که آنچه را رسول می گوید از طرف خالق معبود است و پروردگار و معبودی جز او نیست.

۳- اثر توحید ربوبیت در زندگی بنده یکتا پرست:

۱. رهایی یافتن از حیرت و شک: چگونه کسی دچار شک و تردید می شود در حالی که می داند او خدایی دارد که پروردگار همه چیز بوده و کسی است که او را آفریده و او را استوار داشته است. به او اکرام و احسان نموده و او را فضیلت داده است. او را در زمین جانشین خود ساخته و هر آن چه را در آسمانها و زمین است، برایش رام گردانده و نعمت های ظاهر و باطن خود را به او داده





اگرچه پر از لذایذ و رفاه باشد، زیرا آنان برای این زندگی معنی و مفهومی نمی یابند و در آن هدفی مشاهده نکرده و راز آن را درک نمی کنند. اکنون با این وضع و حال آنها چگونه به آرامش روانی و خاطر آسوده دست یابند؟ همانا این آرامش و خاطر آسوده نتیجه و ثمره ایمان و توحید است و آن درختی پاک است که ثمره اش را به اجازه خداوند می دهد. آن نفخه و دمی آسمانی است که خداوند بر دل

ایمان قایق نجات و رهایی است

های مومنان نازل می کند تا آنان در هنگام پریشانی ثابت قدم و در هنگام خشم و ناراحتی مردم، خشنود بمانند و در شک و حیرت مردم، آنان به خنکی یقین داشته و در هنگام بی ثباتی دیگران شکیبایی و صبر و در هنگام بی ثباتی و سبکسری حلم و بردباری پیشه کنند. این همان آرامشی

کسی که به همراهی خداوند (از دیگران) بی نیاز شد مردم به او نیازمند می شوند.

بود که قلب رسول خدا صلی الله علیه و سلم را در روز هجرت آکنده بود و هیچ گونه غصه و اندوهی به او نمی رسید و ترس

بر او غلبه نمی کرد و هیچ گونه شک و تردیدی در دل او خطور نمی کرد. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "اگر او (پیامبر) را یاری نکنید، در حقیقت خداوند هنگامی به او یاری کرد که کافران در حالی که یکی از دو تن بود [از مکه] بیرونش کردند، هنگامی که در غار بودند، آن گاه که به یار خود می گفت: نگران مباش. بی گمان خداوند با ماست"

[سوره توبه آیه ۴۰]

بر همراه او، صدیق رضی الله عنه احساس اندوه و دلسوزی بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و نه برای خودش، غلبه نموده بود. از این می ترسید که چیزی زندگی رسول را دچار خطر سازد و دعوت توحید دچار اختلال شود، تا جایی که گفت - در حالی که اگر دشمنان او که به سوی غار خیره شده بودند، به پای خود می نگریستند آنها را می دیدند - : "ای رسول خدا اگر یکی از آنان به قدم پای خود بنگرد ما را خواهد دید. رسول خدا صلی

هر گاه در ارتباط با خداوند ضعیف گشتی در معرض درگیری و کینه ورزی قرار می گیری.

الله عیله و سلم فرمود - در حالی که به او آرامش می داد- "ای ابوبکر نسبت به دو نفری که خداوند سومین آنهاست چه گمان می بری؟" (روایت از مسلم است)

و این آرامش دمی ربانی و نوری است که فرد هراسان به آن آرام گرفته و به هنگام پریشانی به آن اطمینان می یابد و فرد غم دیده و محزون به آن آرام گرفته و تسلی حاصل می کند. فرد خسته به آن آرامش یافته و فرد ضعیف به آن قوی می شود و سرگشته و گمراه به آن هدایت می شود. این آرامش پنجره ای است که خداوند بر بندگان مومن خود می گشاید و نسیم روح بخش را بر سرزمین دل آنان جاری می سازد و نور خود را بر آنان روشن می کند و عطر و بوی خوش آن را به دل و دماغ آنان می رساند تا نتیجه برخی از کارهای خیر خود را بچشند و نمونه کوچکی از آنچه در انتظار آنان است، را ببینند و به این نعمت ها از نسیم روح بخش و بوی خوش و ریحان و صلح و امان بهره مند شوند.

۳. اعتماد و ثقه به خداوند: تمام چیزها به دست خداوند ارجند و با عظمت هستند و از آن جمله سود و زیان است. الله خالق ارجند با عظمت است و او رازق و مالک و مدبر است. و کلید آسمان ها و زمین به دست اوست به همین سبب وقتی مومن دانست که جز آن چه خداوند از خیر و شر برایش نوشته است چیز دیگری به او نمی رسد و یک دستی تمام مخلوقات بر خلاف آن چه او نوشته و تقریر کرده است سودی نمی رساند، در آن هنگام می داند که فقط اوست سود رسان و زیان دهنده و بخشنده و منع کننده. این فهم سبب بالا رفتن اعتماد به الله عز و جل شده و توحید او در دلش ثبات می یابد، به همین سبب خداوند کسانی را ملامت می کند که چیزهایی را می پرستند که سود و زبانی به پرستش کننده خود نمی رسانند. با برکت است آن که می فرماید: "کلیدهای آسمان و زمین به دست اوست و کسانی که به نشانه های خداوند کفر ورزیده اند، اینانند که زیانکارند" [سوره زمر آیه ۶۳]



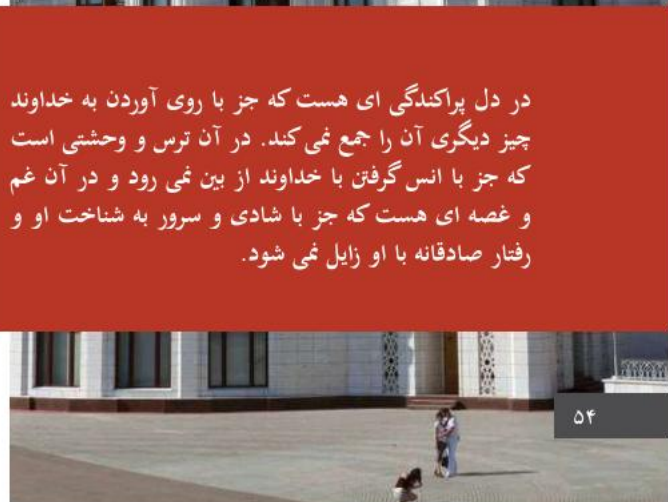
۴. تعظیم و احترام به خداوند:
این اثر در زندگی کسی که
به خداوند ایمان دارد آشکار
است. کسی که فقط او را
می پرستد و فقط رضایت
او را هدف اعمال خود قرار
داده است. وقتی که مومن به
ملکوت و پادشاهی خداوند
در آسمانها و زمین فکر می کند
او را نسزد جز این که بگوید:
" پروردگارم از روی دانش
[به] همه چیز احاطه دارد"

[سوره انعام آیه ۸۰]

و می گوید: "پروردگارا، این
را باطل نیافریده ای، پاکی برای
توست" [سوره آل عمران آیه ۱۹۱]

تمام این ها به ارتباط قلب با
پروردگارش، خالق ارجمند و با
عظمت دلالت می کند. تا در مسیر
کسب خشنودی او تلاش کرده و در
راستای احترام و بزرگداشت شرع
و قانون او سعی کند و کسی را که
نه برای خودش و نه برای دیگران،
مالک ذره ای در زمین و آسمان
نیست شریک خداوند نسازد. و
تمام این امور تعظیم و احترام به
پروردگار ارجمند و با عظمت و از
آثار توحید ربوبیت بر مومن است.

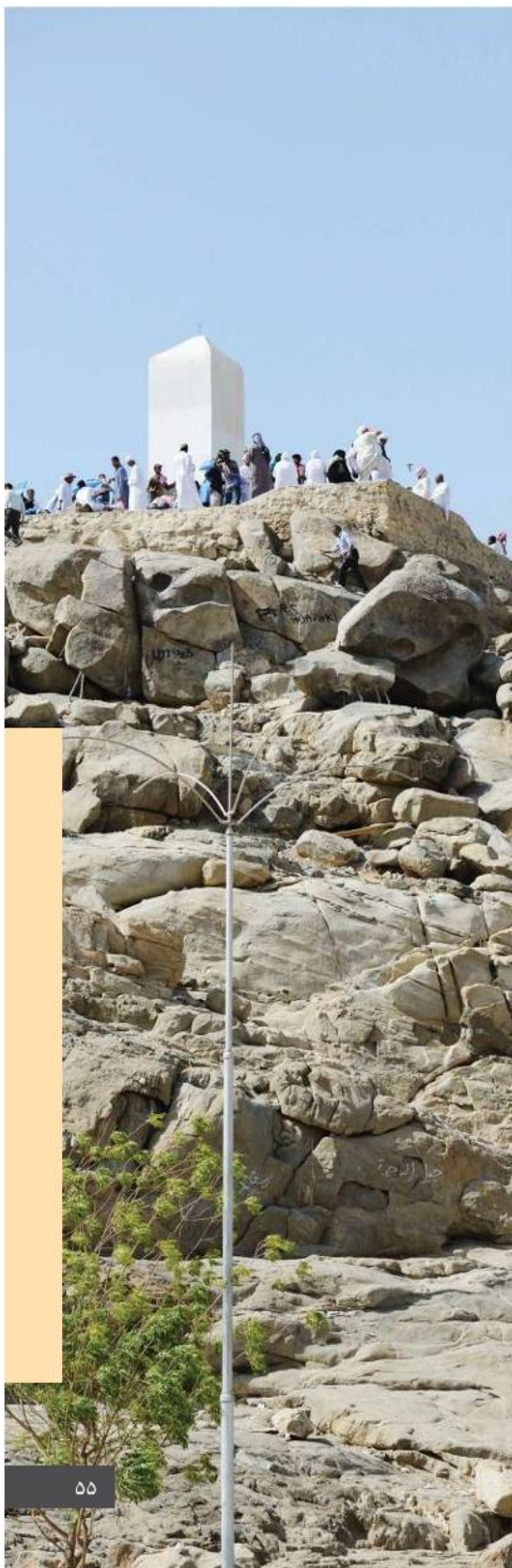
در دل پراکندگی ای هست که جز با روی آوردن به خداوند
چیز دیگری آن را جمع نمی کند. در آن ترس و وحشی است
که جز با انس گرفتن با خداوند از بین نمی رود و در آن غم
و غصه ای هست که جز با شادی و سرور به شناخت او و
رفتار صادقانه با او زایل نمی شود.



۴- الحاد و خطرات آن:

الحاد همان انکار خالق ارجمند با عظمت است که فقط به سبب فکر بیمار یا نگاه سست یا روی گردانی و عناد و سرکشی روی می دهد. این یک نوع بیماری در عقل و تفکر و خللی در اندیشه و ظلمت و تاریکی در قلب است که سبب می شود تا نگاه ملحد را سست و بی توان کرده و قلب او را تاریک گرداند به شکلی که از او توان دیدن و درک امور غیر محسوس و مادی را می گیرد. پس افکار و باورهای اندیشه مادیگرایی بر او تطبیق پیدا می کند و در نتیجه بدبخت و گمراه بر جای می ماند. چنین گمان می برد که انسان فقط یک موجود مادی است که فقط قوانین مادی بر او اجرا و تطبیق پیدا می کنند.

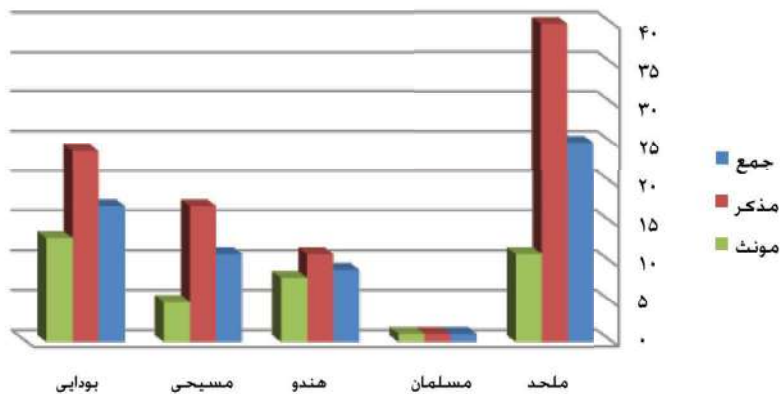
تمام این ها خطری بر بشریت به حساب می آیند که او را به سمت میل مادی محض و عقلانیت خشک بدون سعادت و راحتی و شادی و شادمانی سوق می دهند. چون ملحد به وجود هیچ معبود و الهی باور ندارد هر کار که بخواهد در هر زمان و مکان بدون هیچ گونه خوف و ترس از عذاب انجام می دهد زیرا او از هیچ معبودی هراس به دل ندارد. این وضع منجر به فساد فطرت بشری و نابودی آن می گردد. جدا از اینکه آن کفر به خداوند ارجمند و با عظمت و میل برای دادن حق پرستش او به دیگران است. (با برکت و منزه است پروردگار) به همین سبب در طول تاریخ خودکشی در میان ملحدین بسیار فراوان گشته به طوری که بسیاری از متفکرین، اهل فرهنگ و شعر به خودکشی





روی آورده اند. تاریخ آکنده از این موارد است و تحقیقات هم این را ثابت می کنند. در پژوهشی که موسسه سلامت جهانی (OHW) منتشر ساخته است، پژوهندگان این تحقیق دکتر جوس مانویل و الیساندرا فلیشان اظهار می دارند که رابطه مستقیمی میان دین و خودکشی وجود دارد و تاکید می کنند که بیشتر افرادی که به خودکشی روی می آورند ملحد و بی دین هستند و در نمودار زیر این موضوع تبیین شده است:

نسبت خودکشی با دین برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر



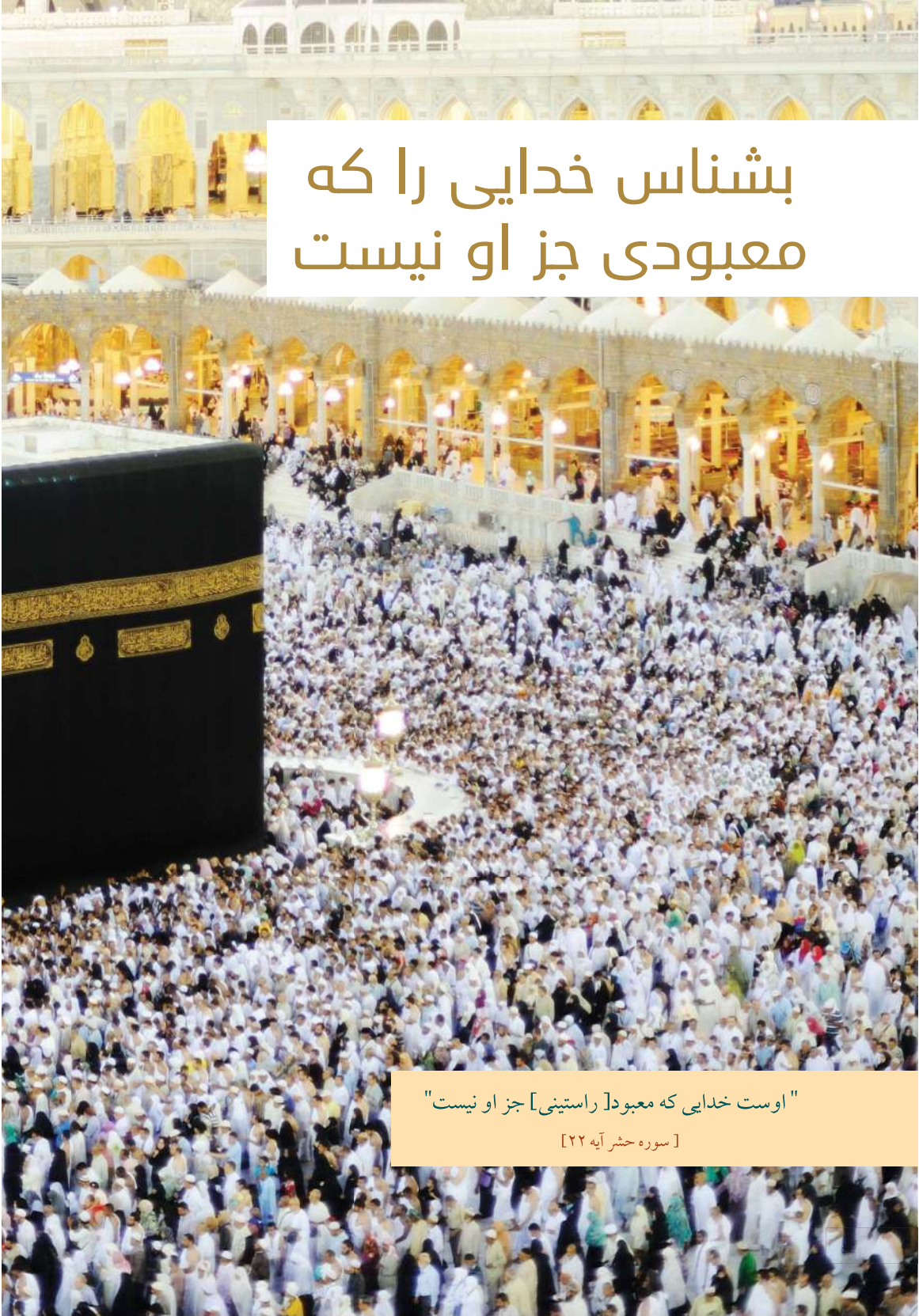
ایمان به الله، آن خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، بالاترین و برترین اعمال است که جایگاه آن از تمامی کردارها بالاتر و بهره آن از همگی بیشتر است.

امام شافعی

بازیني

۱. اگر دلایل وجود الله ظاهر و آشکار است و عقل، حس، فطرت، قانون آسمانی و شرع به آن گواهی می دهند، پس چرا باز هم ملحد یافت می شود؟
۲. چرا مردم پیش از احساس الوهیت متوجه ربوبیت خداوند می شوند؟
۳. تعدادی از دلایل وجود الله و ربوبیت او را که روزانه مشاهده می کنید نام ببرید.
۴. تعدادی از معانی ربوبیت الله عز و جل را نام ببرید.
۵. رابطه بین الحاد و خود کشی را شرح داده و بگویید که چرا الحاد منجر به خودکشی می شود؟





بشناس خدایی را که معبودی جز او نیست

"اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست"

[سوره حشر آیه ۲۲]

خداوند متعال را بشناس

دوم: خدایی را بشناس که معبود
راستینی جز او نیست.

"اوست خدایی که معبود [راستینی]
جز او نیست" [سوره حشر آیه ۲۲]

لا اله الا الله

این کلمه توحید خالص و بزرگترین واجب خداوند بر
بندگان است و در دین چنان جایگاهی دارد که سر به بدن
انسان.

معنی اله

اله: آن معبود اطاعت شده ای است که شایسته پرستش است.
"و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید"

[سوره نساء آیه ۳۶]

معنی "لا اله الا الله":

یعنی: معبود راستین و به حق جز الله نیست.

از دو رکن اساسی تشکیل شده است.

اول: نفی الوهیت حقیقی از غیر خداوند ارجمند و با عظمت.

دوم: اثبات الوهیت حقیقی برای او و نه غیر از او.

فضیلت "لا اله الا الله".

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "اسلام
بر پنج پایه استوار شده است: گواهی دادن به "أَنْ
لا إله إلا الله وأنَّ محمدًا رسول الله"، برپا داشتن نماز،
دادن زکات، گزاردن حج و روزه گرفتن در ماه رمضان"

(روایت از بخاری است)





و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "بهترین چیزی که من و سایر پیامبران پیش از من گفته اند کلمه: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر" است. (نیست معبود راستینی جز الله، او یگانه یکتاست و هیچ شریکی ندارد. پادشاهی از آن اوست و ستایش او راست و او بر هر چیز تواناست) (روایت از ترمذی است)

"لا اله الا الله کلمه ای است که خداوند برای آن بهشت را آراسته و آتش شعله ور شده و بازار نیکی ها و بدی ها برپا شده است.

یک حلقه در بسته باشند لا اله الا الله آن حلقه را می شکنند" (بخاری در کتاب ادب مفرد روایت کرده است)

شروط "لا اله الا الله":

۱. دانستن معنی آن: گوینده آن باید بداند معنی و مقتضای آن و آن چه در بر دارد از نفی الوهیت غیر خدا و اثبات الوهیت خداوند. پروردگار ارجند و با عظمت می فرماید: "پس بدان که معبود [راستینی] جز خدا نیست" [سوره محمد آیه ۱۹]

۲. یقین: به این معنی که در دل گوینده آن هیچ گونه شکی نسبت به آن و به آنچه لازمه آن است پدید نیاید: "مؤمنان تنها آنانند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، آن گاه شك به دل راه نداده اند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کرده اند. اینانند که راستگویند" [سوره حجرات آیه ۱۵]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هیچ کس با گواهی "لا اله الا الله و محمد رسول الله" خداوند را دیدار نمی کند در حالی که هیچ تردیدی نسبت به این گواهی نداشته است، مگر اینکه خداوند او را به بهشت وارد می کند" (روایت از مسلم است)

۳. پذیرش آن چه این کلمه اقتضا می کند از اعمال قلب و زبان: پذیرش در این جا در معنی رد

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "آن گاه که زمان مرگ پیامبر خدا نوح فرا رسید به فرزندش گفت: من تو را به گفتن لا اله الا الله امر می کنم، زیرا اگر آسمانها هفتگانه و زمین های هفتگانه در یک کفه ترازویی نهاده شوند و لا اله الا الله در یک کفه گذاشته شود این کفه سنگین تر خواهد شد و اگر آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه در



۶. اخلاص: یعنی با گفتن این کلمه قصد و اراده رضای خدا را داشتن. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را- در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی) بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین" [سوره بینه آیه ۵]

۷. دوست داشتن این کلمه و اهل این کلمه که به آن عامل و به شروط آن پایبند بوده و از آن

تا دوستی خداوند در قلب افزایش یابد بندگی و نیز رهایی و آزادی او از غیر خدا کامل ترمی شود.

چه برخلاف این باور است اجتناب می کنند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتایانی را [برای او] بر می گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی ترند" - [سوره بقره آیه ۱۶۵]

این همان معنی "لا اله الا الله" است و این شروط آن است که سبب سرافرازی انسان در پیشگاه خداوند می شود. به حسن بصری گفته شد: برخی از مردم می گویند: هر کس لا اله الا الله گفت وارد بهشت می شود، اما این چنین نیست بلکه: هر کس لا اله الا الله گفت و حقوق

نکردن و تکبر نورزیدن است. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "ما با گناهکاران چنین می کنیم (۳۴) آنان [چنان] بودند که چون به آنان گفته می شد: معبود راستینی جز خداوند [یگانه] نیست، سرکشی می کردند (۳۵)" [سوره صافات آیات ۳۴-۳۵]

۴. فرمان برداری از آن چه این کلمه بر آن دلالت می کند: یعنی بنده باید به آن چه خداوند امر می کند عمل نماید و از آن چه باز می دارد باز بیاید. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "و هر کس نیکوکارانه روی [دل] خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی استوار چنگ زده و سرانجام کارها به سوی خداوند است".

[سوره لقمان آیه ۲۲]

بندگی حقیقی همان بندگی دل و پرستش آن است. و ایسته و بنده شدن کسی به معنی پرستش اوست.

۵. صدق و راستی: به این معنی که گوینده از ته دلش صادق بوده و دل و زبانش موافق و همراه باشند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و به روز باز پسین ایمان آورده ایم. حال آنکه مؤمن نیستند (۸) [به گمان خویش] با خدا و مؤمنان نیرنگ می ورزند و [در حقیقت] جز خودشان را نمی فریبند و در نمی یابند (۹)"

[سوره بقره آیات ۸-۹]

و شروط آن را بجا آورد وارد بهشت می شود. لا اله الا الله به گوینده ای سود نمی رساند که به آن عامل نبوده و شروط آن را رعایت نمی کند. کسی که آن را به زبان آورده اما به آن عمل نمی کند، این تلفظ خالی به او تا زمانی که با عمل همراه نباشد هیچ سودی نمی رساند.

شکننده ها و اموری که با "لا اله الا الله" در تضادند.

۱. شرک، منظور در اینجا عبارت است از:

شرک بزرگ که فرد را از آئین اسلام بیرون می برد. شرکی که خداوند کسی را که بر آن حالت مرده باشد، نمی بخشد و آن عبارت است از شریک قرار دادن کسی با حق خداوند در ربوبیت، الوهیت و در اسما و صفات. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "خداوند نمی بخشد که به او شرک آورده شود و جز آن را برای هر کس که بخواند، می آموزد و هر کس به خداوند شرک آورد، به گمراهی دور و درازی گرفتار آمده است" [سوره نساء آیه ۱۱۶]

و می فرماید: "و [ای پیامبر] به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی کرده شد: اگر شرک آوری، پی گمان عملکردت نابود شود. و به یقین از زیانکاران شوی (۶۵) بلکه خدا را بندگی کن و از سپاسگزاران باش (۶۶)"

[سوره زمر آیات ۶۶-۶۵]

۲. کسی که میان خود و الله تعالی واسطه هایی قرار داده و از آنان شفاعت خواسته و بر آنان توکل کند و همچنین با عبادت به آنان نزدیک شود، این کارها در تضاد با معنی "لا اله الا الله" هستند.

۳. کسی که مشرکان را کافر نداند یا در کفر آنان شک کند یا مذهب کافرانه آنان را صحیح بداند، در این حالات او در اسلام خود شک و تردید دارد. اسلامی که خداوند جز آن را نمی پذیرد. کسی که در کفر کسی شک کرد که غیر خداوند را می پرستد یا قسمتی از عبادت را برایش انجام می دهد یا در کفر یهود و نصارا و دوگانه پرستان شک کرده و یا در این شک کرد که آنان در آتش اند و یا چیزی از مذهب مشرکان و اعمال عبادی آنان را درست دانست - از اموری که دلایل به وضوح کفر آنها را بیان کرده اند - چنین کسی کافر است.

برای هیچ کس شایسته نیست، خداوند را جز به آن فرا بخواند. دعایی که اجازه دارد همان دعای برجای مانده از رسول خداست که از این سخن خداوند برگرفته شده است که می فرماید: "و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰] امام ابوحنیفه



۴. کسی که بر این باور باشد که دین و هدایتی دیگر از هدایت محمد صلی الله علیه و سلم کامل تر و داوری و حکم کسی دیگر از حکم و داوری او بهتر است، این چنین فردی کافر می شود. مانند کسی که قوانین یا عرف های قبیله ای را بر شریعت اسلام ترجیح می دهد و به جواز داوری و حکم بر اساس آنها معتقد است، یا بر این باور است که آنها به مانند شریعت اسلام هستند. تمام این موارد کفر به خداوند بزرگ است. به دلیل کلام باری تعالی که می فرماید: "و هر کس که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، اینانند که کافرنند"

[سوره مائده آیه ۴۴]

و می فرماید: "سوگند به پروردگارت، [در حقیقت] ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آن گاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند" [سوره نساء آیه ۶۵]

۵. هر کس با آنچه رسول خدا اثبات نموده دشمنی کرده و از آن متنفر باشد، اگر چه هم به آن عمل کند. اگر کسی از نیاز متنفر باشد اگر چه نیاز هم بخواند، کافر می شود زیرا او آن چه را خداوند امر کرده دوست نگرفته است و از جمله شروط "لا اله الا الله" دوستی و محبت به تمام چیزهایی است که خداوند آورده و اگر کسی از آن چه رسول خدا آورده است متنفر باشد معنی گواهی دادن او نسبت به رسالت

او محقق نمی شود. زیرا مقتضای آن تسلیم شدن در برابر هر آن چیزی است که رسول صلی الله علیه و سلم آورده و پذیرش آنها باید با کمال میل و خوشی باشد.

۶. هر کس چیزی را که در دین ثابت است مورد مسخره و ریشخند قرار داده، یا پاداش و یا کیفر را به تمسخر بگیرد کافر می شود. زیرا او دین را مورد احترام قرار نداده است. یعنی امری را که لازم بوده و به آن امر شده است. خداوند متعال به دسته ای از کسانی که مومن بودند اما رسول و یاران او را ریشخند نمودند حکم کفر داد. آنان می گفتند: ما همانند اینان شکمو، دروغگو و ترسو در نبرد ندیده ایم. پس خداوند در باره آنان چنین نازل کرد: "و اگر از آنان بپرسی [چه می گفتند] گویند: شوخی و بازی می کردیم. بگو: آیا به خدا و آیات او و رسولش ریشخند می کردید! (۶۵) عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید". [سوره توبه آیات ۶۵-۶۶]

خداوند به کفر آنان حکم نمود با وجود اینکه پیش از این، آنان مومن بودند و این کلام خداوند بر آن دلالت می کند که می فرماید: "به راستی بعد از ایمانتان کفر پیشه کردید" [سوره توبه آیه ۶۶]



ایمان را برای آنان ثابت نمود - پیش از آن که آن سخن را بگویند - و آنان را تکفیر کرد با وجود اینکه این سخن را به شوخی و مزاح اظهار داشته بودند. آنان خواستند تا با شوخی و مزاح سختی راه را بکاهند

۷. سحر و جادو: مجموعه کارهایی چون افسون، طلسم و دمیدن دربند و گره ها هستند که در دل و جسم اثر می گذارند و به مرگ و جدایی میان مرد و زن منجر می شوند این اعمال کفر هستند. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "و به راستی دانسته اند که هر کس خریدارش باشد در آخرت هیچ بهره ای ندارد" [سوره بقره آیه ۱۰۲]

یعنی: در آخرت بهره ای ندارد و پیش از این گفت: "و [آن دو فرشته] به هیچ کسی [جادو] نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما تنها [مایه] آزمونی هستیم. پس [با به کارگیری جادو] کافر مشو" [سوره بقره آیه ۱۰۲]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "از هفت امر هلاک کننده پرهیز کنید. پرسیدند آنها چه هستند؟ فرمود: شرک به خداوند، سحر و جادو، کشتن نفس آدمی که خداوند آن را حرام ساخته است مگر به حق، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار در روز جنگ و تهمت زدن به زنان پاک دامن" (روایت از بخاری است)



و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هر کس گرهی بست و در آن دمید همانا او سحر و جادو کرده است و هر کس مرتکب سحر و جادو بشود مرتکب شرک شده و هر کس چیزی آویزان کند به آن سپرده می شود" (روایت از نسائی است)

و رمل انداختن و طالع بینی به وسیله ستارگان بر رویدادهای زمینی از سحر به شمار می رود. ابوداود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "هر کس دانش رمل و طالع بینی را فراگرفت او شعبه ای از دانش سحر را فراگرفته است و هر کس بر این بیفزاید بر دانش سحر و جادو خود افزوده است." (روایت از بیهقی است)

و خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "و جادوگر هر جا که رود رستگار نمی شود" [سوره طه آیه ۶۹]

و از دیگر موارد سحر و جادو؛ از بین بردن مهر و محبت دو نفر، نسبت به یکدیگر می باشد.

علم و دانش مفید چیزی است که بنده را به یکتاپرستی وادارد. و خدمت به انسان و نیکی به او را برایش محبوب جلوه دهد و دانش غیر مفید و مضر آن است که بنده را به شرک و زیان رساندن به انسانیت و توهین و تحقیر به او برساند.

۸. کمک و یاری مشرکان ضد مسلمانان و این همان ولایت است که خداوند می فرماید:

"و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، به راستی که خود از آنان است" [سوره مائده آیه ۵۱]

تولی امر دیگری است و دوستی و موالاة

امری دیگر. موالاة به معنی تمایل و همراهی و محبت و دوستی است که این از گناهان کبیره به شمار می رود، اما تولی به معنی یاری دادن ضد مسلمانان و فریب و نیرنگ بازی به همراه آنان ضد مسلمانان به مانند منافقان است. یاری مشرکان به خاطر منافع دنیا بسیار خطرناک است.

۹. اگر کسی گمان برد که شخصی می تواند از شریعت محمد صلی الله علیه و سلم بیرون برود، کافر می شود. زیرا شریعتی که خداوند بر محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده نگهبان دیگر شرایع و ناسخ آنها است و خداوند جز اسلام چیز دیگری را نمی پذیرد. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "بی گمان دین [حق] به نزد الله اسلام است" [سوره آل عمران آیه ۱۹]

و می فرماید: "و هر کسی دینی به جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است" [سوره آل عمران آیه ۸۵]

و می فرماید: "بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان ببامزد و خداوند آمرزنده مهربان است (۳۱) بگو: از خدا و رسول [او] فرمان برید. و اگر روی گردانند [بدانند که] خداوند کافران را دوست ندارد (۳۲)" [سوره آل عمران آیات ۳۲-۳۱]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "سوگند به کسی که جان محمد به دست اوست، هیچ یهودی یا مسیحی از بعثت من با خبر نمی شود و سپس فرمان نمی پذیرد و به من ایمان نمی آورد مگر اینکه او از دوزخیان به شمار می رود" (روایت از مسلم است)

از این نمونه است آن چه که برخی از جهال گمان می کنند که اولیاء از پیروی محمد صلی الله علیه و سلم خارج شده اند و این کفر و خروج از اسلام است.

اگر قلب آدمی فرمان پذیر خداوند نباشد و رو به سوی او نیاورده و از طرف او روی گردانی کند همانا آن مشرک است.

۱۰. هر کس که از دین خدا روی گردان شود و به طور کلی به آن عمل نکند او کافر شده است و هر کس که به طور کلی از عمل به آن اجتناب و دوری کند و خود را در اعمالش از آن بی نیاز بداند و هرگاه به سوی اسلام فراخوانده شد یا برای آموزش اسلام دعوت شد روی گردانی کرد و نپذیرفت یا اینکه اول

عمل نمود و سپس از پذیرش و عمل به آن روی گردانی کرد، همانا او کافر شده است.

در این امور شکننده و نواقض تفاوتی میان فرد جدی و غیر جدی و به تمسخر گیرنده و یا ترسیده وجود ندارد. وقتی به عمد و با دانش در آن واقع بشوند، مگر فردی که مجبور شده و راه فراری نداشته باشد و فقط با زبان این ادعاها را بگوید. به دلیل سخن خداوند بلند مرتبه: "مگر کسی که وادار [به کفر] شود و دلش به ایمان مطمئن باشد ولی کسانی که برای [پذیرش] کفر سینه بگشایند" [سوره نحل آیه ۱۰۶]

کسی که به کفر خشنود شد و به آن عمل کرد همانا او کافر شده است زیرا او با رضایت به آن گرفتار شده است و هر کس برای دفع خطر آن را انجام داد تا خود را از خطر مرگ برهاند با وجود اینکه قلب او به ایمان آرام گرفته و مطمئن است بر او هیچ سرزنشی نیست. به دلیل کلام خداوند: "مگر آن که به نوعی از آنان حذر

کند" [سوره آل عمران آیه ۲۸]

علم و دانش درختی است که از آن هر رفتار و اخلاق زیبا و کردار نیک و توصیف ستوده، می جوشد و جهل و نادانی درختی است که از آن اخلاق زشت و توصیفات رذیله و ناپسند به وجود می آید.



بازيني

۱. معنی کلمه توحید "لا اله الا الله" چیست؟ و ارکان آن کدامند؟ و شروط آن را نام ببرید؟
۲. برخی از رفتارهایی را که ناقض و ضد "لا اله الا الله" هستند، ذکر کنید. اموری که شاید در زندگی و جامعه شما باشند.



اثر گواهی لا اله الا الله بر بنده یکتا پرست:

۱. محبت و دوستی مفهوم دوستی با خداوند

دوستی خداوند

این دوستی عبارت است از آرامش و انس دل و میل آن به سوی خداوند و پذیرش هر آن چه می خواهد و چیره شدن یاد و ذکر خداوند بر دل.

حقیقت محبت و دوستی خداوند

محبت و دوستی خداوند همان محبت پرستش او و فروتنی در برابرش و احترام نسبت به اومی باشد. در دل بنده دوستدار چنان محبت و عظمتی از خداوند باشد که به سبب آن دستورهای او را گردن نهاده و از منهیات او دوری گیرند. این محبت اصل ایمان و توحید بوده و بر این محبت فضیلت های فراوانی حاصل می شود و از آثار محبت و دوستی خداوند محبت و دوستی با زمان، مکان، افراد، کارها، سخنان و دیگر مواردی است که خداوند دوست می دارد.

همان گونه که لازم است تا دوستی خداوند فقط برای او باشد، دوستی های طبیعی مانند دوستی فرزند با پدر و مادر و مادر با

شهادت و گواهی لا اله الا الله برای بنده یکتا پرست ثمرات فراوانی دارد و او را پاک و تزکیه می کند و اعمال قلوب را برای او به نتیجه می رساند. اعمالی مانند محبت، خوف و امید، توکل و غیره و بر رفتار عملی او اثر می گذارد، فرقی نمی کند که آن اعمال فردی باشند یا به همراه مردم. گواهی "لا اله الا الله" شخصیت بنده، تفکر، رفتار و قلب او را بازسازی می نماید تا خالص برای خدا بوده و معنی عبودیت برای الله محقق شود. عبادت نامی است جامع و فراگیر برای تمام کارها، سخنان ظاهری و آن چه در قلبش پنهان دارد. این آثار به شرح زیر توضیح داده می شوند:

قسمت اول: آثار تعبدي بر قلب:

برای توضیح معنی عبادت قلبی و فضیلت آن، نمونه هایی از عبادت قلبی را ذکر می کنم، که آنها اثری از آثار گواهی به "لا اله الا الله" هستند و از این نمونه است:

هر کس خداوند را شناخت او را دوست می گیرد.



هیچ عبادتی به مانند دوستی و محبت خداوند و بیم و امید نسبت به او نیست.

شوق دیدار خداوند نسیمی است که بر قلب می وزد و دنیا را شاداب می سازد.

۳. انتهای نعمت و شادی و شادمانی: این امر جز با محبت و دوستی الله تعالی بدست نمی آید. دل بی نیاز نمی شود و پریشانی او بر طرف نمی گردد و گرسنگی آن پایان نمی پذیرد مگر با محبت و روی آوری به سوی خداوند ارجمند و با عظمت. اگر چه تمام لذت های او فراهم باشد اما انس و آرامش او در گرو محبت و دوستی الله بلند مرتبه می باشد. دوستی او بهشت دل هاست و هیچ چیز در نزد دل های سالم و روان های پاک و عقل های راه یافته و پاک شیرین تر و لذیذ تر و پاک تر و شادی بخش تر از محبت و انس گرفتن با او و شوق دیدار او نیست. شیرینی که مومن در دل خود می یابد بالاتر از هر شیرینی، نعمت و سرور است، آن از هر نعمتی کامل تر و لذتی که از آن حاصل می شود از هر لذتی بالاتر است.

" سه ویژگی اند که در هر کس باشند شیرینی ایمان را می یابد: خدا و رسول او از هر کس در نزدش محبوب تر باشند. دوستی او با هر کس فقط برای خدا باشد و بازگشت به کفر برای او بعد از اینکه خداوند او را از آن نجات داد به مانند سقوط و فرو افتادن در آتش، سخت و ناگوار باشد."

(روایت از بخاری، مسلم و نسائی است)

فرزند و دانش آموز با معلم و دوستی خورد و نوش، ازدواج، لباس، دوستان و دیگر چیزها با دوستی خداوند در تعارض نیست.

اما محبت و دوستی حرام به مانند شریک قرار دادن در محبت خداوند هستند، مانند محبت و دوستی با مشرکان و بت های آنان، یا ترجیح دادن خواهشات نفسانی بر امور مورد پسند خداوند یا دوست داشتن اماکن، اشخاص، کارها و سخنانی که خداوند نمی پسندد که این امور از جمله مهلکات هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتایانی را [برای او] بر می گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی ترند" - [سوره بقره آیه ۱۶۵]

از جمله فضیلت های محبت و دوستی با خداوند:

۲. محبت اصل توحید و یکتا پرستی است و روح توحید خالص کردن محبت و دوستی برای خداوند یکتاست بلکه آن همان حقیقت عبادت است و توحید تکمیل نمی شود تا محبت بنده با خدایش تکمیل نشود و بر تمامی دوستی ها سبقت بگیرد و بر آنها چیره شده و بر همگی حکم کند، به طوری که دوستی بندگان تابع و پیرو این محبت باشد. یعنی همان محبتی که سعادت و رستگاری بنده در آن است.

۳. دلداری دوستدار به وقت مصیبت: دوستدار لذت این محبت را درک می کند و تمام مصیبت ها را از یاد برده و سختی ها را برایش آسان می سازد.

به طور ساده هیچ کس بدبخت تر از کسی نیست که از آرامش و انس با الله تعالی محروم باشد.

اسبابی که محبت الله تعالی را ایجاد می کنند:

پروردگار ارجمند و با عظمت دوستدار کسی است که او را دوست دارد و به او تقرب می جوید. نخستین امری که سبب جلب محبت و دوستی خداوند می شود آن است که بنده خدایش را بیش از همه دوست داشته و هیچ مخلوقی را چون او دوست نداشته باشد. تفصیل اسبابی که سبب محبت خداوند می شوند به شرح زیر است:

۱. قرائت با تدبیر قرآن و فهم معانی و مفاهیم آن. هر کس به کتاب خداوند پرداخت و به آن عمل نمود، دلش به محبت خداوند آباد می شود.

۲. تقرب جستن به خداوند به وسیله نوافل بعد از انجام فرائض:

"همیشه بنده من با نوافل به من تقرب می جوید تا اینکه او را دوست می گیرم و آنگاه که او را به دوست گرفتم، من گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و دست او می شوم که با آن کار می کند و پای او می شوم که با آن راه می رود. اگر چیزی از من بخواهد به او می دهم و اگر از من پناه بطلبد او را پناه می دهم"

(حدیث قدسی، بخاری روایت کرده است)

۳. تداوم یاد و ذکر خداوند در هر حال، چه با زبان و دل و چه با حال و در هر کار و عملی که انجام می دهد.

۴. مقدم شمردن ملزومات محبت خداوند بر خواهشات و امیال نفس آدمی.

"آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را دوست می دارند" [سوره مائده آیه ۵۴]

۵. مطالعه عمیق اسما و صفات الله تعالی و شناخت آنها

۶. مشاهده نیکی و احسان و نعمت های ظاهری و باطنی او.

۷. فروتنی کلی دل در برابر پروردگار ارجمند و با عظمت

۸. خلوت گزیدن با الله تعالی در یک سوم آخر شب، آن گاه که پروردگار به آسمان دنیا فرود می آید، با خداوند خلوت گزیده و با او مناجات کرده و کتاب او را بخواند و مودبانه در برابر او به نماز بایستد و آن را با توبه و استغفار پایان دهد.

۹. هم نشینی با دوستان صادق خداوند و استفاده از ثمرات سخنان پاک و نیکوی آنان و سخن نگفتن مگر هنگامی که مصلحت آن غالب بوده و برایش آشکار شود که منفعت آن بیشتر و برای دیگران سودمند است.

۱۰. دوری از هر چیزی که سبب دوری او از پروردگار ارجمند و با عظمت می شود.

از جمله ثمرات محبت و دوستی الله تعالی با بنده:

- هر که را خداوند به دوستی بگیرد او را هدایت کرده و به خود نزدیک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: من برابر با گمان بنده ام هستم. هرگاه مرا یاد کرد با او هستم. اگر مرا به تنهایی یاد کند من او را نزد خودم یاد می کنم و اگر مرا در جمعی یاد کرد من هم او را در جمعی بهتر از آن یاد می کنم و اگر یک وجب به من نزدیک شود من دو وجب به او نزدیک می شوم و اگر نیم متر به من نزدیک شود من یک متر به او نزدیک می شوم و اگر او آرام آرام به سوی من بیاید من دوان دوان به سوی او می روم" (روایت از بخاری است)

تا بنده از خدایش بپرهیزد و تقوا پیشه کند خداوند هدایت او را می افزاید و هرگاه که او را به دوستی بگیرد هدایت او را می افزاید و هرگاه او هدایت شد تقوایش را می افزاید.

- هر کس را خداوند دوست بگیرد او را در زمین مقبول همه می کند: منظور از مقبولیت این بنده که خداوند او را دوست گرفته، تمایل به سوی او و رضایت و خشنودی از او و تعریف، مدح و ثناء از او، است که از هر طرف سرازیر می شود. همه او را دوست می گیرند مگر فرد کافر، زیرا او دوستی با خداوند را انکار کرده است. پس چگونه او با دوستان خداوند دوست می شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت جبرئیل را فرا می خواند و می گوید: من فلان بنده ام را دوست دارم پس تو هم او را دوست بدار. می فرماید: پس جبرئیل او را دوست می دارد. سپس در آسمان بانگ می دهد و می گوید: همانا خداوند فلان بنده را به دوستی گرفته، پس شما هم او را به دوستی بگیرید. پس اهل آسمان او را دوست می گیرند. می فرماید: بعد از آن او محبوب همگی و مورد پذیرش همه قرار می گیرد" (روایت از مسلم است)

و این چنین آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت رعایت و عنایت خود را شامل حال او کرده و همه چیز را در خدمت او نهاده و هر سختی را برایش آسان می سازد. هر امر دوری را برایش نزدیک و دست یافتنی ساخته و کار دنیا را برایش آسان می کند و او احساس خستگی و درماندگی نمی کند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند برایشان دوستی مقرر خواهد نمود"

[سوره مریم آیه ۹۶]



ایمان راستین، زندگی و حیات روح و میدان شادی ها است. همانسان که کفر به خداوند مرگ پیش هنگام و میدان غم، غصه و اندوه است.

- هر کس را خداوند دوست بگیرد خداوند دعای او را اجابت می کند: از جمله دلایل دوستی خداوند با بنده آن است که دعای او را اجابت نموده و به مجرد برافراشتن دستش به سمت خداوند و گفتن "یا رب" دعای او را می پذیرد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و چون بندگانم درباره من از تو پرسند، [بگو:] به راستی که من نزدیکم. دعای دعا کننده را هنگامی که مرا [به دعا] بخواند، روا می دارم. پس باید که از من فرمان پذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند" [سوره بقره آیه ۱۸۶]

از سلمان فارسی روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "همانا خداوند بسیار با شرم و حیا و بزرگوار است و شرمش می آید که بنده دستانش را به سوی او بلند کند و او آنها را خالی برگرداند" (روایت از ترمذی است)

آن گاه که خداوند بنده ای را به دوستی گرفت، به فرشتگان امر می کند تا برای او استغفار کنند: فرشتگان برای هر کسی که خداوند او را دوست خود بگیرد استغفار می کنند و از خداوند برایش رحمت می طلبند. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:

"کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می خواهند

- هر کس را خداوند دوست بگیرد معیت خود را شامل او می کند: آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را پشتیبانی کرده و به عنایت و توجه خود، او را فرامی گیرد و کسی را بر او مسلط نمی کند تا او را بیزارند یا اذیت کنند. در حدیث قدسی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"همانا خداوند فرمود: هر کس بنده مرا به دشمنی گرفت من به او اعلان جنگ می کنم و هرگز بنده نمی تواند با چیزی بهتر از فرائض به من تقرب جوید. همیشه بنده با نوافل به من تقرب می جوید تا من او را دوست خود می گیرم و چون من او را دوست گرفتم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و دست او می شوم که با آن کار می کند و پای او می شوم که با آن راه می رود و اگر از من درخواستی بکند به او می دهم و اگر به من پناه ببرد به او پناه می دهم. من هرگز در انجام چیزی تردید نکرده ام مگر در گرفتن روح بنده ای که مرگ را ناخوش دارد و من ناراحتی اش را خوش ندارم." (روایت از بخاری است)



می‌شدید خوش باشید" [سوره فصلت آیه ۳۰]

– آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در بهشت جاویدان قرار می‌دهد: هر کس را خداوند دوست گرفت او را در آخرت در بهشتش جای می‌دهد. لطف و کرم خداوند بر دوستانش در سرای دیگری ذهن کسی خطور نکرده و نمی‌کند. خداوند ارجمند و با عظمت دوستانش را به بهشتی وعده داده است که در آن هر آنچه که نفس آدمی میل کند وجود دارد. همانگونه که در حدیث قدسی آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "خداوند می‌فرماید: برای بندگان صالح ام آماده کرده ام آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی وصف آن را نشنیده و بر ذهن هیچ بشری خطور نکرده است. بخوانید اگر خواستید: "هیچ نفس نمی‌داند آنچه را که از خنکی چشم برایشان پنهان نگه داشته شده است" (روایت از بخاری است)

دنیا هرگز گوارا نمی‌شود مگر با دوستی و محبت پروردگار بلند مرتبه و پیروی از او و بهشت جز با دیدار و مشاهده او گوارا نمی‌شود.



[می‌گویند:] پروردگارا، بخشایش و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است. پس آنان را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی کرده‌اند، بیامرزد و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن" [سوره غافر آیه ۷]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "نزدیک است که آسمانها از فرازشان بشکافند. و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند. و برای زمینیان آمرزش می‌خواهند. بدانکه خداوند آمرزگار مهربان است" [سوره شوری آیه ۵]

آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در هنگامی قبض روح می‌کند که مشغول انجام کار نیک و صالح است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "آن گاه که خداوند به بنده ای قصد خیر نماید او را "عسلی" می‌کند. گفته شد منظور از "عسلی" می‌کند چیست؟ فرمود: پیش از مرگ کار صالح و نیکی را برای او می‌گشاید و سپس او را بر آن می‌میراند" (روایت از احمد است)

– آن گاه که خداوند بنده ای را دوست بگیرد او را به هنگام مرگ آرامش می‌دهد: آن گاه که خداوند بنده ای را دوست گرفت او را در دنیا آرامش می‌دهد و به هنگام مرگ آرامش و ثبات قدم را نصیب او می‌گرداند و سپس فرشتگانش را به سویش می‌فرستد تا او را قبض روح کنند و به هنگام مرگ او را ثابت قدم می‌کنند و او را به بهشت مژده می‌دهند. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "کسانی که گفتند: پروردگارمان خداست، آن گاه استوار ماندند. فرشتگان [با این پیام] بر آنان فرو می‌آیند که نرسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که وعده داده

از جمله ثمرات محبت و دوستی پروردگار
بلند مرتبه دیدار اوست:

پروردگار ارجمند و با عظمت با نورش بر
بندگان که دوستشان دارد آشکار می شود و
آنان چیزی محبوبتر از آن نخواهند یافت. روایت
شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
به ماه شب چهارده نگریسته و فرمودند: "همانا
شما پروردگارتان را خواهید دید همان گونه
که این ماه را می بینید و در دیدن آن دچار
ازدحام نمی شوید، پس نماز پیش از طلوع و
غروب خورشید را از دست ندهید، سپس
این آیه را خواند: "حمد خدایت را پیش از
طلوع خورشید و پیش از غروب تسبیح بکن"

(روایت از صحیح بخاری است)

نکته ها و احکامی پیرامون محبت و دوستی خداوند:

۱. حب و دوستی خداوند با بنده مانع آمدن بلا
و مصیبت بر او نیست: رسول خدا صلی الله
علیه و سلم فرموده است:



" بزرگی پاداش به همراه بزرگی آزمایش و بلا است. آن گاه که خداوند قومی را دوست گرفت آن را می آزماید پس هر کس خشنود شد و رضایت داد خشنودی و رضایت نصیب او می شود و هر کس ناخشنود شد، پس ناخشنودی بهره او می شود" (روایت از ترمذی است)

خداوند بنده را به انواع مصیبت ها مبتلا می کند تا او را از پلیدی گناهان پاک و جلا بدهد و دل او را از پرداختن به دنیا فارغ کند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و به راستی شما را می آزمایم تا جهادگراتان و شکیبایان را معلوم بداریم و اوضاع [و احوال] شما را بیازماییم" [سوره محمد آیه ۳۱]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و به یقین شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش اموال و جانها و فراورده ها می آزمایم و به بردباران [بر این آزمون] مژده بده (۱۵۵) [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، گویند: «اِنَّ اللَّهَ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (۱۵۶) اینانند که از جانب پروردگارشان درودها و رحمتی بر آنان است و همینان رهیافته اند (۱۵۷)" [سوره بقره آیات ۱۵۷-۱۵۵]

۲. گناه و نافرمانی بنده سبب کاهش یافتن محبت و دوستی خداوند و پایین آمدن کمال آن خواهد شد. محبت به مانند ایمان است و اصلی برای خود دارد و آن را کمال و بلندی است و برابر با گناهان از کمال و رفعت اش کاسته می شود و هر گاه فرد در مرحله اختلاف و نفاق بزرگ وارد شد اصل آن از بین می رود و نابود می گردد. کسی که در دلش محبت پروردگار ارجمند و با عظمت نیست او کافر یا مرتد و یا

منافق است. منافق دارای نفاق بزرگ را، بهره ای از دین نیست، اما نمی توان به گناهکاران گفت که آنان از محبت خداوند تهی هستند. بلکه می توان گفت که محبت آنان با خداوند ناقص است و بر همین اساس با آنها برخورد می شود. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "اگر شما مرتکب هیچ گناهی نشوید خداوند تبارک و تعالی قومی دیگر را می آفریند تا گناه کنند و سپس طلب بیخشش گناهان خود را نایند." (روایت از احمد است)

" آزادی عبارت است از آزادی قلب از شرک، شهوات، شبهات. و پرستش که عمل قلب است، نباید برای غیر خدا باشد"

۳. محبت و دوستی با خداوند در تضاد با دوستی های طبیعی که نفس آدمی به آنها تمایل دارد، نیست. دوستی خورد و خوراک و نوشیدنی و زنان و غیره. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "از دنیا من دوستدار زنان و عطریات هستم." (روایت از احمد است)

پس در دنیا یک سری امور هستند که دوستی و محبت آنها شرک نیست. زیرا نبی خدا صلی الله علیه و سلم آنها را دوست گرفته است. به همین خاطر برای انسان جایز است تا چیزهایی را در دنیا دوست داشته باشد، البته به شرطی که از امور حرام نباشند.

۴. هر گاه شخصی کسی یا چیزی را همسنگ با محبت خداوند به دوستی گرفت، او مشرک است. خداوند بلند مرتبه می فرماید:



"و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را [برای او] بر می گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی ترند- و اگر [این] ستمکاران هنگامی که عذاب را می بینند، ببینند [که شریکانشان سودی نمی بخشند، خواهند دانست] که همه توان از آن خداست و اینکه خداوند سخت کیفر است" [سوره بقره آیه ۱۶۵]

در آیه هشدار سختی برای کسی است که محبت شخص دیگری را با محبت خداوند برابر قرار می دهد و به او مانند خداوند احترام می گذارده و به او تعظیم می کند.

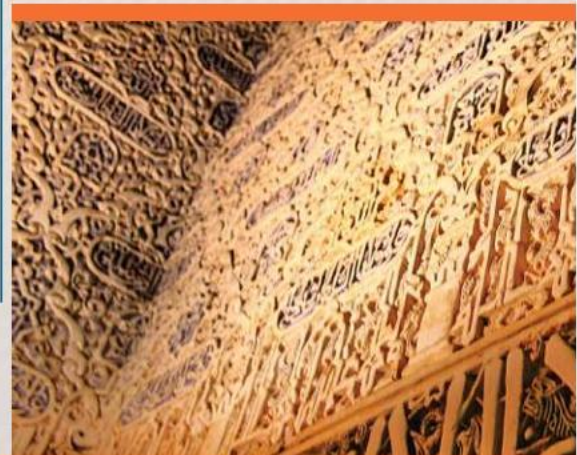
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همانا برترین اعمال در نزد پروردگار ارجمند و با عظمت دوستی برای خداوند و دشمنی برای اوست" (روایت از احمد است)

خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و مالهایی که آن را به دست آورده اید و تجارتی که از کسایش می ترسید و خانه هایی که آنها را می پسندید در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد کردن در راه او محبوب ترند، پس در انتظار باشید تا خداوند حکمش را در میان آورد. و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی کند" [سوره توبه آیه ۲۴]

در این آیه هشدار بسیار جدی برای کسی است که یکی از این موارد هشت گانه در نزد او محبوب تر از خداوند هستند. از انس رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: "هیچ یک از شما مومن نمی شود تا زمانی که من از فرزند و پدر و تمامی مردم در نزد او محبوبتر نباشم" (روایت از ابن ماجه است)

۵. دوستی و همکاری با مشرکان و رها کردن مومنان، با دوستی خداوند به دلیل شرک مشرک و دینش در تعارض است. دوستی به خاطر خداوند و دشمنی به خاطر او اصلی بزرگ در دین است. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوستان [خویش] گیرند و هر کس این [کار] را کند [او را] در هیچ چیز از [دوستی] خدا [بهره ای] نیست. مگر آنکه به نوعی از آنان حذر کنید" [سوره آل عمران آیه ۲۸]



نشانه دوستی با خداوند کثرت یاد او و شوق دیدارش است. هر کس چیزی را دوست بدارد آن را فراوان یاد می کند و دوست دارد آن را دیدار کرده و به آن برسد.

ربیع بن انس



خداوند مومنان را از دوستی و همکاری با کافران باز داشته و تاکید می کند که هر کس چنین عملی را مرتکب شود او هیچ بهره ای از دوستی خداوند ندارد. دوستی با دوستان و دوستی با دشمنانش در تضاد با هم قرار دارند: "مگر آنکه به نوعی از آنان حذر کنید"

[سوره آل عمران آیه ۲۸]

خداوند بلند مرتبه در دوستی با آنان در زمان ترس اجازه داده است زیرا همزیستی نیکو جز به این طریق با آنان امکان ندارد. در این مورد خاص همزیستی ظاهری با آنان جایز است، در حالی که قلب به ایمان آرامش و اطمینان داشته و در دل از کافران متنفر باشد. همان گونه که خداوند می فرماید: "مگر کسی که وادار [به کفر] شود و دلش به ایمان مطمئن باشد"

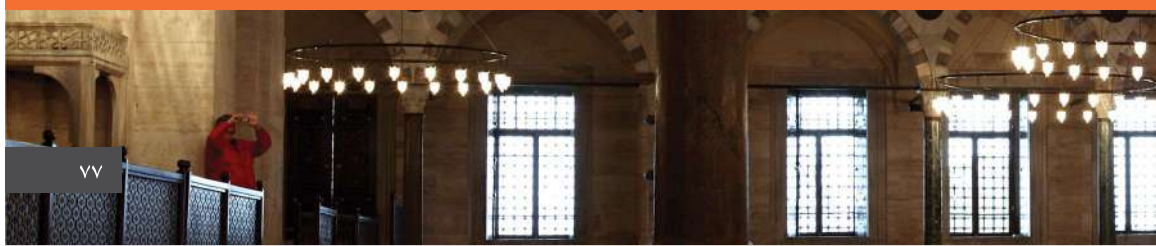
[سوره نحل آیه ۱۰۶]

درخشش دوستی

آن گاه که پیامبر ما صلی الله علیه و سلم میان زندگی دنیا و دیدار پروردگار ارجمند و با عظمت اختیار داده شده، فرمود: "نه بلکه من آن دوست والا را ترجیح می دهم"

(روایت از احمد است)

رسول خدا صلی الله علیه و سلم دوستی و محبت پروردگار ارجمند و با عظمت و دیدار با او و فضل و رحمت او را بر دوستی دنیا و لذات و بهره های آن ترجیح داد.





بازيني

۱. محبت را معنی کنید؟
۲. آثار محبت خداوند را بر خود و زندگی تان بیان نمایید.
۳. آیا امکان دارد که خداوند را با محبت و بدون بیم و امید پرستید؟ برای پاسخ از زندگی پیامبران دلیل بیاورید.
۴. آن گاه که خداوند بنده ای را به دوستی می گیرد چه چیزی نصیب او می شود؟
۵. رابطه اسماء الله و صفات او را با محبتش توضیح دهید؟



۲. امید:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:
آسان بگیرید و سختگیری نکنید، بشارت
دهید و تنفر ایجاد نکنید" (روایت از بخاری
است)

مفهوم آن:

امید عبارت است از:

احساس نمودن وجود خداوند و فضل
و رحمت او و شادی نسبت به مطالعه کرم
و احسان او و اعتماد نسبت به آن دل ها را به
سوی الله و بهشت او می برد. پروردگار ارجمند
و با عظمت می فرماید: "و هر کس که بدی
کند یا بر خویشتن ستم روا دارد، آن گاه از
خداوند آمرزش بخواهد، خداوند را آمرزنده
مهربان می یابد" [سوره نساء آیه ۱۱۰]

انواع آن:

امید بر سه نوع است. دو نوع آن پسندیده و
یک نوع از آن ناپسند است:

۱. امید به عملی که در راستای اطاعت خداوند
بوده و بر اساس نوری از جانب اوست که
امید رسیدن ثواب را از طرف او دارد.

۲. امیدواری کسی که گناهی مرتکب شده
و سپس توبه نموده است. امید مغفرت
خداوندی و محو گناهان و درگذشتن از آنها و
پوشیده ماندن آنها را دارد.

۳. امیدواری کسی که در گناهان فرو رفته و در
آنها از حد گذشته، او امید رحمت و مغفرت

خدایش را دارد، اما بدون هیچ گونه عملی
و این یک غرور و آرزو و اوهام و خیالات
است. امیدی دروغین که هرگز پسندیده به
شمار نمی رود. امید مومنان به همراه عمل
است. پروردگار ارجمند و با عظمت می
فرماید: "به راستی آنان که ایمان آوردند و آنان
که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند،
اینانند که به رحمت الهی امیدوارند و خداوند
آمرزنده مهربان است" [سوره بقره آیه ۲۱۸]

مراتب آن:

امید مراتب و درجاتی دارد که از فردی تا فرد
دیگر متفاوت است و این مراتب عبارتند از:

۱. امیدی که فرد را به سعی در عبادت تشویق می
کند و در نزد صاحبش لذت انجام عبادت
را بوجود می آورد حتی اگر شاق و سخت
باشد. از اموری که او را از گناهان و منکرات
به دور نگه می دارند.

۲. امید مجتهدین در ترک آنچه که به آن عادت کرده
اند و نفس آنان به آن خو گرفته است و همچنین
اموری که آنان را از خواسته خدایشان دور نگه
می دارد و دل هایشان را برای خداوند پاک و
خالص می گرداند.

۳. امید صاحبان دل ها:

این امید دیدار خالق هستی به همراه شوق و
علاقه و ارتباط قلب به او بوده و این بهترین و
برترین انواع امید است. خداوند بلند مرتبه می
فرماید: "پس کسی که به لقای پروردگارش
امیدوار است باید که کار پسندیده ای انجام
دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک
نیابد" [سوره کهف آیه ۱۱۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "کسی که به لقای خداوند امید داشته باشد، [بداند که] میعاد خداوند آمدنی است و او شنوای داناست" [سوره عنکبوت آیه ۵]

ثمرات امید:

۱. تلاش برای انجام کارهای نیک و طاعات را در نزد صاحبش تقویت می کند.
۲. صاحب امید به پایبندی بر طاعات عادت می کند، هر چند که اوضاع تغییر کرده و یا در تنگنا باشد.
۳. صاحب امید همیشه به خداوند رو کرده و با او مناجات می کند و در طلب و درخواست از او بسیار لطافت به خرج داده و با اصرار از او می خواهد.
۴. او بندگی موفق را به نهایش می گذارد و نیاز بنده به خدایش را آشکار می سازد. او از فضل و احسان خداوند بلند مرتبه لحظه ای بی نیاز نیست.
۵. علم و یقین به وجود الله تعالی و کرم او، خداوند پاک بخشنده ترین کسی است که از او درخواست شده و دادن او از همگی گسترده تر و بیشتر است. او دوست دارد بندگان را از او بخواهند و به او امید داشته و بر آن پافشاری ورزند.

۶. امید بنده را در چهارچوب محبت الله تعالی کشانده و او را به سوی کمال می برد. امیدش افزایش می یابد و آنچه را که آرزو داشت به دستش می رسد. دوستی او با خدایش و شکرگذاری و خشنودی اش از او افزایش می یابد و این از مقتضیات و ارکان عبودیت است.

هر کس به چیزی امید داشته باشد آن را درخواست می کند.

ارتباط آن به شناخت اسماء و صفات الله تعالی:

فردی که در او صفت امید وجود دارد بر عبادات خودش ملازم می کند و بر مقتضیات ایمان عامل بوده و امیدوار است که خداوند بلند مرتبه او را گمراه نکند. اعمالش را بپذیرد و آنها را به سویش برنگرداند و پاداش او را چند برابر کند و به او مزد بدهد. او از تمام اسبابی که می تواند استفاده می کند و امید رحمت پروردگار را دارد زیرا او الله تعالی و اسماء و صفات او را می شناسد و می داند که او با خدایی مهربان و دوستدار و شکرگذار



احکام و تعالیم آن:

۱. لازمه ترس، امید و لازمه امید، ترس است.

به همین سبب نیکوست در جایی امید داشته باشیم که انتظار ترس می رود: "شما را چه شده است که برای خداوند بزرگی [و شکوه] قایل نمی شوید!" [سوره نوح آیه ۱۳]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:

"به مؤمنان بگو: از کسانی که به «ایام الله»

امیدی ندارند، در گذرند" [سوره جاثیه آیه ۱۴]

یعنی از فرود آمدن عذاب خداوند بر سرشان نمی ترسند، همانگونه که بر امت های گذشته آمد و آنان را هلاک و برباد ساخت.

۲. امید دارویی است که به آن در موارد زیر نیاز داریم:

- زمانی که ناامیدی بر بنده چیره شده و عبادت را رها می کند.

- ترس بر فرد طوری چیره شود که به خود و خانواده اش زیان زند و ترس او از مقدار شرعی مطلوب تجاوز کند. در این هنگام حتما باید تعدیل شده و با چیزی تقویت شود، تا تعادل در آن برقرار گردد و آن همان حالت امیدواری است که حالتی طبیعی در نزد مومنین است.

۳. امید ضد یاس و ناامیدی است. ناامیدی و یاس یادآوری از دست رفتن رحمت الله تعالی است، به گونه ای که دیگر قلب بنده از او درخواست و التماسی نمی کند و این حالت سبب گمراهی و کفر می شود. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از رحمت خدا ناامید مگردید. چرا که جز گروه کافران از رحمت

خدا ناامید نمی گردند" [سوره یوسف آیه ۸۷]

فرد امیدوار همیشه به فضل خداوند راغب است و به خدایش گمان نیک داشته و امید رسیدن آن را دارد.

مومن بهترین گمان را به خدایش داشته و کارهایش را نیکو می گرداند و گناهکار به خدایش گمان بد می برد و کاری بد می کند.

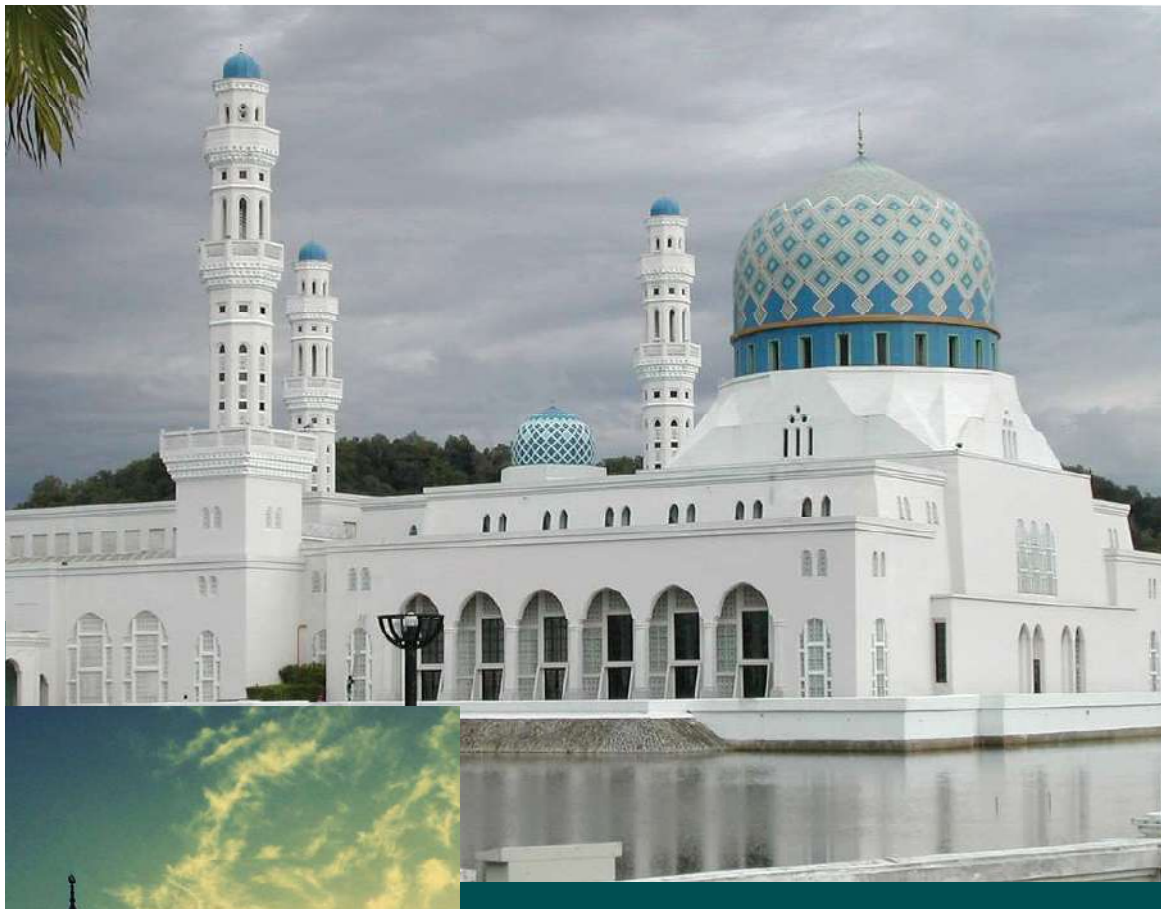
از جمله نیک گمانی به خداوند آن است که بدانی که خداوند کسی را که به او پناه بگيرد ضایع و نابود نمی سازد.

۷. بنده را به مقام شکرگذاری می رساند زیرا او را برای رسیدن به مقام سپاسگذاری از نعمت ها تشویق می کند و این خلاصه عبودیت است.

۸. شناختن اسماء و صفات الله تعالی: خداوند مهربان، کریم، جواد، مجیب، جمیل، غنی و پاک است. خداوند چقدر با عظمت می باشد!

۹. سبب رسیدن بنده به چیزی می شود که امید آن را دارد و رسیدن بنده به امر مطلوب را به درخواست بیشتر و اصرار بر آن و شهادت مشروط می کند و این چنین بنده در افزایش همیشگی ایمان و تقرب به سوی خداوند مهربان است.

۱۰. شادی مومنان در روز رستاخیز رسیدن به خشنودی خداوند و بهشت او و دیدار خداوند پاک است. همگی این موارد بسته به مقدار امید بندگان و ترس آنان از خداوند در دنیا دارد.



اگر ترازویی بیاورند و ترس و امید مومن وزن شوند
هر دو به یک اندازه خواهند بود.

دوست ندارم که حساب مرا به پدرم حواله کنند .
پروردگارم از پدرم برای من بخت‌تر و دلسوزتر است.
امام سفیان ثوری

عبادت جز با خوف و رجا (ترس و امید) تکمیل
نمی‌شود. با ترس بنده از گناهان دست می‌کشد و
با امید برکارهای نیک و طاعات می‌افزاید.
امام ابن‌کثیر

بازبینی

۱. آیا امید به خدا به عمل وامی دارد؟ در پرتوی این کلام خداوند در این باره سخن بگویید:
"پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده‌ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد" [سوره کهف آیه ۱۱۰]
۲. آیا منظور از امید به خداوند نترسیدن از اوست؟ یا این که لازمه ترس از خداوند، امید نداشتن به اوست؟
۳. نام‌های خداوند که امید به او را لازم می‌گردانند، ذکر کنید.

۳. ترس

"و خداوند شما را از [کیفر] خودش بر حذر می‌دارد"

[سوره آل عمران آیه ۳۰]

مفهوم آن

ترس از خداوند از جمله عبادات قلبی بزرگ است. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "این فقط شیطان است که [شما را] از دوستانش می‌ترساند. پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید" [سوره آل عمران آیه ۱۷۵]

این آیه واجب می‌کند که باید به تنهایی از خداوند ترسید و بر این تاکید می‌کند که این از جمله لوازم ایمان بوده و بنده به مقدار ایمانش از خداوند می‌ترسد.

از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود:

"از پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم در باره این آیه پرسیدم:

"و کسانی که آنچه را باید [در راه خدا] بدهند، می‌دهند و دلهایشان بیمناک است"

آیا آنان کسانی هستند که شراب می‌نوشند و دزدی می‌کنند؟ فرمود: نه ای دختر صدیق بلکه آنان کسانی هستند که روزه می‌گیرند و نماز می‌خوانند و صدقه می‌دهند و می‌ترسند که از آنان پذیرفته نشود" (روایت از ترمذی است)

انگیزه های ترس از خداوند:

۱. بزرگ دانستن خداوند بلند مرتبه و با عظمت و احترام و تکریم او زیرا به اسماء و صفات او آگاه اند.

"از پروردگارشان که بر آنان چیره است می ترسند" [سوره نحل آیه ۵۰]

۲. ترس از اینکه سرانجامش ناگوار شود و گرفتار عذاب دردناک جهنم و سرانجام بد گردد.

۳. احساس او نسبت به کوتاهی اش در رابطه با وظایفی که برعهده ایشان گذاشته شده است از آنجا که از دانش و آگاهی خداوند برخوردار و از قدرت او آگاه است، بیش از آنکه به کوچکی گناه بنگرد به بزرگی و عظمت کسی می نگرد که نافرمانی او را کرده است.

۴. تدبیر در کلام خدای پاک که پر از هشدار و تهدید برای کسی است که نافرمانی کرده و از شریعت و قانون او دوری می ورزد و نوری را که برایش فرستاده شده رها می سازد.

۵. تدبیر در کلام پروردگار و فرستاده او و نگرستن در سیره و زندگی او صلی الله علیه و سلم

۶. تفکر در عظمت خداوند ارجمند و با عظمت، هر کس در این زمینه فکر کند به صفات کبریایی و با عظمت پروردگار پی می برد و هر کس قلبش عظمت خداوند را گواهی داد آنگاه جایگاه هشدار خداوند را متوجه می شود و بدون تردید از خداوند می ترسد.

"و خدا شما را از [کیفر] خود بر حذر می دارد" [سوره آل عمران آیه ۲۸]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:
"و خداوند را چنان که سزاوار بزرگی اوست، ارج نهادند. و روز قیامت زمین، یک جا در قبضه [قدرت] اوست. و آسمانها در دست [قدرت] او درهم نور دیده شوند." [سوره زمر آیه ۶۷]

لازمه ترس از خداوند دانش نسبت به اوست و لازمه علم و دانش به او خشیت اش و لازمه خشیت، طاعت و پیروی از اوست.

۷. تفکر در باره مرگ و شدت آن و اینکه هیچ راه فراری از آن نیست: "بگو: آن مرگی که از آن می گریزید، [بدانید] که آن به شما خواهد رسید" [سوره جمعه آیه ۸]

این امر ترس از خداوند را لازم می گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:
"از بین برنده لذات (یعنی مرگ) را زیاد یاد کنید، چرا که هر کس آن را در تنگی یاد کند برایش گشایش حاصل می شود و هر کس در گشایش آن را یاد کند برایش تنگی حاصل می شود" (روایت از طبرانی است)

۸. تفکر در باره بعد از مرگ، پیرامون قبر و حوادث ترسناک آن. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "من شما را از زیارت قبرها باز داشته بودم اما اکنون آنها را زیارت کنید چرا که سبب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می شوند" (روایت از ابن ماجه است)



از براء روایت شده است که گفت: " ما به همراه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در یک تشییع جنازه بودیم. پس بر کناره قبر نشست و گریست تا حدی که خاک تر شد و سپس گفت: ای برادرانم خودتان را برای این چنین روزی آماده کنید" (روایت از ابن ماجه است)

و پروردگار ارجمند و با عظمت فرموده است: "ای مردم، از پروردگارتان پروا بدارید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزندش کفایت نکند و نه هیچ فرزندی است که او بتواند چیزی را از پدرش کفایت کند. بی گمان وعده خداوند راست است، پس زندگانی دنیا شما را نفریبد و شیطان فریبکار شما را نسبت به خداوند فریب ندهد" [سوره لقمان آیه ۳۳]

۹. تفکر در باره سرانجام گناهان کوچک، گناهانی که مردم آنها را حقیر می شمارند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم آنها را این چنین مثال می زند که یک قوم در یک بیابان چادر می زنند و برای جمع کردن هیزم پراکنده می شوند و هر کس تکه ای چوب می آورد و آن قدر چوب جمع می شود که نان خود را می پزند. در اینجا ارتباطی میان چوب های نازک و روشن شدن آتش، و میان گناهان و پخته شدن پوست گناهکاران وجود دارد: "هر گاه پوستهایشان پخته شود" [سوره نساء آیه

[۵۶]

۱۰. بنده بداند که امکان دارد میان او و توبه، با مرگ ناگهانی فاصله انداخته شود. آن هنگام افسوس و حسرت سودی ندارد. خداوند بلند مرتبه می فرماید

"تا آن گاه که مرگ به سوي کسي از آنان
آيد، گويد: پروردگارا، مرا باز گردان"

[سوره مومنون آیه ۹۹]

و می فرماید: "از [فرا رسیدن] روز حسرت
[و پشیمانی] هشدار ده" [سوره مریم آیه ۳۹]

۱۱. اندیشیدن در سرانجام بد. خداوند بلند
مرتبه می فرماید: "فرشتگان بر روي هایشان و
پشتهایشان می زنند" [سوره انفال آیه ۵۰]

۱۲. با کسانی همنشین شوید که خشیت و
ترس از خداوند را در دلتان افزایش دهند.
خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید:
"و خودت را در همراهی با کسانی که
پروردگارشان را به صبح و شام در حالی که
خشنودی او را می جویند، به [دعای خوانند]
پایین کن." [سوره کهف آیه ۲۸]

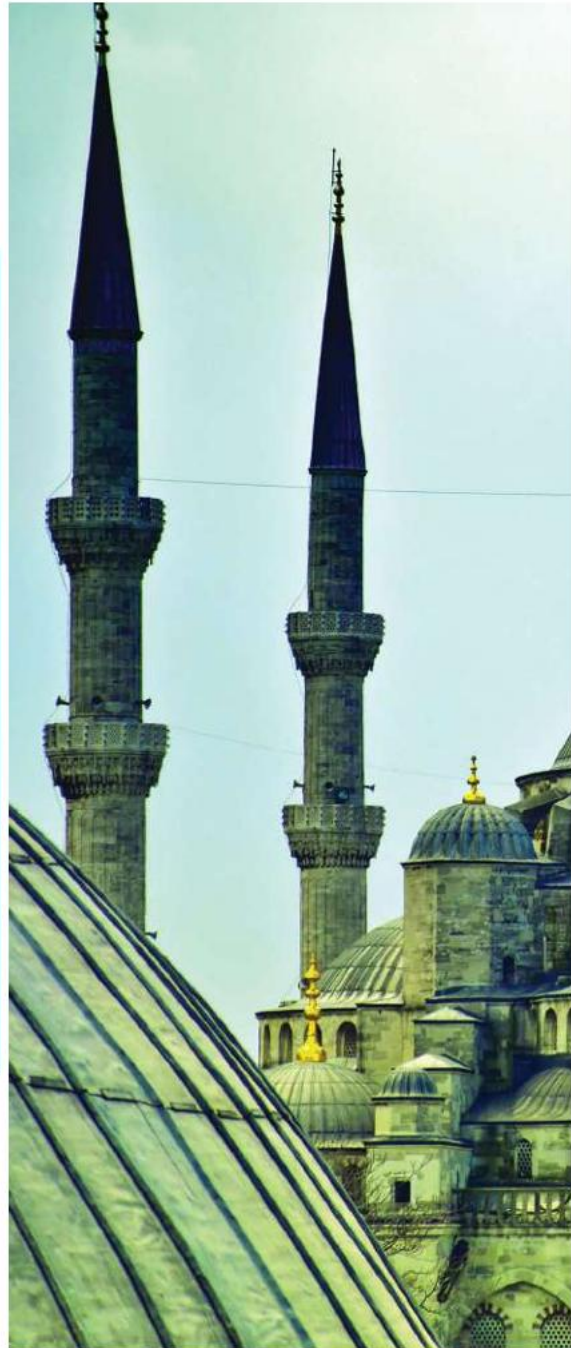
ترس از خداوند به دو موضوع مرتبط است:

ا- ترس از عذاب او: به کسی هشدار می
دهد که به او شریکی قایل شود و نافرمانی او را
کرده و از تقوا و اطاعت او خارج شود.

ب- ترس از خداوند: و آن ترس دانشمندان
و کسانی است که خداوند را می شناسند: "و
خدا شما را از [کیفر] خود بر حذر می دارد"

[سوره آل عمران آیه ۲۸]

هر گاه شناخت به خداوند افزایش یافت، بر
ترس از او افزوده می شود. پروردگار ارجمند و با
عظمت می فرماید: "جز این نیست که از خداوند،
بندگان عالمش بیم دارند" [سوره فاطر آیه ۲۸]



زیرا آن گاه که شناخت آنان به خدا و نام های نیکوی و صفات او تکمیل شد، ترس بر آنان چیره می شود و اثر آن بر قلبشان آشکار و سپس بر اعضای بدن تاثیر می گذارد.

آنگاه که ترس در قلب جای گرفت جایگاه شهوت را در آن می سوزاند و دنیا را از آن طرد می کند.

از جمله ثمرات ترس از خداوند:

۱. در دنیا:

۱. یکی از اسباب قدرت یابی در دنیا افزایش ایمان و اطمینان است. زیرا آنگاه که به آن چه وعده داده شده ای رسیدی بیش از پیش به خداوند اعتماد می کنی. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:

"و کافران به رسولانشان گفتند: البته شما را از سرزمین خودمان بیرون کنیم یا [اینکه باید] به دین ما باز آیید. پروردگارشان به آنان وحی کرد که ستمکاران را نابود خواهیم کرد (۱۳) و پس از آنان شما را در این سرزمین ساکن خواهیم کرد. و این [وعده] برای کسی است که از ایستادن به پیشگاه من بترسد و از بیم دادن من بهراسد (۱۴)" [سوره ابراهیم آیه ۱۴-۱۳]

۲. به عمل صالح و اخلاص در آن تشویق می کند و اینکه در برابر اعمال خود در دنیا چیزی نطلبد و مزد خود در آخرت را کم نکند. پروردگار بلندمرتبه می فرماید:

"[می گویند:] جز این نیست که برای کسب خشنودی خداوند به شما خوراک می دهیم. از شما پاداشی و سپاسی نمی خواهیم (۱۰) ما در روزی که [رویاها] ترش شوند و بس دشوار است از پروردگارمان می ترسیم"

[سوره انسان آیات ۱۰-۹]

و می فرماید: "در خانه هایی که خداوند اجازه داده است که رفعت یابند و نام او در آنجا یاد شود. او را صبح و شام در آنجا تسبیح می گویند (۳۶) مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا و بر پای داشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد. از آن روزی می ترسند که دها و دیدگان در آن [روز] نگران شوند (۳۷)" [سوره نور آیات ۳۷-۳۶]

یعنی به حرکت و جنبش در می آید و آن ها را به عمل وای می دارد. نجات و رهایی می خواهند و از هلاکت و بربادی بیمناکند و از این می ترسند که نامه اعمالشان به دست چپ داده شود.

آن گاه که ترس، قلب را آرام کرد جایگاه شهوات را در آن می سوزاند و دنیا را از آن بیرون می کند.

آن که از الله ترسید، آن ترس او را به تمام امور خیر راهنمایی می کند.



ب- در آخرت:

۱. بنده در روز قیامت زیر سایه عرش قرار می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "... و مردی که زنی زیبا و صاحب مقام او را برای بدکاری خواست و او گفت من از خدا می ترسم..." (روایت از بخاری است)

ظاهر حدیث گویای آن است که او این سخن را می گوید تا زن را هشدار دهد و او را به یاد خدا بیاورد. بر نظر خود پافشاری می کند و بعد از ذکر اصول و مبادی خود، از آن ها باز نمی گردد. "... و مردی که به تنهایی خداوند را یاد کرد و دیدگانش پر از اشک شدند..."

(روایت از بخاری است)

خشیتی که منجر به جاری شدن اشک شود سبب می گردد تا در روز قیامت آتش آن چشم را لمس نکند.

۲. از جمله اسباب مغفرت و گواه این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم است:

"مردی از گذشتگان را خداوند مال و ثروت داده بود و آن هنگام که زمان مرگش فرا رسید به فرزندانش گفت: من برای شما چگونه پدری بوده ام؟ پاسخ دادند: بهترین پدر. گفت: من هرگز کار نیکی انجام نداده ام، پس وقتی که من مردم مرا بسوزانید و سپس بکوبید و بسایید و در یک روز طوفانی خاکستر مرا به باد دهید، آنان چنین کردند. پس خداوند بلند مرتبه او را گرد آورد و زنده کرد و از او پرسید چرا چنین کردی؟ انگیزه تو در دادن این دستور چه بود؟ گفت ترس



تو. پس خداوند او را با رحمت خود در بر گرفت"

(روایت از بخاری است)

خداوند او را به سبب جهل و نادانی اش معذور شمرد و ترس او از خدایش برای او موجب شفاعت گردید و گرنه کسی که منکر بعث و رستاخیز باشد کافر است.

۳. همراه خود را به بهشت می‌رساند. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است:

"هر کس بترسد زود حرکت می‌کند و هر کس زود حرکت کند به منزل مقصود می‌رسد. خبر دار که کالای خداوند گران بهاست. خبردار که کالای خداوند بهشت است". (روایت از ترمذی است)

۴. یافتن امنیت و آرامش به روز رستاخیز. خداوند بلند مرتبه در حدیثی قدسی می‌فرماید:

"سوگند به عزتم که من هرگز دو ترس و دو امن را بر بنده ام گرد نمی‌آورم. اگر در دنیا از من بترسد در قیامت او را امنیت می‌دهم و اگر در دنیا از من احساس امنیت نمود در آخرت او را می‌ترسانم" (روایت از بیهقی است)

۵. شامل شدن در توصیفاتی که خداوند از بندگان مومن اش در آیاتی چون این آیه، ذکر نموده است: "مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان فرمانبردار و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان بردبار و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن" [سوره احزاب آیه ۳۵]

همه اینان کلماتی شریف و پر معنا هستند که لازم است برای به دست آوردن آن معانی سعی شود.

خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "پهلوهایشان از بسترها به دور می‌شود. با بیم و امید پروردگارشان را می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می‌کنند" (۱۶) پس هیچ کس نمی‌داند که از آنچه مایه روشنی چشم است چه چیزی برایشان نهان داشته شده است. به [پاس] آنچه می‌کردند [پاداش یافتند] (۱۷)

[سوره سجده آیه ۱۷-۱۶]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "آیا [کسی] که شرحش را گفتیم، بهتر است [یا کسی که او در لحظه لحظه شب سجده‌کنان و ایستاده به عبادت می‌پردازد. در حالی که از آخرت می‌ترسد و به بخشایش پروردگارش امید می‌دارد! بگو: آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند برابرند! تنها خردمندان پند می‌پذیرند" (سوره زمر آیه ۹)

و می‌فرماید: "و آنان که از عذاب پروردگارشان ترسانند (۲۷) بی‌گمان عذاب پروردگارشان ایمنی ناپذیر است (۲۸)"

[سوره معارج آیات ۲۸-۲۷]

خداوند نزدیک ترین بندگان را به سبب خوف و ترسشان نسبت به خداوند ستوده است: "بی‌گمان آنان به نیکوکاری می‌شتافتند و ما را با امید و بیم [به دعا] می‌خواندند و برای ما فروتن بودند" (سوره انبیاء آیه ۹۰)

حتی خود فرشتگان هم از پروردگارشان می ترسند. خداوند بلند مرتبه می فرماید:

"از پروردگارشان که بر آنان چیره است می ترسند و آنچه را که دستور می یابند، انجام می دهند" [سوره نحل آیه ۵۰]

۶. خشنودی از جانب خداوند بلند مرتبه:

"خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از او خشنود شدند. این [پاداش] کسی راست که از پروردگارش بیمناک باشد" [سوره بینه آیه ۸]

ترس کسانی که خداوند را می شناسند و به او شناخت و معرفت دارند.

اهل معرفت خداوند، با وجود نیکی کردارشان و امید آنان به خداوند ارجمند و باعظمت، اما باز هم آنان از او می ترسند و بیشترین خشیت را از او دارند. از جمله مثالهای آن عبارتند از:

- گریه رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حال نماز تا جایی که از دل او صدای غل غلی چون غل غل دیگ جوشان به گوش می رسید. (روایت از احمد، ابوداود و نسائی است)

- ابوبکر رضی الله عنه زبانش را می گرفت و می گفت: "این است که مرا به هلاکت می اندازد"

و می گوید: "ای کاش من درختی بودم که بر آن تکیه زده می شد"

- عمر ابن خطاب رضی الله عنه می گوید: "کاش من چیز قابل ذکری نبودم. ای کاش مادرم مرا به دنیا نمی آورد" و می گفت:

"اگر شتری بر کناره فرات گم شود و بمیرد، من می ترسم که خداوند در روز قیامت مرا مورد بازخواست قرار بدهد" و می گفت:

"اگر ندا دهنده ای از آسمان ندا بدهد که ای مردم همگی شما جز یک نفر وارد بهشت می شوید، من می ترسم که آن یک نفر من باشم" عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید:

"دوست داشتم بعد از مرگ دوباره برانگیخته نمی شدم"

در حالی که او شب را به نماز و خواندن قرآن و یاد خدا به صبح می رساند.

- ام المومنین عائشه رضی الله عنها این آیه را می خواند: "آن گاه خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب آتش حفظ کرد" [سوره طور آیه ۲۷]

در نمازش می گریست و می گریست..

"اگر آنان را عذاب کنی، آنان بندگان تو هستند، و اگر آنان را بیامرزی، تویی که پیروزمند فرزانه ای" [سوره مائده آیه ۱۱۸]

احکام و نکته های خوف و ترس

۱. خشیت از خوف و ترس خاص تر است. خشیت از آن کسی است که شناختش به خداوند بیشتر باشد:

۳. ترس از خداوند از واجبات و مقتضیات ایمان است. این امر از والامقام ترین منازل راه و سودمندترین آنها برای قلب است. این بر هر آدمی فرض است که به وسیله آن از گناهان جلوگیری کرده و از دنیا، دوستان ناباب، غفلت و از قسوت قلب جلوگیری می کند.

"جز این نیست که از خداوند، بندگان عالمش بیم دارند. بی گمان خداوند پیروزمند آمرزنده است" [سوره فاطر آیه ۲۸]

کسی که از خداوند بترسد هیچ کس به او زبانی نمی رساند و کسی که از غیر خدا ترسد هیچ کس به او سودی نمی رساند.
فضیل بن عیاض

"جز این نیست که از خداوند، بندگان عالمش بیم دارند. بی گمان خداوند پیروزمند آمرزنده است" [سوره فاطر آیه ۲۸]

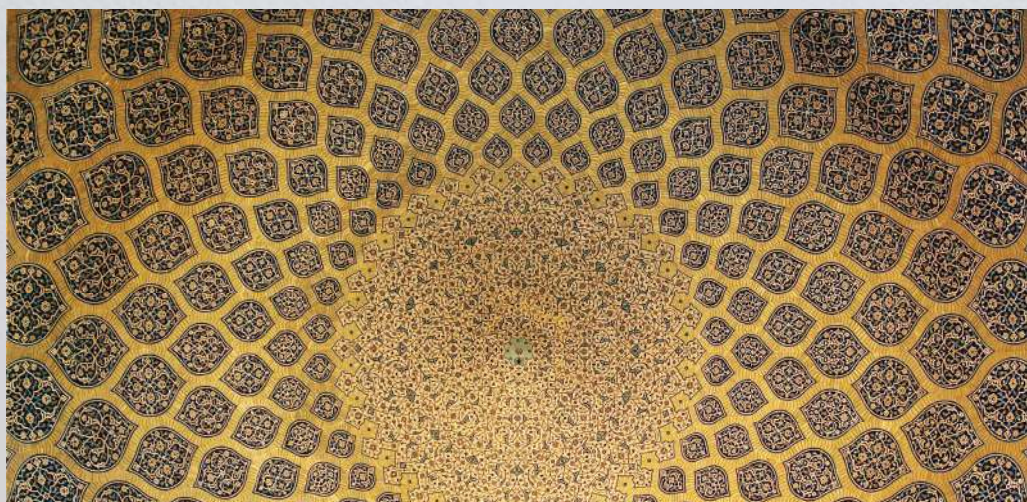
ترسی که با شناخت همراه است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند:

"اما سوگند به خداوند که من پرهیزکارترین شما هستم که بیشتر از همه از او می ترسم"

(روایت از مسلم است)

به اندازه شناخت از خداوند متعال و اسما و صفات و کمال و جلال و معرفت او، خوف و خشیت نیز متغیر است.

۲. خوف و ترس زمانی سودمند است که به سعی و تلاش و توبه و پشیمانی و رها کردن کردار ناشایست منجر شود. ترس از آن جا به وجود می آید که فرد زشتی کار بد و جنایت را می داند و هشدار را تصدیق می کند. از معرفت پروردگار بزرگ و با عظمت و بلند مرتبه بر می خیزد و نمی توان ترسی از خداوند را تصور کرد که به عمل و سعی و تلاش وادار نکند.





بازيڻي

۱. مواردی را بیان کرده و سپس بشمارید که سبب افزایش خوف و ترس تو از پروردگار بلند مرتبه می شوند.
۲. پاره ای از اسماء و صفات پروردگار را ذکر کنید که سبب ایجاد خوف و ترس در شما می شوند.
۳. کسی که از خداوند می ترسد چه کار باید بکند؟



قسمت دوم آثار تعبدی بر کردار و رفتار:

پس پاکی نیمه ای از ایمان است. زیرا یکی از مهم ترین انواع آن بوده و خداوند تمام انواع پاکی و طهارت را دوست دارد، و فرقی نمی کند که:

۱. طهارت معنوی:

که منظور از آن پاکی نفس از آثار گناه و نافرمانی و شرک به خداوند است که با توبه راستین و صادق و تطهیر قلب از پلیدی های شرک، شک، حسد، کینه، فریب و تکبر حاصل می شود و این تطهیر روی نمی دهد مگر اینکه اعمال خود را با اخلاص درست برای خداوند و دوستی خیر و خوبی و بردباری و فروتنی و راستی انجام بدهد.

۲. طهارت حسی:

منظور از آن برطرف کردن آن نوع پلیدی است که سبب بی وضویی می شود:

- برطرف کردن چیزهای ناپاک:

این با برطرف کردن چیزهای پلید بوسیله آب پاک از لباس، بدن، مکان و آنچه در حکم مکان است صورت می گیرد.

- برطرف کردن بی وضویی:

منظور از وضوء، غسل و تیمم برای نماز یا قرائت قرآن یا طواف بیت الله یا یاد و ذکر الله تعالی و غیره می باشد.

توحید خداوند در رفتار و کردار آدمی آشکار می شود. رفتار و کردار آدمی آینه ای از تقوا و احساسات قلب اوست و این در رفتار خاص او با مردم آشکار می شود. تمام زندگی نشانه و اثری از آثار ایمان و توحید و پرستش است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و جنّ و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده ام" [سوره ذاریات آیه ۵۶]

از جمله آثار واضح آن بر رفتار خاص انسان:

نخست؛ آثار خاص بر فرد:

طهارت و پاکی:

بزرگترین چیزی که مومن بعد از توحید به دست می آورد پاکی و طهارت است. به همین سبب خداوند آن را دوست دارد. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "به راستی خداوند توبه کنندگان و پاک شوندگان را دوست می دارد" [سوره بقره آیه ۲۲۲]

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "پاکی نیمه ی ایمان است" (روایت از مسلم است)

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "پاکی نیمه ای از ایمان است" (روایت از مسلم است)

نماز:

نماز آثار بسیار بزرگی دارد. از آن جمله :

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "نماز نور است" (روایت از بیهقی است)

۱. از فحشا و منکر و کارهای زشت باز می دارد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "[ای محمد ﷺ] بخوان آنچه از کتاب [آسمانی] را که به تو وحی شده است و نماز را بر پای دار. که نماز از [کارهای] ناشایست و ناپسند باز می دارد. و حقا که یاد خداوند بزرگتر است و خداوند آنچه را می کنید، می داند" [سوره عنکبوت آیه ۴۵]

۲. برترین اعمال بعد از شهادتین است. به سبب حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که فرمود: "از رسول خدا صلی الله علیه و سلم پرسیدم: کدامین عمل بهتر است؟ گفت: نماز سروقت. گفت: سپس پرسیدم: بعد از آن کدام است؟ گفت: نیکی به پدر و مادر. گفت: سپس پرسیدم: بعد از آن کدام است؟ گفت: جهاد در راه خدا" (روایت از مسلم است)

نماز برترین عملی است که بنده به خدا نزدیک می شود.

۳. نماز گناهان را می پوشاند. به دلیل حدیث جابر - رضی الله عنه - که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است:

"مثال نمازهای پنجگانه مثال یک رود روان پر آب بر در خانه یکی از شما است که روزی پنج بار در آن آبتنی می کند" (روایت از مسلم است)

توحید خداوند متعال در نماز آشکار می شود و آن رابطه ای میان بنده و خدایش است که در آن بنده طاعت و محبت و خضوع و فروتنی و خاکساری خود را برای خدایش اعلان می کند و این بزرگترین رکن اسلام بعد از گواهی توحید و نبوت محمد است و آن عماد و ستون دین و نور یقین است که نفس در آن پاک و معطر شده و سینه گشایش می یابد و قلب آرام می گیرد. آن مانعی برای کارهای زشت و منکرات است و سببی برای از بین رفتن گناهان و بدی ها است. نماز عبارت است از اعمالی خاص در اوقاتی خاص که با تکبیر آغاز و با سلام پایان می پذیرد.

ترک کننده نماز و منکر آن، تکذیب کننده خدا و رسول و منکر قرآن است. این با اصل ایمان در تضاد می باشد، اما کسی که وجوب آن را می داند و به خاطر تنبلی و کسالت آن را ترک می کند او خود را در معرض خطری بزرگ و هشدار هولناک قرار داده است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "فاصله بین شخص و شرک و کفر، ترک نماز است"

(روایت از مسلم است)

و دیگران گفته اند: آن کفر است، اما کفر بزرگ نیست. به هر حال یا آن کفری است که فرد را از آئین اسلام بیرون می برد و یا اینکه از گناهان بزرگ و از بزرگترین مهلکات است.

با سجده فراوان یاری کن" (روایت از مسلم است)
 نیاز رابطه بین پروردگار توانا و بنده ضعیف
 است تا بنده ضعیف، با توان پروردگار قدرتمند،
 قوی و توانا شده و قلب او به خدا مرتبط شود
 که این از مهمترین اهداف نیاز است. خداوند
 بلند مرتبه می فرماید: "و برای یاد کردن من
 نیاز برپای دار" [سوره طه آیه ۱۴]

زکات پاک کردن و رویاندن و پرورش
 دادن نفس و مال و جامعه است.



۴. نماز در دنیا و در آخرت نوری برای صاحبش
 است: رسول خدا صلی الله علیه و سلم در
 باره نماز می فرماید:

"هر کسی که بر نماز محافظت کند برای او
 نور، برهان، دلیل و سبب نجات و رهایی
 او در روز قیامت می شود و هر کس که بر
 آن محافظت نکند او را نور و برهان و نجاتی
 نخواهد بود و در روز قیامت به همراه قارون،
 فرعون، هامان و ابی بن خلف خواهد بود"

(روایت از احمد است)

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می
 فرماید: "نماز نوری است" (روایت از بیهقی است)

۵. خداوند به وسیله نماز درجه و مقام فرد را بالا
 می برد و اشتباهات و خطایا را از بین می
 برد، به دلیل حدیث ثوبان _ مولای رسول
 خدا صلی الله علیه و سلم - که رسول خدا
 به او گفت: "سجده فراوان را بر خود لازم
 بگیر چرا که تو هیچ سجده ای بجا نمی
 آوری مگر اینکه خداوند با آن درجه ای از
 تو را بالا برده و گناهی از تو را از بین می
 برد" (روایت از مسلم است)

۶. نماز از بزرگترین اسباب ورود به بهشت و
 همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و سلم
 است. به دلیل حدیث ربیع بن کعب اسلمی
 -رضی الله عنه- که گفت: "من شب را به نزد
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودم، پس
 آب وضوء و چیزهای مورد نیاز او را فراهم
 کردم، پس به من گفت: چیزی درخواست
 کن، گفتم: درخواست من همراهی شما در
 بهشت است. فرمود: چیز دیگری بنخواه؟ من
 گفتم من همین را می خواهم. فرمود: پس مرا

زکات:

از رشد و تطهیر گرفته شده است. طهارت نفس بنده یکتا پرست، او را می‌دارد تا با مالش خود را پاک کرده و با زکات آن را صیقل دهد، تا پاک گردد. زکات حقی واجب در مال ثروتمندان است که باید به فقراء و کسانی که در حکم آنها هستند، داده شود تا رضایت پروردگار عالم حاصل شده و روان آدمی پاک گردد و به نیازمندان نیکی و احسان کند.

زکات در اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار است و حکمت تشریع آن به خوبی اهمیت آن را آشکار می‌کند و کسی که در این حکم تامل و دقت کند بزودی متوجه اهمیت این رکن بزرگ و تأثیرات آن خواهد شد. از جمله این آثار عبارتند از:

۷. پاک کردن نفس بشری از پلیدی بخل، خسیسی، حرص و طمع

۸. همدردی با فقراء و برطرف کردن نیازهای نیازمندان و بیچارگان و محرومان.

۹. برپا کردن مصالح عمومی که زندگی و حیات امت و سعادتش بر آن استوار است.

۱۰. جلوگیری از انباشت اموال در نزد ثروتمندان و بازرگانان، تا اموال فقط در دست یک دسته محدود از مردم خزینه نشده یا فقط در دست ثروتمندان دست به دست نگردد.

۱۱. زکات جامعه اسلامی را به مانند یک خانواده قرار می‌دهد که فرد توانا بر ناتوان و ثروتمند بر فقیر مهر و عطوفت می‌کند.

۱۲. زکات سبب از بین رفتن عقده، کینه،

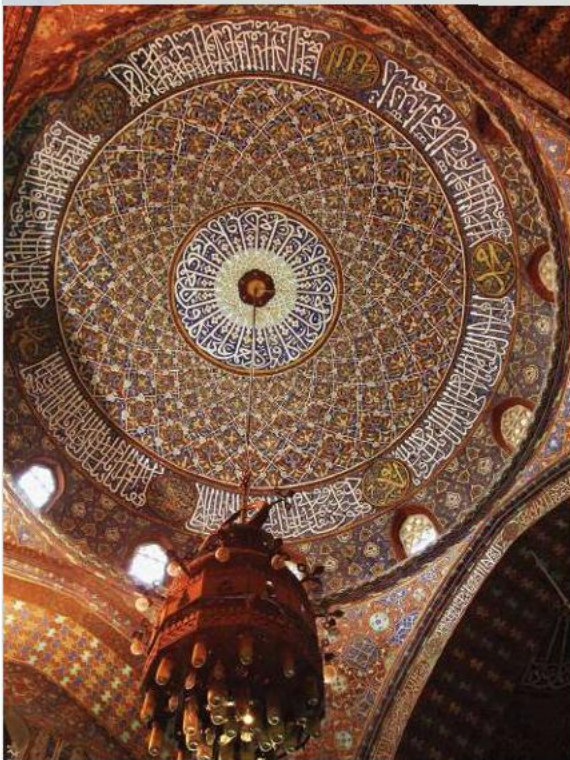
خشم های سرکوفت شده بر ثروتمندان و حسادت و دشمنی نسبت به نعمت هایی که خداوند به آنها داده است، می‌شود.

۱۳. زکات مانعی برای بوجود آمدن جرایم مالی مانند دزدی و چپاول و غارت می‌شود.

۱۴. سبب رشد و پاکی مال می‌شود.

نصوص فراوانی در کتاب و سنت آمده است که به شکل واضح به وجوب زکات دلالت می‌کنند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بیان می‌کند که آن یکی از پایه های محکم و استوار اسلام است که بر آن بنا نهاده شده و آن رکن سوم از ارکان این دین است. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "و نیاز بر پای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید"

[سوره بقره آیه ۴۳]

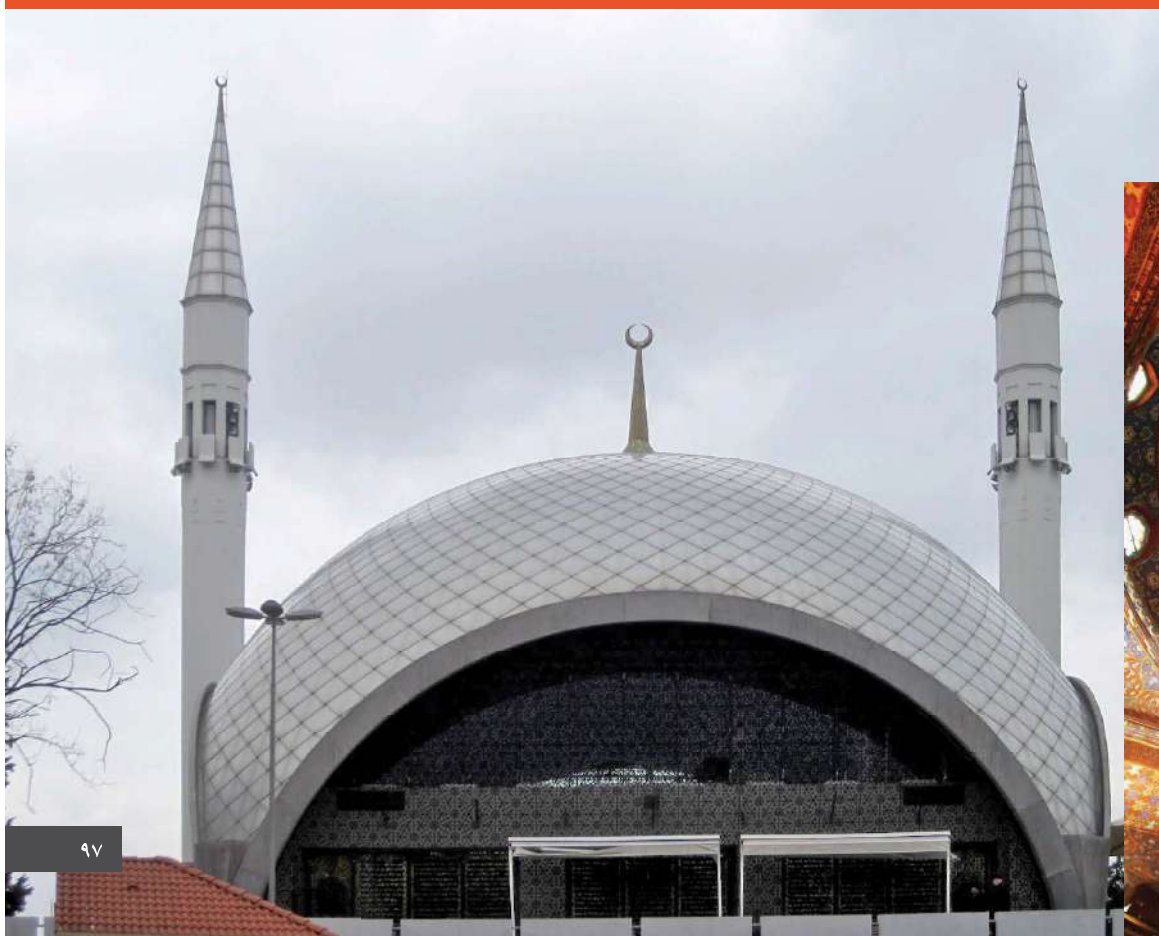


و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و نماز را برپای دارید و زکات را بپردازید. و هر خیری را که از پیش برای خودتان می فرستید [پاداش] آن را در نزد خداوند خواهید یافت. آری خدا به آنچه می کنید بیناست" [سوره بقره آیه ۱۱۰]

و در حدیث مشهور جبریل آمده است: "اسلام آن است که گواهی بدهی که معبود راستینی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست. نماز را برپا داری و زکات بدهی و رمضان را روزه بگیری و اگر توان آن را داشتی حج بگذاری" (روایت از مسلم است)

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "اسلام بر پنج پایه استوار شده است: گواهی لا اله الا الله و رسالت محمد از طرف خداوند، برپاداشتن نماز و دادن زکات و گذاردن حج و روزه رمضان" (روایت از بخاری است)

مانند این نصوص به روشنی بر این دلالت می کنند که زکات یکی از ارکان و اصول بزرگ اسلام است که اسلام بدون آن تکمیل نمی شود.



روزه:

آثار روزه بر بنده فراوان اند از آن جمله:

۱. آن راز میان بنده و خالقش است که در آن عنصر مراقبت و مواظبت راستین در ضمیر مومن نمایان می شود، زیرا هرگز امکان ندارد ریا به آن سرایت کند. روزه مراقبت خداوندی و خشیت او را در مومن پرورش می دهد و این هدفی برجسته و بزرگ است که آرزوهای بسیاری از مردم به آن نمی رسد.
 ۲. به امت، نظم و یکپارچگی، دوستی، عدل و مساوات را عادت می دهد و در میان مومنان عاطفه و احساس رحمت و اخلاق نیکو و احسان را بوجود می آورد. همانطور که جامعه را از شر و فساد محفوظ نگه می دارد.
 ۳. روزه سبب می شود که مسلمان درد برادرش را احساس کند و این احساس او را به بخشش و احسان به فقرا و مساکین و می دارد و در نتیجه آن محبت برادرانه بین مسلمانان بوجود می آید.
 ۴. آن یک تمرین عملی برای کنترل نفس و تحمل مسئولیت و سختی ها است.
 ۵. پشتیبان انسان از فرو افتادن در گناهان بوده و همچنین برای آن پاداش نیک می برد. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:
- "روزه سپراست. از رفتار زشت و کارهای جاهلانه دوری گزینید و اگر کسی با او درگیر شد یا او را بد و بیراه گفت، بگوید: من روزه ام، و این را دو بار تکرار کند. سوگند به آن که جان من به دست اوست بوی دهان روزه دار در نزد خداوند از بوی مشک و عنبر بهتر است. خورد و خوراک و نوشیدنی و میل جنسی خود

خداوند روزه را بنا نهاده و آن را یکی از ارکان اسلام قرار داده است و آن عبارت است از: امساک به معنی خوشتنداری و امتناع از اموری که سبب شکستن روزه می شوند، به نیت عبادت خداوند از طلوع فجر تا غروب خورشید. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بخورید و بیاشامید تا آنکه رشته سپید- که فجر است- از رشته سیاه [شب] آشکار شود آن گاه روزه را تا شب به پایان رسانید"

[سوره بقره آیه ۱۸۷]

و استقرار ایمان در قلب بنده و جای گرفتن توحید خداوند به سبب فرمان پذیری از آنچه خداوند برایش واجب کرده است. این آیه بیانگر این وجوب است: "ای مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنان که بر پیشینیان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید"

[سوره بقره آیه ۱۸۳]

پس انسان یکتاپرست به روزه شادمان شده و با شوق به سوی آن می شتابد، خداوند ارجمند و با عظمت در حدیثی قدسی می فرماید: "تمام کارهای فرزند آدم برای خودش است مگر روزه که آن برای من است و من پاداش آن را می دهم.." (روایت از بخاری است)

روزه، مدرسه ای برای ساختن ایمان در دل است.

را به خاطر من ترک می کند. روزه برای من
است و من خودم پاداش آن را می دهم و نیکی
به ده برابر است" (روایت از بخاری است)



حج:

توحید خداوند در حج نمایان می شود. حج از جمله عباداتی است که سبب افزایش توحید فرد موحد می شده و در آن به زیبایی ایمان آراسته می شود.

حج گذار از آغاز مراسم بانگ "لیک اللهم لییک لییک لا شریک لک لییک" را سر می دهد و آن را در تمام مراسم تکرار می کند، تا به مراسم حج پایان دهد، در حالی که به مانند روز تولد از تمامی گناهان پاک و ستره شده است. او برای پروردگار یکتا خالص شده و توحید او را ندا داده است. حج قصد بیت الحرام را نمودن در ایام حج می باشد. همانگونه که خداوند فرموده و رسول او انجام داده است. حج فریضه ای از طرف خداوند بر بندگان است که نصوص کتاب و سنت و انعقاد اجماع بر آن دلالت می کند.

از جمله آثار حج بر زندگی بنده:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "طواف پیرامون کعبه، سعی بین صفا و مروه و زدن سنگریزه، برای برپاداشتن یاد پروردگار ارجمند و با عظمت است" (روایت از احمد است)

۱. حج سبب از بین رفتن گناهان و اشتباهات است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است: "آیا ندانسته ای که اسلام تمامی گناهان پیشین را از بین می برد و هجرت هر چه را که پیش از آن بوده محو می سازد و حج تمام گناهان قبلی فرد را از بین می برد.." (روایت از مسلم است)

(روایت از مسلم است)

۲. حج فرمان پذیری از دستور خداوند است. خانواده خود را رها می کند، فرزند خود را ترک کرده و لباس خود را درمی آورد و توحید پروردگار را اعلان می کند. همه این کارها برای پذیرش امر خداوند است و این از بزرگترین نشانه های امتثال امر خداوند است.

۳. حج سبب رضایت الله تعالی و دخول به بهشت است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "حج مقبول و نیکو پاداشی جز بهشت ندارد" (روایت متفق علیه است)

۴. حج اظهار عملی اصل مساوات و عدل در میان مردم است. آن گاه که همه مردم در یک جا در صحرای عرفات می ایستند، در حالی که در میان آنها هیچ تفاوتی وجود ندارد و همگی در یک لباس ظاهر شده و جز در تقوا و پرهیزکاری تفاوتی باهم ندارند.

۵. در حج اصل شناخت و همکاری تقویت می شود، به طوری که شناخت افزایش می یابد و مشورت بدست آمده و تبادل آراء ممکن می شود و این سبب بالا رفتن جایگاه رهبری امت در میان امت ها و سبب تحریک او می شود.

۶. حج آدمی را به توحید و اخلاص فرا می خواند. امری که کاملاً بر زندگی او تاثیر گذارده و فقط خداوند را به یکتایی اعلان می کند و جز خداوند کسی را به دعا نمی خواند.

دوم- آثار عمومی در میان مردم:

همان گونه که اثر توحید و ایمان در قلب مومن آشکار می شود و در رفتار فردی مشخص می شود همچنین در کردار و رفتار اجتماعی و در تعامل با مردم هم خود را نمایان می کند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همانا من برای تکمیل کردن اخلاق نیکو و پسندیده برانگیخته شده ام" (روایت از بیهقی است)

رسول خداوند صلی الله علیه و سلم میان ایمان و اخلاق رابطه برقرار می کند. می فرماید: "کامل ترین مومنان از جهت ایمان با اخلاق ترین و مهربان ترین آنها با خانواده شان است"

(روایت از ترمذی است)

آن فرد یکتا پرست مراقبت و نظارت پروردگار را احساس می کند و می بیند که احاطه او بر بندگان، بیشتر برای مهربانی و رحمت بر آنها در عرصه های مختلف زندگی می باشد.

در خانه و خانواده:

۱. همزیستی با پدر و مادر:

موحد نسبت به حق پدر و مادر بسیار حساس بوده و در ادای حق آن ها کوتاهی نمی کند. خداوند بلند مرتبه در کتابش آنها را در کنار هم آورده و فرموده است: "و پروردگارت [چنین] حکم کرد که جز او را مهرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دوی آنها در نزد تو به [سن] پیری رسند. [حتی] به آنان «اف» مگو و بر آنان بانگ مزین و به نیکی با آنان سخن گوی (۲۳) و از [روی] مهربانی

بال فروتنی بر آنان بگستران و بگو: پروردگارا، به آنان رحمت آور، چنان که [به سن] خردسالی مرا پروراندند (۲۴) پروردگارتان به آنچه در دلهایتان است، آگاه تر است. اگر نیکوکار باشید، [بدانید] که او برای توبه کاران آمرزنده است (۲۵)" [سوره اسراء آیات ۲۵-۲۳]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: "و انسان را نسبت به پدر و مادرش به نیک [رفتاری] فرمان دادیم. و اگر بخواهند تو را وا دارند تا چیزی را که به [حقیقت] آن دانشی نداری، به من شرک آوری، از آنان اطاعت، مکن. باز گشت شما به سوی من است، آن گاه شما را به [حقیقت] آنچه می کردید، خبر دهم" [سوره عنکبوت آیه ۸]

۲. معاشرت با فرزندان: با وجود این که فرزندان زینت و آرایش دنیا هستند، و خداوند درباره آنان می گوید: "مال و فرزندان زینت زندگانی دنیا است" [سوره کهف آیه ۴۶]

اما توحیدی که در دل مومن است او را به تربیت فرزندانش فرا می خواند. خداوند بلند مرتبه مومنان را بر اساس ایمانشان به حفظ خود و خانواده شان از آتش دوزخ فراخوانده و فرموده است: "ای مؤمنان، خودتان و خانواده تان را از آتشی حفظ کنید که آتش افروزش مردم و سنگها خواهند بود. [نیز] بر آن فرشتگان درشتخو و سخت رو [گمارده اند] که خداوند را در آنچه به آنان فرمان دهد، نافرمانی نکنند. و آنچه را که فرمان می یابند، انجام می دهند". [سوره تحریم آیه ۶]

و مسئولیت را بر دوش هر سرپرست قرار داده است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همه شما سرپرست و مسئول زیردستان خود هستید. امام سرپرست و مسئول زیردستان خود و مرد در خانواده اش مسئول و سرپرست است و زن در خانه شوهر خود سرپرست و مسئول بوده و خادم مسئول و سرپرست مال آقای خود است" (روایت از بخاری است)

۳. رفتار با زن:

یکتا پرست حق همسرش را بجا آورده و از خداوند می ترسد و او را مراقب و ناظر چگونگی رفتار خود با همسرش می بیند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و زنان از همچون حقی که [شوهران] به طور شایسته بر آنان دارند، بر خور دارند" [سوره بقره آیه ۲۲۸]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "بهترین شما کسی است که بهترین رفتار را با همسر و خانواده خود داشته باشد و من بهترین شما در خانواده ام هستم."

(روایت از ترمذی است)

و آن گاه که تعدادی از زنان آمده و از رفتار همسرانشان پیش همسران رسول خدا صلی الله علیه و سلم شکوه کردند، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: "بهترین شما خوش رفتارترین شما با همسرش است"

(روایت از ابن ماجه است)

۴. رفتار با شوهر:

توحید سبب ایجاد خشیت از خداوند در قلب زن مومن شده و نتیجه آن قیام به حق همسرش می باشد تا به بهشت پروردگار دست یابد.

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "آن گاه که زن نیاز پنج وقت خود را خواند و ماه رمضان را روزه گرفت و پاکدامنی اختیار کرد و از همسرش اطاعت نمود، به او گفته می شود که: از هر دری که میخواهی وارد بهشت شو" (روایت از احمد است)

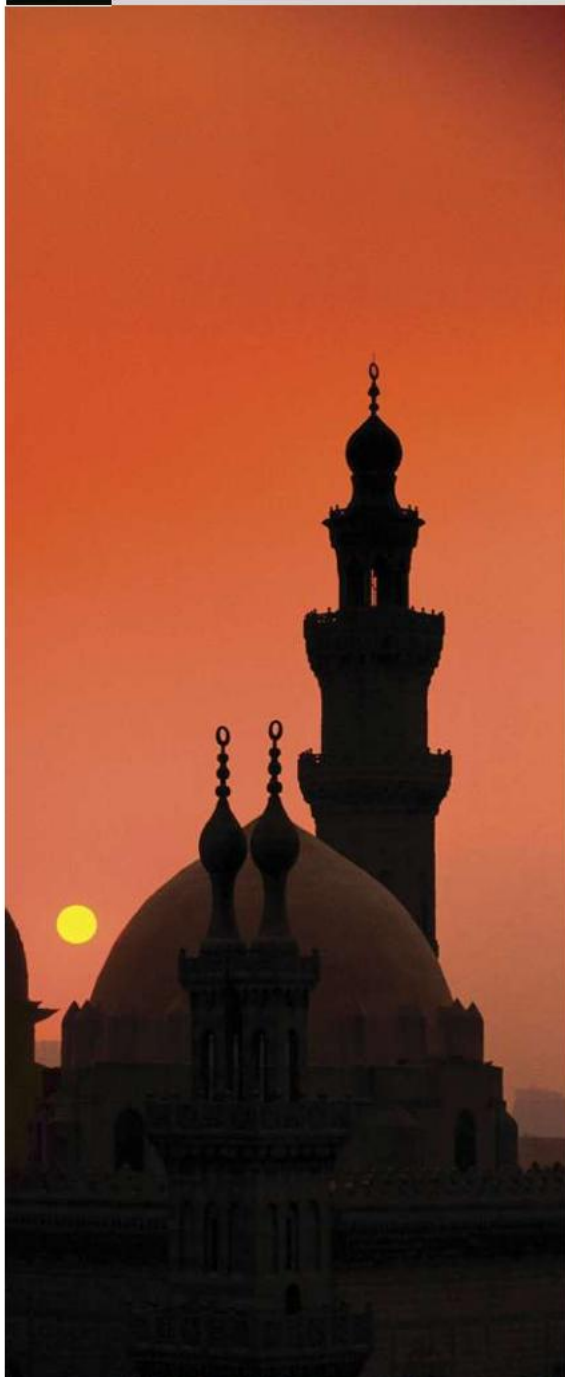
و خداوند بلند مرتبه به زن امر کرده تا مرد را بیش از توانش تکلیف نکند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "باید که دارا از دارایی خود نفقه دهد. و کسی [هم] که روزی اش تنگ شده است، باید از آنچه خداوند به او داده است انفاق کند. خداوند هیچ کس را جز به [میزان] آنچه به او داده است مکلف نمی کند. خداوند پس از تنگدستی آسایش پدید خواهد آورد" [سوره طلاق آیه ۷]

بدون عذر از مرد درخواست طلاق نکند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هر زنی که بدون عذر از همسرش درخواست طلاق کرد بوی بهشت بر او حرام است"

(روایت از احمد است)

با خویشاوندان و همسایگان:

حفظ رابطه خویشاوندی و حق همسایگی: پروردگار عالم میان عبادت و توحید خودش و رفتار و اخلاق موحد با خویشان و نزدیکان و همسایگان ربط برقرار نموده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید. و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همشین و در راه مانده و ملک یمیتان [نیکی



کنید] خداوند کسی را که متکبر خودستا باشد، دوست نمی‌دارد" [سوره نساء آیه ۳۶]

و خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "پس به خویشاوند حقش را بده و [نیز] حق بینوا و در راه مانده را. این برای کسانی که خشنودی خداوند را می‌جویند، بهتر است. و ایشانند که رستگارند" [سوره روم آیه ۳۸]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "هر کس به خدا و روز بازپسین باور دارد به همسایه خود نیکی کند" (روایت از مسلم است)

در کار و در تعامل با همه مردم:

ایمان در قلب فرد موحد و یکتاپرست سبب نیکی اخلاق و خیرخواهی برای مردم و راستی در رفتار می‌شود و این از با فضیلت‌ترین اعمالی است که مومن به خدایش نزدیک می‌شود:

۱. رفتار نیکو:

خداوند بلند مرتبه در وصف پیامبرش محمد صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "تو بر خوردار از خلقی بزرگ هستی" [سوره قلم آیه ۴]
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "بیشترین سبب دخول مردم در بهشت تقوای الهی و اخلاق نیکو است"

(روایت از ترمذی است)

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "محبوبترین مردم در نزد خداوند سودمندترین آنها و برترین عمل، شاد کردن یک مسلمان یا بر طرف کردن غم از او یا دادن وام او یا طرف کردن گرسنگی از اوست.

محال است گمان شود پیغمبر صلی
الله علیه و سلم که امت اش را
آداب استیحاء آموخته، از آموزش
توحید به آنان غافل مانده باشد در
حالی که توحید آن چیزی است که
رسول خدا در باره اش فرموده اند:
به من دستور داده شده تا با مردم
بجنگم تا لا اله الا الله بگویند.."

(روایت از بخاری است)
آن چه مال و خون به آن حفظ می
شوند همان حقیقت توحید است.
امام مالک بن انس



برای من محبوبتر و خوش تر است که برای کمک
به برادرم بروم از اینکه در این مسجد - یعنی
مسجد مدینه - یک ماه به اعتکاف بنشینم.."
(روایت از طبرانی است)

۲. صدق و راستی، خداوند بلند مرتبه می فرماید: "ای
مؤمنان، از خداوند پروا بدارید و با راستگویان
باشید" [سوره توبه آیه ۱۱۹]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"راستی به نیکی فرا می خواند و نیکی به بهشت
رهنمون می کند. چنان است که فرد راست می گوید
تا به درجه راستگویی و صدیق بودن می رسد. و
دروغ به گناه فرامی خواند و گناه به آتش رهنمون
می کند. فرد پیوسته دروغ می گوید، تا به نزد خداوند
دروغگو نوشته می شود" (روایت از بخاری است)

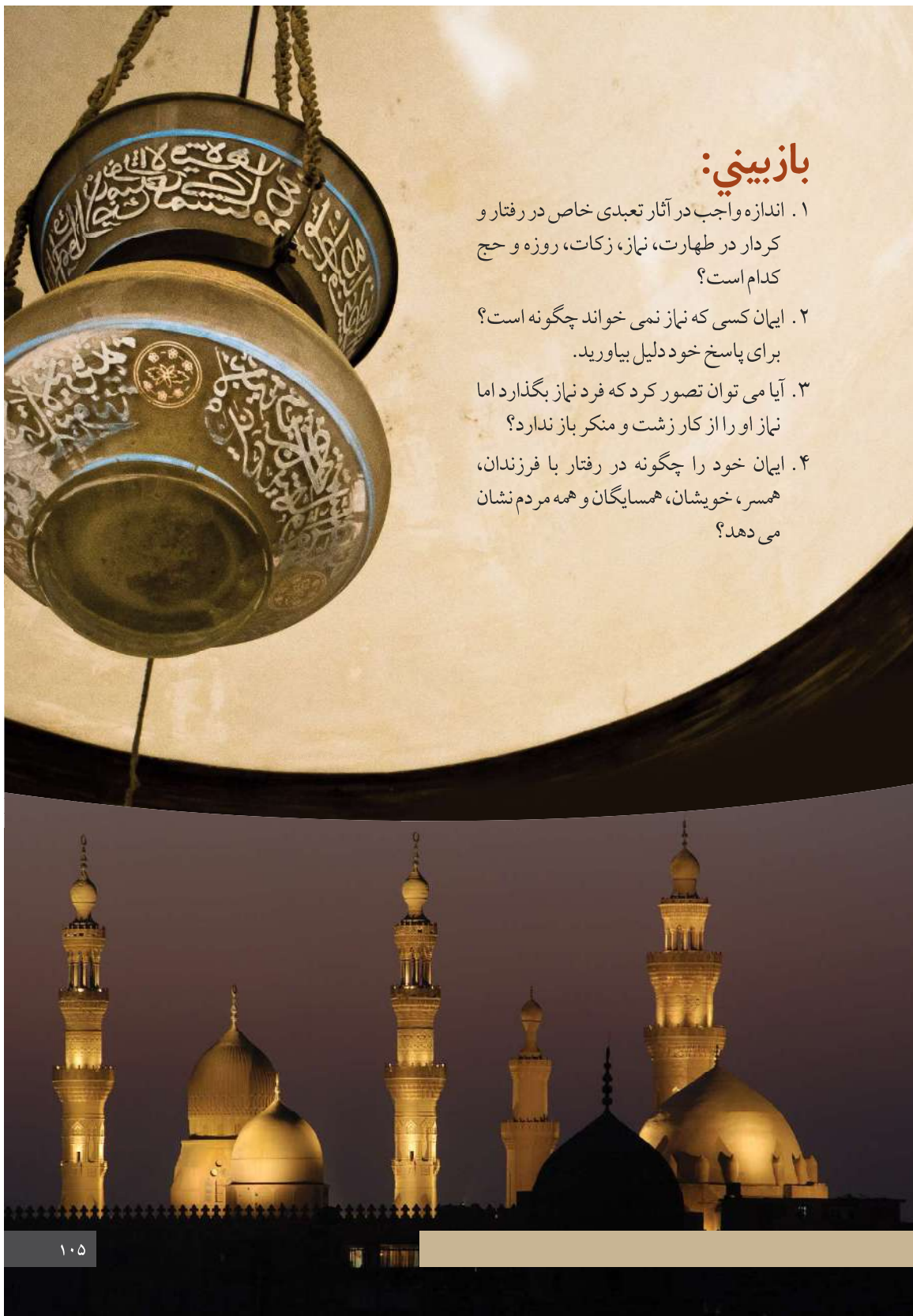
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "نشانه
منافق سه چیز است: وقت سخن گفتن دروغ می
گوید، وعده خلافی می کند و در امانت خیانت می
ورزد" (روایت از بخاری است)

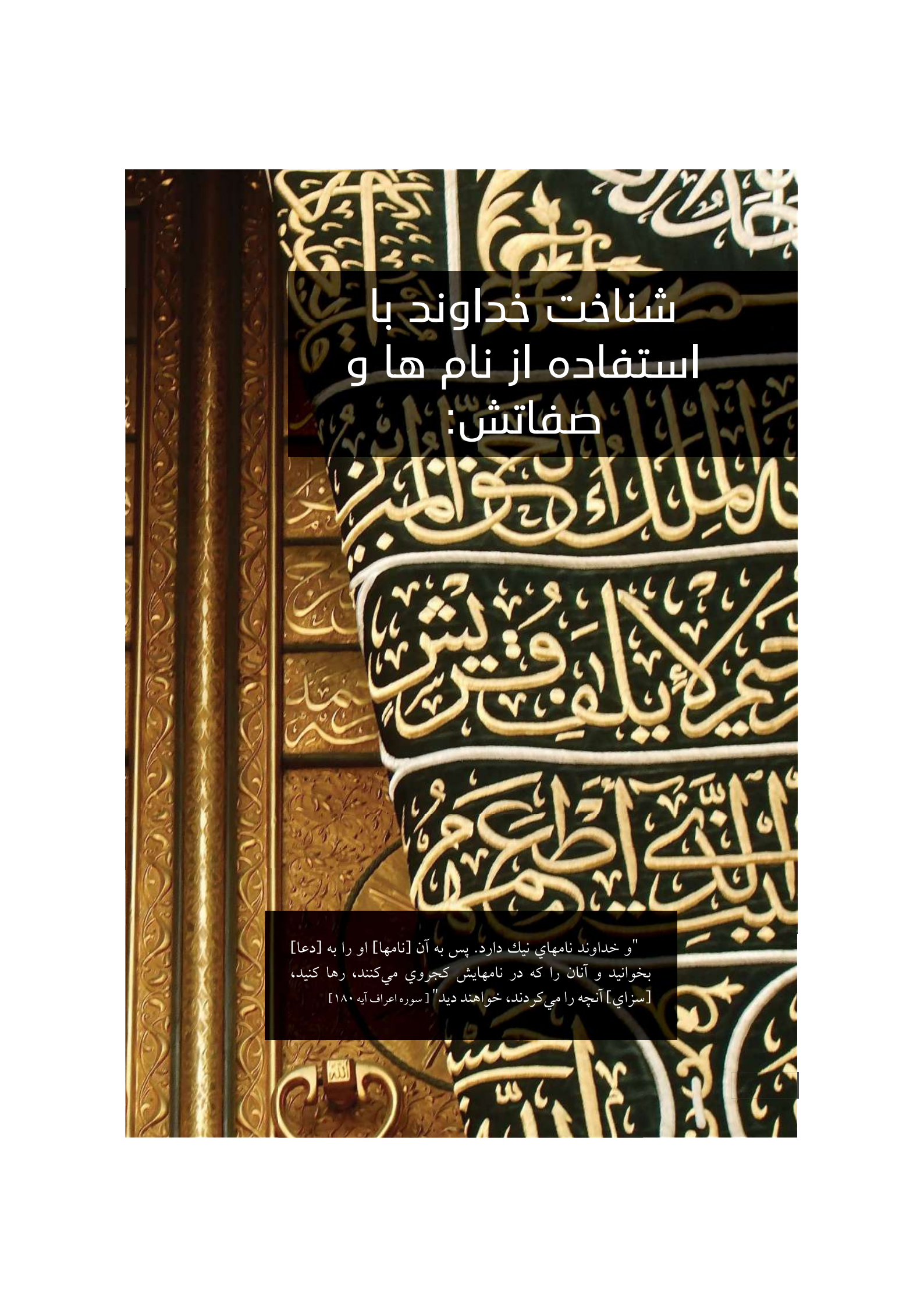
۳. خیرخواهی و فریبکاری نکردن: رسول خدا صلی الله
علیه و سلم می فرماید: "هیچ کس نیست که خداوند
او را بر تعدادی از انسانها مسئول گماشته و او به
آنها خیانت و فریبکاری می کند، مگر اینکه خداوند
بهشت را بر او حرام می گرداند" (روایت از مسلم)

رسول خدا صلی الله علیه و سلم در بازار بر در
دکانی گذر کرد و دست خود را در یک کیسه گندم فرو
برد و دید که داخلش نم دارد فرمود: "چرا داخلش
تر است؟ گفت: باران زده است ای رسول خدا،
فرمود: چرا قسمت تر آن را در بالای کیسه قرار نداده
ای تا مردم آن را مشاهده کنند، هر کس فریب داد از ما
نیست" (روایت از مسلم است)

بازبینی:

۱. اندازه واجب در آثار تعبدی خاص در رفتار و کردار در طهارت، نماز، زکات، روزه و حج کدام است؟
۲. ایمان کسی که نماز نمی خواند چگونه است؟ برای پاسخ خود دلیل بیاورید.
۳. آیا می توان تصور کرد که فرد نماز بگذارد اما نماز او را از کار زشت و منکر باز ندارد؟
۴. ایمان خود را چگونه در رفتار با فرزندان، همسر، خویشان، همسایگان و همه مردم نشان می دهد؟





شناخت خداوند با استفاده از نام ها و صفاتش:

"و خداوند نامهاي نيك دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا]
بخوانيد و آنان را كه در نامهايش كمجروي مي كنند، رها كنيد،
[سزاي] آنچه را مي كردند، خواهندديد" [سوره اعراف آيه ۱۸۰]

خداوند ارجمند و با عظمت را بشناس

سوم: خداوند را با استفاده از اسماء و صفاتش بشناس

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و خداوند نامهایی نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

۱- معنی آیه "و خداوند نام های نیک دارد":

همگی نام های پروردگار ارجمند و با عظمت، نام های ستوده هستند و خداوند آنها را به این وصف کرده است که آن ها نیکو هستند و فرموده است: "و خداوند نامهایی نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

این ها فقط در لفظ نیکو نیستند بلکه نیکو هستند چون بر وصف کمال دلالت می کنند. تمام نام های پروردگار نام های ستایش، مدح، ثناء و بیان عظمت اومی باشند و به همین سبب نیکویند و تمام صفات او صفات کمال و جلال و تمام افعالش پر از حکمت، رحمت، مصلحت و عدل هستند.



باور داشتن به نام ها و صفات خداوند در دایره تعریف ایمان اند . همانطور که در کتاب خداوند و سنت صحیح رسول او صلی الله علیه و سلم آمده است و این بر اساس دو قاعده است:

قاعده نخست:

اثبات نمودن نام های خداوند با توجه به جلال و عظمت خداوند بدون تحریف یا و نهادن و کنار گذاردن برخی از اسماء و یا تعیین کیفیت آنها و این برابر است با کلام خداوند بلند مرتبه که می فرماید: "چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

قاعده دوم:

فهم معنای آن و اثبات صفاتی که این اسماء آن ها را در بر دارند، بدون تلاش برای درک کامل معنا و مفهوم آنها، خداوند بلند مرتبه می فرماید: "آینده و گذشته شان را می داند و [انسانها] در دانش به او احاطه نیابند" [سوره طه آیه ۱۱۰]

خداوند ارجمند و با عظمت هدف غایی از شناخت اسماء نیکو و صفات برترش را پرستش او بر این اساس می داند. همانگونه که می فرماید: "بگو: خداوند را بخوانید یا «رحمن» را بخوانید. هر کدام [نیک است] که خداوند نامهای نیکو دارد." [سوره اسراء آیه ۱۱۰]

و پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:

"و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید،

[سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

ب- معنی: "پس به آن نام ها او را به دعا بخوانید"

دعا کردن با استفاده از اسمای نیکوی خداوند دو نوع دعا را شامل می شود: دعای درخواست مانند سخن بنده که می می گوید "یا الله به من بده و یا کریم بر من لطف کن" و دعای مدح و ثنا و عبادت، مانند بیان عظمت خداوند با استفاده از اسمای نیکو و صفات او بدون هیچ گونه درخواستی. این ثنا می تواند با قلب و یا با زبان انجام پذیرد که پروردگار بزرگ و متعال را با نام های نیکو و صفات برتر می ستاید و تعریف می کند.

ج- معنی آیه "و آنان را که در نام هایش کجروی می کنند رها کنید" عبارت است از:

کجرویی در نام های پروردگار ارجمند و با عظمت به معنی انکار یا تکذیب قسمتی از آن چه در کتاب خداوند آمده و یا تشبیه نمودن نام های خداوند به چیزی از مخلوقات او یا وصف نمودن خداوند به آنچه شایسته او نبوده و کلام خداوند و سنت رسولش بر خلاف آن است.



اهمیت دانش به نام ها و صفات الله تعالی:

اهمیت دانش به نام ها و صفات الله تعالی و شرف و علو مقام او در موارد ذیل آشکار می شود:

نخست:

شریف ترین و مهم ترین علم آن است که در باره الله و نام های نیکو و صفات برتر او باشد. به هر میزان شناخت بنده به نام های خداوند و صفاتش افزایش یابد، بهره او از عبودیت و انس با خدا و محبت و تعظیم او افزایش می یابد.

امری که سبب رسیدن به رستگاری و خشنودی خداوند ارجمند و با عظمت و بهشت او می گردد. در آنجا به رویت ذات باری تعالی بهره مند شده و در سرای دیگر مورد اکرام و احترام قرار می گیرد. این موفقیت جز با توفیق و باری پروردگار ارجمند و با عظمت محقق نخواهد شد.

دوم:

علم به نام های نیکوی پروردگار ارجمند و با عظمت اصل و اساس تمام دانش ها و همچنین اساس ایمان است و نخستین واجب به شمار می رود. هرگاه بندگان خدایشان را شناختند او را آن گونه که شایسته اوست عبادت می کنند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس بدان که معبود [راستینی] جز خدا نیست" [سوره محمد آیه ۱۹]

سوم:

شناخت خداوند ارجمند و با عظمت به وسیله اسماء و صفاتش سبب افزایش ایمان و یقین و

محقق شدن توحید و چشیدن طعم عبودیت می گردد. این روح ایمن و اصل و غایت آن است. نزدیک ترین راه به آن تدبیر و تفکر در نام ها و صفات اوست که در قرآن آمده اند، زیرا که پروردگار-همان پروردگاری که تعریف و ستایش او بسیار رفیع است- وقتی که بخواهد بنده اش را عزت و احترام بدهد، دل او را بر محبت خود گرد می آورد و سینه او را برای پذیرش صفات برترش گشاده ساخته و او را از روزن وحی بهرمنده می سازد و هرگاه از این روزن چیزی به او برسد آن را می پذیرد و با خشنودی و تسلیم شدن، آن را دریافت می کند و برای طاعت او خاضع شده و قلبش برای او روشن می شود.

جایگاه دانش به جایگاه موضوع آن بستگی دارد و هیچ چیزی شریف تر از شناخت خداوند و اسماء و صفات او نیست

چهارم:

کسی که به پروردگار ارجمند و با عظمت داناست، به درستی افعال و قوانین او از اسماء و صفاتش استدلال می گیرد زیرا خداوند متعال چیزی را انجام می دهد که آن مقتضای اسماء و صفات او بوده و افعال خداوند متعال در میان عدل و فضل و حکمت می گردند. هر آنچه را که از قوانین وضع می کند برابر با اقتضای حکمت، فضل و عدل اومی باشد و تمام خبرهای او راست و حق و درست است. او امر و نواهی او عدل، حکمت و رحمت هستند و این دانش آشکار تر، بزرگتر و معروف تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد.

پنجم:

همه‌انگهی بسیار محکمی در میان صفات پروردگار ارجمند و با عظمت و میان عبادات ظاهری و باطنی ای که اقتضا می کنند وجود دارد. زیرا هر صفت، عبادتی خاص را اقتضاء می کند و این در تمام انواع عبادات قلبی و جسمی صدق می کند. دانش بنده به اینکه سود و زیان، بخشیدن و گرفتن، آفرینش و روزی دادن، زنده کردن و کشتن فقط از طرف خداوند عالم می رسد، برایش عبادت توکل را در باطن به بار آورده و لوازم توکل و بهره های آن را در ظاهر به همراه دارد. دانش بنده به سمع و بصر خداوند بلند مرتبه و به اینکه هیچ ذره ای بر او پنهان نمی ماند و او به اسرار و امور پنهان در سینه ها آگاه است، سبب حفظ زبان و اعضای بدن و وسوسه های قلبی، از هر آن چیزی می شود که خداوند به آنها خشنود نیست و اگر این اعضاء را به اموری وابسته کند که محبت و

و سینه اش به آن گشایش یابد و سرور و شادی و محبت او به آن وارد شده و به این ترتیب سرور و شادی او افزایش یابد. بی نیازی او سترگ شود و شناخت او تقویت یافته و روان او به آن آرامش یابد. قلبش به آن تسکین پیدا کرده و در میادین شناخت سیر کند. دیدگان بصیرت او در باغ و بوستان های آن خنک شوند تا به این یقین برسد که شرف علم به شرف موضوع آن بستگی دارد و هیچ موضوعی مهمتر و دارای جایگاهی بزرگتر از پروردگار ارجمند و با عظمت نیست. او دارای صفات برتر و شرف و علو جایگاه او به حسب نیاز به او است. بیشترین چیزی که روح و روان آدمی به آن نیاز دارد شناخت خالق و سازنده اش می باشد. او شدیداً به محبت و یاد و شاد بودن با او و درخواست وسیله به سوی او نیاز دارد و راهی برای رسیدن به این هدف وجود ندارد مگر با شناخت صفات و اسمائش، هرچه شناخت بنده به این موارد بیشتر باشد شناخت او به خداوند افزون می گردد و هرچه شناخت او کمتر باشد به همین مقدار نسبت به خداوند نادان تر و دورتر می باشد و جایگاه بنده در نزد خداوند بسته به جایگاه خداوند در نزد بنده دارد.

شناخت خداوند و نام های نیکو و صفات او سبب اصلاح قلب و تکمیل شدن ایمان می شود.



هشتم:

فهم و درک معانی اسمای الله تعالی و صفات او راهی به سوی محبت، تعظیم، امیدواری، ترس از او، توکل و اعتماد بر او و ناظر دیدن او را به همراه دارد که البته ثمرات شناخت الله تعالی و اسماء و صفات او منحصر به این موارد نیست.

نهم:

اندیشه در معانی اسمای پروردگار ارجمند و با عظمت بزرگترین کمک و یاری برای تدبیر و اندیشه در کتاب خداوند است، زیرا الله تعالی ما را به تدبیر و اندیشه در قرآن کریم دستور داده است، آنجا که فرموده است:



خشنودی خداوند را در پی دارد، برایش شرم و آزرم درونی به بار می آورد که او را از انجام محرمات باز می دارد. شناخت بنده به بی نیازی، جود و کرم، نیکی و احسان و رحمت او سبب گسترش امید او می شود و همچنین شناخت او به جلال و عظمت پروردگار و عزت او سبب ایجاد فروتنی و خاکساری و محبت می گردد. این حالت های باطنی سبب انواع مختلفی از عبادات های ظاهری می شوند که مقتضای آن شناخت هستند. پس بازگشت تمام عبادات به سوی مقتضای اسماء و صفات است.

ششم:

عبادت بر اساس اسماء و صفات پروردگار آثار بسیار نیکی بر قلب و سلامتی اخلاق و رفتار دارد. همانگونه که وانهادن آنها سبب باز شدن دروازه امراض مختلف قلبی می شود.

هفتم:

دانش به اسماء و صفات پروردگار آرامش خاطری برای بنده است وقتی که در مصائب و مشکلات و سختی ها و ناملاهیات می افتد. آن گاه که بنده دانست که پروردگار او دانا و با حکمت و عادل است، بر هیچ کس ستم روا نمی دارد، خشنود می شود و شکیبایی پیشه می کند و می داند که تمام این ناملاهیات که به او می رسند نوعی از مصالح و منافع را در پی دارند، اگر چه او آنها را درک نکند، اما آنها مقتضای دانش و علم و حکمت خداوند هستند. پس آرامش می یابد و به نزد خدایش آرام می گیرد و کار خود را به خداوندش وامی گذارد.

"کتابی است خجسته که آن را بر تو
فروفرستاده‌ایم تا [انسانها] در آیه‌هایش تدبّر
کنند و تا خردمندان پند گیرند" [سوره ص آیه ۲۹]

دهم: دانش به نام های پروردگار ارجمند و
باعظمت سبب ایجاد ادب نسبت به خداوند و
حیا از او می گردد. ادب با خداوند همان قیام
به انجام دادن دستورها و متخلق شدن به ادب
ظاهری و باطنی است و برای هیچ کس ادب
با خداوند محقق نمی شود مگر به دانستن سه
چیز: شناخت اسماء و صفات او، شناخت دین
و شرع او و آگاهی از آنچه که وی دوست دارد
و آنچه که دوست ندارد. نفس آدمی چه از جنبه
علمی، چه عملی و چه از نظر چگونگی قابلیت
و استعداد پذیرش حق را داراست.

یازدهم:

شناخت پروردگار ارجمند و باعظمت با توجه
به اسماء و صفات او، بنده را متوجه عیوب و
نقایص نفس خود کرده و برای اصلاح آن
ها تلاش می کند. پایه های انکار حق چهار
چیزند: تکبر، حسادت، خشم و شهوت .
سرمنشاء این چهار امر جهل بنده به خدا و به
خودش می باشد. اگر او پروردگار خود را با
صفات کمال و جلال بشناسد و به نفس خود
با نقایص و آفات موجود در آن واقف باشد،
هرگز تکبر اختیار نکرده، برای آن خشم نمی
گیرد و بر هیچ کس نسبت به آنچه خداوند به
او داده است حسادت نمی ورزد.

دوازدهم:

نادانی بنده به اسماء و صفات الله تعالی و درک
نکردن آنها و نپرستیدن خداوند براساس آنها،
سبب گمراهی و نادانی است. کسی که خدا
و رسولش را شناخت، چه چیز را شناخته؟
و کسی که این حقیقت را درک نکرد به چه

با توجه به اینکه در قرآن کریم فراوان از نام
ها و صفات متعلق به آن یاد شده است، پس با
تدبّر در آنها دروازه بزرگی از تدبّر قرآن گشوده
می شود. آنگاه که در این امر تدبّر کردی
پادشاهی پابرجا که بالای آسمان ها بر عرش
خود قرار دارد تو را به گواه می گیرد. همانی که
امر بندگان را تدبیر کرده و امر و نهی می کند.
رسولان را می فرستد و کتاب ها را نازل می
کند و خشنود می شود و خشمگین می گردد،
پاداش می دهد و کیفر می رساند، می بخشد
و عطا می کند و بازمی دارد، عزیز و سربلند
می سازد و خوار و ذلیل می کند، بالا می برد
و پایین می کشد، از بالای هفت آسمان می بیند
و می شنود و آشکار و پنهان را می داند و به
انجام هر چه بخواهد تواناست و به همه صفات
کمال توصیف می شود و از هر عیب پاک و منزّه
است. هیچ ذره ای و بزرگتر از آن هم بدون
حکم او نمی جنبد و هیچ برگی بیرون از علم او
از درخت نمی افتد و او دانای با حکمت است.

آن که به خدا رسید چه چیز را از
دست داد؟ و آن که خدا را از دست
داد به چه چیز رسیده است؟



در آن زیاد تأمل نمی شود، تنها توکل نمودن بر خداوند یگانه و اعتنا به این دروازه و تأمل کردن در آن اندک است. هرکس شریعت را از مصادر و منابع نخستین مورد بررسی قرار دهد، متوجه رابطه اعمال ظاهری با اعمال قلب می شود و پی می برد که اعمال ظاهری بدون آنها سودمند نبوده و اعمال قلبی نسبت به اعمال ظاهری در اولویت بالاتری قرار دارند. آیا جز در اعمال قلبی تفاوت دیگری در میان مومن و منافق می توان یافت؟ آیا کسی می تواند بدون انجام اعمال قلبی پیش از انجام اعمال ظاهری به اسلام وارد شود؟ و عبادت قلب بزرگتر از عبادت ظاهری بدن و بیشتر و با دوام تر است. اعمال قلب راه انجام اعمال ظاهری و سبب آنها هستند، به همین سبب آنها در هر حال واجب می باشند.

شناخت خداوند پاک سبب
اصلاح قلب و بدن است.

حقیقت و دانشی دست یافته و چه کرداری دارد؟ آن که این حقیقت را به دست نیاورد و به خشنودی عمل برای خداوند خشنود نشده و راه رسیدن به او را نیافت بعد از رسیدن به آن چه کمبودی دارد؟ زیرا زندگی واقعی انسان به زندگی قلب و روح او وابسته بوده و قلب بدون شناخت خالق و آفریننده و محبت نسبت به او و برگشت به سوی او و وقار یافتن با ذکر او، آرام گرفتن با نزدیکی به او، هیچ حیاتی ندارد. هرکس این زندگی را از دست داد، همه خیر و نیکی را از دست داده، اگر چه آن را با تمام دنیا عوض کند.

سیزدهم:

دانش به اسماء و صفات پروردگار سبب اخلاص، توحید و تکمیل شدن ایمان می گردد. با وجود اینکه آن دروازه ای بزرگ برای اصلاح قلوب و رهایی دادن آن از وساوس و آفات است، ولی اعمالی چون اخلاص، محبت، خوف و رجاء - بیم و امید- است اما



قواعد و نکته های در فهم اسماء و صفات الله تعالی:

"چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

۱. تمامی نام های خداوند ارجمند و باعظمت نیکو هستند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: " و خداوند نام های نیکو دارد" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

خداوند به ذات بلند مرتبه اش خود را برای ما معرفی کرده تا او را بپرستیم و مجد او را بیان کرده و او را دوست بداریم. از او بترسیم و به او امید داشته باشیم.

۲. ثبوت نام ها و صفات خداوند فقط از دو منبع صورت می گیرند که عبارتند از کتاب و سنت و منبع سوم برای آن ها نبوده و به هیچ چیز دیگر اسماء و صفات او ثابت نمی شوند. پس ما برای خداوند ثابت می کنیم آنچه را رسول خدا صلی الله علیه و سلم برای او ثابت کرده و نفی می کنیم آنچه را که خداوند و رسول او صلی الله علیه و سلم نفی کرده است. بنابراین وقتی صفت کمال را برای او ثابت می کنیم ضد آن را از او نفی کرده و آن چه را در باره آن اثبات یا نفی وارد نشده است توقف می کنیم.

۳. سخن در باره صفات الله تعالی همانند سخن در باره ذات اوست و چنان که ما کیفیت ذات پاک او را نمی دانیم، کیفیت صفات نیکوی او را هم درک نمی کنیم، اما به آنها ایمان داریم. ایمانی قطعی و بدون تحریف و رها کردن هیچ یک از آنها و بدون قایل شدن به چگونگی کیفیت و تشبیه نمودن آنها.

۴. اسماء و صفات الله تعالی دارای معانی حقیقی و نه مجازی و معما گونه هستند. آنها بر ذات الله تعالی و صفات کمال که به خداوند قائم هستند دلالت می کنند، مانند قادر، علیم، حکیم، سمیع و بصیر. این نام ها بر ذات الله تعالی و همچنین بر آنچه که بر آن استوار است



نام برده یا به یکی از بندگان آموخته ای
و یا در کتابت آن را نازل کرده و یا آن را در
علم غیب پیش خودت نگه داشته ای.."

(روایت از احمد است)

۲. برخی از اسماء و نام ها تنها خاص خداوند
بوده و هیچ کس در آنها شریک نیست و جایز
نیست تا بر کس دیگری اطلاق شوند. مانند،
الله و رحمن. و برخی دیگر هستند که می توان
به غیر خدا هم اطلاق کرد اگر چه اطلاق
آنها بر خداوند با کامل ترین شکل و صفت
هستند.

۳. صفات از اسماء گرفته می شوند، هر اسمی
صفتی در بر دارد. اما اسمها از صفات گرفته
نمی شوند. مثلاً می گوئیم پروردگار "غضب"
می گیرد اما نمی گوئیم که پروردگار غضوب
است؛ پروردگار پاک و منزّه است.

از قدرت، علم، حکمت، سمع و بصر دلالت
می کنند.

۵. تنزیه و پاک کردن خداوند بلند مرتبه از نقایص،
تنزیه بدون و انهدادن هر صفت است. نفی
عیوب و نقایص از خداوند به شکل کلی و
همچنین اثبات کمال به شکل مفصل و جزئی
در هر صفت صورت می پذیرد. پروردگار
ارجمند و با عظمت می فرماید: "چیزی مانند
او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره
شوری آیه ۱۱]

۶. برای ایمان به نام های خداوند: همانگونه
که مقتضای ایمان به اسم و صفتی که اسم
آن را دربر می گیرد لازمه آن ایمان به اثری
است که به آن اسم مرتبط است. اسم رحیم
دربرگیرنده این مفهوم است که پروردگار
ارجمند و با عظمت دارای صفت رحمت است
و او با رحمتش بر بندگان رحم می کند.

در این جا نکات مهمی است که در فهم اسماء
و صفات الله تعالی کمک می کنند. عبارتند از:

۱. اسماء خداوند در تعداد محدودی منحصر
نیستند و در حدیث آمده است که: "... از تو
می پرسم با هر اسمی که خودت را به آن



آثار ایمان به اسماء و صفات بر بنده:

۱. پرستش بر اساس اسماء و صفات او: آن گاه که بنده آن ها را شناخت به آنها ایمان آورده و معنی آن را درک می کند و این سبب افزایش ایمان او می شود. هر کس خداوند را بشناسد در دلش از احترام زیادی برخوردار می شود و به همین سبب گفته شده است: "هر کسی خداوند را بیشتر بشناسد از او بیشتر می ترسد"

۴. محبت پروردگار ارجمند و با عظمت: خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را [برای او] بر می گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می دارند- و مؤمنان در دوستی خدا قوی ترند"

[سوره بقره آیه ۱۶۵]

۲. افزایش ایمان:

آن گاه که بزرگی صفات پروردگار را شناخت، نفسش به سمت او متمایل شده و به او وابسته می شود و روان او با پروردگارش که صاحب کمال و جلال است، شاد و مسرور می گردد. بنده شروع به لذت بردن از کلام پروردگار رحمن می کند و به وسیله دعا با او الفت می گیرد، به او امیدوار می شود و از او بیمناک می گردد. زیرا محبت او با خداوند او را به این امر می کشاند، پس می بیند که خداوند را دوست دارد و می پسندد هر آنچه را که او بپسندد.

شناخت نام های نیکو و صفات پروردگار سبب ایجاد احساس عظمت نسبت به خداوند در قلب بنده می شود که ایمان و فروتنی او را نسبت به خداوند ارجمند و با عظمت افزایش می دهد. "و کسانی که راه یافته اند [خداوند] بر هدایتشان افزود" [سوره محمد آیه ۱۷]

۳. ذکر و یاد خداوند:

هر کسی که الله را شناخت او را دوست می گیرد و هر کس پروردگارش را دوست گرفت زیاد او را یاد می کند، زیرا او با محبت و دوستی قلبش را صاحب شده است. به مرحله ای می رسد که محبت او و تنفر او فقط بر اساس محبت و تنفر با پروردگار شکل می گیرد.

۵. شرم از خداوند بلند مرتبه:

شناخت خداوند متعال سبب ایجاد هیبت در دل او می شود. هرچه هیبت خداوند در دل او بیشتر شود شرم او افزایش می یابد. پس بنده خود را از آنچه مورد نهی اوست حفظ می کند. مرگ را یاد کرده و به تضرع روی می آورد. اعضای خود را حفظ می کند تا پروردگار عز و جل خشنود گردد.

۶. فروتنی و خاکساری نفس آدمی در برابر خداوند:

آن گاه که عزت و بزرگی و عظمت پروردگار بلند مرتبه را شناختی، خواری و ذلت و کوچکی خود را درک می کنی و آنگاه که به قدرت او پی بردی متوجه ضعف خود می شوی و چون پادشاهی او را شناختی پس فقر و نیاز خود را بشناس و چون کمال او را شناختی، نقص خود را دریاب و چون اوصاف کمال و جمال او را شناختی پس اوج فقر و نیازمندی خود و کوچکی ات را بشناس و بدان که تو جز بنده ای بیش نیستی.

برای هیچ کس شایسته نیست تا در
باره ذات الهی سخن گفته و او را به
چیزی جز آنچه خودش، خود را به
آن ستوده وصف نماید و با رای و
نظر خود در باره او سخنی بگوید.
امام ابوحنیفه

بازبینی

۱. معنی این کلام خداوند متعال را توضیح دهید: "و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید و آنان را که در نامهایش کجروی می کنند، رها کنید، [سزای] آنچه را می کردند، خواهند دید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]
۲. چرا دانش شناخت الله تعالی و اسماء و صفات او برترین علوم و دانش ها هستند؟
۳. اسماء و صفات الله تعالی را چگونه می شناسی؟ برای مثال چگونه می دانی که الله تعالی غفور است؟

الله	احد	اعلی	اکرم
معبود	اول	آخر	ظاهر
باطن	آفریننده	احسان کننده	بصیر
توبه پذیر	مسلط	حافظ	حسابگر
نگهبان	پذیرنده	حق	آشکار
با حکمت	حلیم	ستوده	زنده
پابرجا	ریز بین		

او الله است آن معبودی

آفریننده			
بسیار آفریننده	مهربان		
بخشنده	مهربان	روزی دهنده	ناظر
صلح	شنوا	شکر گذار	بسیار شکر گذار
گواه	بی نیاز	دانا	غالب
بزرگ	بسیار بخشنده	دانا	بسیار بخشنده
الغفار	بخشنده	بی نیاز	گشاینده
توانا	چیره دست و مسلط	بسیار پاک	بسیار توانا



که جز او معبود حقى وجود ندارد.

رسول خدا صلى الله عليه و سلم فرموده است:
همانا الله تعالى نود و نه نام دارد - یکی مانده به صد - هر کس آنها را حفظ کند وارد بهشت خواهد شد. (روایت از بخاری است)

توجه به نام های نیک خداوند شامل حفظ و یادگیری، شناخت و درک معانی و مفاهیم، عمل به مقتضای آنها و دعا کردن به وسیله آنان است.

زندگی با الله پاک و نام ها و صفات او

۱- او الله است

الله بخشنده و مهربان است

همانا الله بخشنده و مهربان است

رحمت را بر خود فرض کرده و رحمت اش از غضبش پیشی گرفته و رحمت او بر همه چیز گسترش یافته است..

"که رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است" [سوره اعراف آیه ۵۶]

"همانا او بخشنده و مهربان است"

از مادر به ما مهربان تر است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم، با اشاره به مادری که بچه اش را شیر می داد فرمود: "آیا شما فکر می کنید امکان دارد این مادر بچه اش را در آتش بیندازد؟ پاسخ دادیم که نه، فرمود الله تعالی نسبت به بندگان از این مادر به فرزندش مهربان تر است" (روایت از بخاری است)

"همانا او بخشنده و مهربان ست"

بر تمامی مخلوقات رحم و دلسوزی می کند و یک رحمتی خاص مومنان دارد که آنها را با آن متمایز گردانده است.

"و به مؤمنان مهربان است" [سوره احزاب آیه ۴۳]

"همانا او مهربان است"

از آثار رحمت و مهربانی اوست که محمد صلی الله علیه و سلم را به عنوان هدایت کننده بشر و رحمتی برای تمامی جهانیان فرستاده، تا محافظ مصالح دینی و دنیوی آنها باشد.

"رحمن، رحیم، بر، کریم، جواد، رئوف، وهاب" این نام ها دارای معانی نزدیک به هم بوده و همگی بر این دلالت می کنند که پروردگار متصف به صفت رحمت و نیکی و بخشنده و کرم است. بر گستردگی رحمت او که تمام هستی را در بر گرفته دلالت می کند. این بر اساس مقتضای حکمت است و بهره بیشتر و کامل تر را به مومنان داده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است. پس آن را برای کسانی که پروا می دارند مقرر خواهیم نمود" [سوره اعراف آیه ۱۵۶]

همه نعمت و احسان از آثار رحمت پروردگار بلند مرتبه و وجود و کرم او هستند و تمامی خیرات دنیا و آخرت از آثار رحمت او هستند.

"همانا او مهربان است"

کسی نمی تواند مانع رسیدن رحمت او باشد.
و جز او کسی توان فرستادن رحمت ندارد

"[در] رحمتی را که خداوند برای مردم باز
گشاید، برای آن [رحمت] هیچ باز دارنده‌ای
نیست و آنچه را باز دارد، آن را هیچ
گشاینده‌ای جز او نیست. و او پیروزمند فرزانه
است" [سوره فاطر آیه ۲]

همانا او الله بخشنده و مهربان است.

الله بخشنده و جواد است.

همانا او الله است همان بخشنده جواد.

ای بخشنده نعمت ها، ای بخشنده آرزوها،
ای بخشنده نیکی ها.

به من خشنودی ببخش و مرا احساس آسایش
و امنیت عطا کن و به من خوشبختی و عطوفت
مرحمت فرما.

بر ما ببخش و بر ما بزرگواری کن، چرا که تو
اهل فضل و جود و کرم هستی.

"و به ما از نزد خود بخششی ارزانی دار. به
راستی [که] بخشنده تویی" [سوره ال عمران آیه ۸]

"همانا الله کریم است و بزرگ منشی و
اخلاق رفیع را دوست دارد و از اخلاق پست
و حقیرانه متنفر است" (روایت از ترمذی است)

"بسیار بخشنده" به هر کس که بخواهد می
بخشد و از هر کس که بخواهد باز می دارد.

"جواد" بخشش او حد و اندازه ای ندارد و
کسی نمی تواند فضل او را رد کند. به هر چیزی
می گوید: "موجود شو پس [بی‌درنگ] موجود
می شود" [سوره بقره آیه ۱۱۷]





"بسیار بخشنده" روزی ظاهری و روزی معنوی می بخشد و با فضل و کرمش سخاوتمندانه می بخشد.

از این نمونه است آن چه خداوند از اندیشه ها و هیجانات نیکو و صالح و دانش و هدایت و موفقیت و پذیرش دعا به بنده خود می بخشد و تمام این امور از روزی های معنوی به شمار می روند که به بسیاری از مردم بخشیده است.

"بسیار بخشنده" به کسی داده و از کسی باز داشته، یکی را بالا برده و دیگری را پایین آورده، کسی را متصل و کسی را منقطع به رحمت خود ساخته است. تمامی خیر بدست اوست و او بر همه امور تواناست.

همانا او الله، همان بسیار بخشنده جواد است.

الله گستراننده و چاره ساز است.

همانا او الله است، همان گستراننده ی چاره ساز **"حقاً که خدا فراخ نعمت داناست"**

[سوره بقره ایه ۱۱۵]

همانا او الله است، همان گستراننده ی چاره ساز **"حقاً که خدا فراخ نعمت داناست"**

[سوره بقره ایه ۱۱۵]

"چاره ساز جامع و شامل"

جواد و بخشنده است و ظرفیت هر درخواست را دارد. **"جامع و شامل"**..

در صفاتش کامل است. در نام هایش بسیار بزرگ و سترگ است. کسی نمی تواند ثنای او را بشمارد. عظمت، پادشاهی و سلطنت، فضل و جود و احسان او بسیار پهناور و سترگ است.

"جامع و شامل" ظرفیت و گنجایش دادن به همگی بندگان را به شکل کافی داشته و به دانش احاطه کامل دارد و همگی تحت حفظ او و زیر تدبیر او هستند.



پروردگار به آنان دوستی مردم را روزی می دهد پس او آن ها را دوست می گیرد و از آنان آنچه را نزدشان است، می پذیرد.

"دوستدار" نزدیک، دوستدار، خواستدار خیر برای بندگانش است

"دوستدار" بندگانش او را دوست داشته و مشتاق دیدار او هستند و در حدیث آمده است:

"هر کس دیدار خداوند را دوست دارد خداوند نیز دیدار او را دوست می دارد" (روایت از بخاری است)

"دوستدار" به تو امر می کند تا دلت را پاک کنی و صفا بخشی و آن را از نفرت و کینه پاک سازی و چرک عناد و کینه توزی را با آب محبت و دوستی بشویی و آتش حسادت را با سردی عشق و محبت خاموش سازی.

همانا او الله، همان دوستدار است.

"چاره ساز" او کسی است که سمع او همه صداها را به تفصیل تشخیص داده و زبان ها بر او در هم نمی آمیزند.

"چاره ساز" از عبادت بندگان شادمان می شود و دین را آسان کرده و برای آنان گشایش قایل شده است. آن پروردگار ارجمند و با عظمت.

همانا الله صاحب نعمت فراوان است..

الله دوستدار است..

همانا او الله همان ودود است.

"و او آمرزنده ی دوستدار است"

[سوره بروج آیه ۱۴]

الله دوستدار بندگانش است آنان را دوست دارد و آنان را به خود نزدیک کرده و آنان را خشنود می سازد و از آنان خشنود می شود.

"آنان را دوست می دارد و [آنان نیز] او را

دوست می دارند". [سوره مائده آیه ۵۴]

ارجمند و با عظمت است.

"پاینده" زندگی تمام بندگان را تکفل نموده و به آنان روزی می دهد و امور آنان را می گرداند و کارشان را تدبیر می کند.

"زنده پاینده است" برای همیشه باقی است و زوالی ندارد بلند مرتبه و پاک است.

همانا او الله همان زنده پاینده است.

"دوستدار" .. آن که پیامبران و رسولان و پیروان آنان را دوست دارد. او در نزد آنان از هر چیز محبوبتر است، دل های آنان از دوستی و محبت او انباشته شده و زبان های آنان به مدح ثنای او روان گشته است. دل های آنان با دوستی و اخلاص و انابت به سویش جذب شده است.

"زنده پاینده"

حیات کامل دارد و متکی به خود می باشد و اهل آسمان ها و زمین به او وابسته اند و اوست که کار آنان را اداره کرده و تدبیر روزی و تمام احوال آنان را می کند.

"زنده"

جامع صفات ذات است و "پاینده"، یعنی جامع تمام صفات است.

الله جبران کننده است

همانا او الله است او ارجمند و برتر است او عوض دهنده است.

"اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان پیروزمند جبار متکبر. خداوند از آنچه شرك مي آورند پاک است" [سوره حشر آیه ۲۳]

الله زنده پاینده است.

همانا او الله همان زنده پاینده است.

"خدا [ست که] معبودي [راستيني] جز او نیست، زنده پاینده است" [سوره آل عمران آیه ۲]

همانا خداوند پاینده است..

"خدا [ست که] معبودي [راستيني] جز او نیست، زنده پاینده است" [سوره آل عمران آیه ۲]

"زنده" زندگی و حیات کامل داشته و به کسی دیگر نیاز ندارد. هر چیز دیگر به او نیازمند بوده و همه چیز جز ذات پاک او نابود می شود.

"پاینده" پایدار به وجود خویش و از غیر خود بی نیاز است. او ارجمند و با عظمت است.

"پاینده" بر کردار هر نفسی ناظر و نگهبان اعمال و اقوال و نیکی ها و بدی های آنها بوده و روز رستاخیز پاداش و کیفر آنان را می دهد.

"پاینده" تمام اعمال بندگان را می شمارد، او

الله جمیل و زیبا است

همانا او الله همان پروردگار جمیل و زیباست
ارجمند و با عظمت است.

پروردگارا از تو لذت نگاه به وجه کریم تو و
شوق دیدار تو را می خواهیم.

"جمیل" او زیباترین نام ها و زیباترین صفات
را دارد.

"جمیل" زیبایی کامل نام ها و صفات و زیبایی
کمال مطلق

"و وعده پروردگارت از روی راستی و
انصاف کامل است" [سوره انعام آیه ۱۱۵]

آن که آفرینش همه چیزها را به نیکویی انجام داد.

"جمیل" زیبایی هستی دلیلی بر زیبایی و
ارجمند بودن اوست. عقل ها به جمال او نمی
رسند و ذهن آدمی از فهم وصف او ناتوان
است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می
فرماید: "من ثنای تو را شمار نمی کنم
تو چنانی که خودت وصف نموده ای"

(روایت از مسلم است)

"جمیل" زیبایی آفریده ها را او بخشیده و گمان
نیکو به او را خودش عطا کرده است.

ای جمیلی که جمال و زیبایی را دوست داری،
قلوب ما را با ایمان زیبا کن و به اخلاق و قلوب
و ظاهر ما زیبایی ببخش.

همانا الله جمیل است. الله دانای باریک بین فرا
گیرنده ی همه چیز است.

همانا او الله همان علیم باریک بین احاطه کننده
است.

"جبران کننده" جبران کننده ی دل شکسته،
یاور اسیر، بی نیاز کننده ی فقیر، راست
کننده لغزش های لغزندگان، بخشنده گناهان
گناهکاران، آزاد کننده افراد در عذاب و اصلاح
کننده دل های عاشقان و فروتنان.

"جبران کننده" آن که برتری و عظمت او
تکمیل شده و نعمت او بر هر چیز گسترده شده
است.

"جبران کننده" آن که همه چیز مطیع او شده و
همه چیز در برابر او فروتن و گردن کج شده اند.
و هیچ کاری او را از کاری دیگر باز نمی دارد.

"جبران کننده" صاحب قدرت مطلق،
صاحب پادشاهی و سلطنت و عظمت و مجد.

"جبران کننده" ستمکاران در برابر او تسلیم
و نرم شده و گردنکشان در برابر او شکسته اند
و شاهان و بزرگان در برابر او خوار و ذلیل شده
اند و طواغیت ظالم و مجرم در برابر او در هم
شکسته اند.

همانا او الله همان جبران کننده است.



"جبار" به معنی بلند و بلندمرتبه و به
معنی قهار و مسلط و به معنی مهربان
است جبران کننده دل های شکسته شده
و ضعیف و ناتوان برای هر کس که به
او پناه برد و به او متوسل شود.





"دانا، باریک بین، احاطه کننده" آن که دانش او به ظاهر و باطن احاطه دارد و آشکار و پنهان را می داند، امور لازم و واجب و امور محال و امور ممکن را می داند جهان بالا و پایین و گذشته و حال و آینده را می داند، هیچ چیز از نگاه او پنهان نمی ماند.

"دانای باریک بین است" به راستی دانش [زمان و چگونگی] روز قیامت به نزد خداوند است. و باران را فرو می فرستد و آنچه را در رحمهاست می داند. و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد. و هیچ کس نمی داند که در کدام سرزمین می میرد، بی گمان خداوند دانا [و] آگاه است"

[سوره لقمان آیه ۳۴]

"الله دانای احاطه کننده است" آنچه را که در آسمانها و زمین است، می داند و آنچه را که نهان می دارید و آنچه را که آشکار می سازید، می داند. و خداوند به راز دها داناست"

[سوره تغابن آیه ۴]

او به تمام امور دانا است

"خداوند کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین [نیز] مانند آنها را [آفریده است]. فرمان [خداوند] بین آنها (آسمانها و زمین) فرود می آید تا بدانید که خداوند بر هر کاری تواناست. و آنکه خداوند در دانش بر همه چیز احاطه

دارد" [سوره طلاق آیه ۱۲]

همانا او الله همان دانای باریک بین و احاطه کننده است.

الله نزدیک است

همانا او الله همان پروردگار نزدیک است.
ای آنکه به کسی که او را به دعا بخواند نزدیک است... و
نزدیک است به کسی که به او امیدوار است.
ای کسی که نزدیک به کسی است که از او بپرسد. ای
کسی که به ما از رگ گردن نزدیک تر است.
با انس و آرامش و با کلامت بر ما منت بنه، ای کسی که
نزدیک هستی.

"و چون بندگانم درباره من از تو بپرسند، [بگو:] به
راستی که من نزدیکم". [سوره بقره آیه ۱۸۶]
"نزدیک" با وجود علو و برتری، با علم و اطلاعش
نزدیک است.

"نزدیک" برای کسی که او را به دعا بخواند، می دهد و
لطف می کند. بالا می برد و رفع درد و رنج می کند. به فریاد
شخص در تنگنا افتاده و مجبور می رسد.

"نزدیک" به کسی که به سوی او بازگشت و خود را به او
وابسته ساخت. گناه را می بخشد و توبه را می پذیرد.

"نزدیک" آن چه را که بنده برای نزدیکی به او انجام می
دهد می پذیرد و به اندازه نزدیکی بنده به خودش، او هم به
بنده نزدیک می شود.

"نزدیک" آگاه نسبت به وضع بندگان است. او با علم و احاطه خودش نزدیک است و هیچ
چیز آنان از او پنهان نمی ماند.

"نزدیک" با لطف و حفاظت و یاری و تاییدش نزدیک است و این قرب و نزدیکی خاص اولیا
و دوستانش است.

"نزدیک" تمام بندگان در سرانجام خود به سوی او باز می گردند.

"و ما از شما به او [مختصر] نزدیکتریم" [سوره واقعه آیه ۸۵]

"نزدیک" نفوس به قرب و نزدیکی او الفت می گیرند و به یاد او شادمان و مسرور می شوند.
همانا او الله همان ذات قریب و نزدیک است.





"عجیب" دعای دعا کنندگان را اجابت می کند، هر کس و هر کجا و به هر حالی که باشند.

"نزدیک"... به همه نزدیک است. با علم و آگاهی و نظارت و مشاهده و احاطه اش.

الله اجابت کننده است.

همانا او الله همان اجابت کننده ارجمند و با عظمت است.

"پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است" [سوره هود آیه ۶۱]

"اجابت کننده" بندگان را اجابت می کند و دعای آنان را می پذیرد، آنگاه که به او متوسل شده و از او بخواهند آن چه را که برای آنان جایز شمرده است و اوست آن که آنان را به دعا فرا خوانده و به آنان وعده اجابت داده است. ارجمند و با عظمت است.

"پذیرنده دعا" زندانی در زندان، به او متوسل می شود و غریق در دریا و فقیر در فقر و ناداری و یتیم در بی کسی و مریض در بیماری و رنج و درد خود. پس خداوند است که می بخشد و اجابت می کند و می دهد و سالم نگه می دارد.

"اجابت کننده" در تنگنا افتاده و صدمه دیده را اجابت می کند.

"نه بلکه [سؤال این است] چه کسی [دعای شخص] در مانده را، چون او را بخواند، می پذیرد و سختی را بر می دارد" [سوره نمل آیه ۶۲]

نزدیک ترین حالت اجابت زمانی است که فرد با نام های نیکو و صفات پروردگار او را به توسل بخواند. چقدر زندانیان بوده اند که در زندان او را به دعا خواسته و خداوند سبب آزادی آنان را فراهم ساخته است و چقدر افراد بیشهاری که در دریا او را به یاری خواسته اند و سبب نجات و رهایی آنها را فراهم ساخته است و چقدر کسان بوده اند که در فقر و بی نیازی او را به فریاد خواسته اند و پروردگار فریادرسی آنها را کرده و به آنها امنیت داده است. و چه تعداد از یتیمان بوده اند که او را خوانده اند و خداوند آنها را مورد رحمت و رعایت خود گرفته و آنان را بزرگ کرده است و چه تعداد از یتیمان بوده اند که به او امید داشته اند و خداوند آنان را شفا داده و آنان را سلامتی دوباره داده است و چه تعداد افراد عقیم و بدون فرزند که او را به فریاد خواسته

اند و خداوند به آنان فرزند عطا فرموده است.

همانا او الله همان اجابت کننده است

الله نور است

همانا او الله همان نور است.

"خداوند نور آسمانها و زمین است"

[سوره نور آیه ۳۵]

"نور" آن که دل های عارفین به خود را به معرفت و شناخت خود و ایمان به او منور و روشن نموده است و قلوب آنها را با هدایت خود نورانی نموده است.

"نور" الله تاریکی ها را با نور خود از بین برده و آسمانها و زمین را روشن نموده است و راه روندگان به سوی خودش و دل های آنان را روشن کرده است.

الله نور است و همچنین حجاب و پرده او نور است که اگر آن را کنار بزنند، شکوه و عظمت خداوند سبحان تمامی مخلوقات را خاکستر می کند.

همانا او الله همان نور است.

الله حکیم است

همانا او الله همان حکیم است.

"آیا خداوند احکم الحاکمین نیست"

[سوره تین آیه ۸]

"حکیم" آن که تمام چیزها را محکم و پابرجا می نهد و آنان را به تقدیر خود در جایگاه شایسته قرار می دهد، پروردگار ارجمند و با عظمت و حکیم است.

"حکیم" شریعت و قوانین را بر اساس حکمتی وضع نموده است. تشریع این قوانین دارای حکمتی فراگیر و شامل در مقاصد، اسرار و عواقب دنیوی و اخروی است.

"حکیم" در هر آنچه تقدیر می کند و قضای او روی می دهد، در فقر فقیر و بیماری بیمار و تنگدستی بدهکار، او حکیم است. در تدبیر او هیچ گونه خللی وارد نمی شود و در کلام و افعال او هیچ گونه نقص یا خللی راه ندارد. خداوند را حکمتی فراگیر و شامل است.



"حکیم" آن که حکمت، معرفت، متانت، وقار و نهادن هر چیز سر جای خود را به بندگان الهام می کند.

الله احکم الحاکمین است، در هستی چیزی بدون اجازه او روی نمی دهد. امور برابر با قانون و تشریع او حلال و حرام گشته اند. قانون آن است که او تشریع نموده و دین آن است که او به آن امر و نهی داشته است. هیچ کس را یارای بازخواستش نبوده و هیچ کس را توان بازگرداندن قضا و قدر او نیست.

"حکیم" بر هیچ کس ستم روا نمی دارد. او در تمام اوامر و نواهی و اخباری که می دهد عادل است.

همانا او الله همان حاکم حکیم است.

حکیم کسی است که حکمت برتر در آفرینش و دستور از آن اوست. او هیچ چیز را بیهوده نمی آفریند و هیچ چیز را بیهوده نکرده است. آن ذاتی که در اول و آخر حکم و دستور از آن اوست.

الله پادشاه فرمانروای صاحب قدرت مطلق است.

همانا او الله همان فرمانرواست.

"پادشاه پاک و سالم از هر عیب"

[سوره حشر آیه ۲۳]

"فرمانروا" صاحب عظمت و کبریا است که امور بندگان را تدبیر می کند و حکم او در میان آنان اجرا می شود. آنان بندگان و نیازمند به او هستند و او پادشاه و فرمانروای آنها است.

پادشاهی مطلق از آن اوست و هیچ پادشاه و رئیسی نیست مگر اینکه بنده اوست. در آسمان و زمین هیچ خیر و خوبی نیست مگر اینکه آن از بخشش و فضل اوست.

"آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است از آن اوست" [سوره بقره آیه ۲۵۵]

"فرمانروا" بدون حساب می بخشد و به بندگان خود فراوان عطا می کند و این بخشش چیزی از پادشاهی او کم نمی کند. هیچ کاری او را از کار دیگر با نمی دارد. در حدیث قدسی صحیح آمده است:

".. اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جن ها در یک صحرا گرد آیند و از من تمامی خواسته هایشان را دریافت کنند، چیزی از آن چه پیش من است کم نمی شود مگر به همان مقدار که فرو کردن یک سوزن در دریا از آن کم می کند.." (روایت از مسلم است)

"فرمانروا" فرمانروایی را به هر کس بخواهد می دهد. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "بگو: خداوندا، ای دارنده فرمانروایی، به هر کس که خواهی فرمانروایی دهی و از هر کس که

"پادشاه فرمانروا" آن که پادشاهی از آن اوست. او به صفت فرمانروایی متصف و دارنده صفت عظمت، کبریا، تسلط و تدبیر است. او حق تصرف مطلق در آفرینش و دستور و کیفر دارد و تمام جهان هستی از بالا و پایین از آن اوست و همگی بندگان و بردگان او و در برابر او ناتوان هستند.

مبراست و هیچ چیز به مانند او نیست و او را هیچ گونه مانندی نمی باشد و هیچ کمالی برتر از کمال او نیست و هیچ کس به جایگاه اسماء و صفات او نمی رسد.

"همانا او منزّه است" دل ها او را منزّه و مبرا کرده و تمامی خواسته های خود را به او وابسته کرده اند و زبانها او را منزّه ساخته و همیشه تسبیح او را بیان می کنند.

"همانا او پاک و مبراست" صاحب خیر و بخشش و فضل و تعریف است. خیر از نزد او و به سوی اوست. او آن صاحب خیری است که بر بندگان رحمت کرده و در هر آنچه بخواهد از بخشش و رشد به آنان ارزانی می دهد.

همانا او الله همان ذات پاک و مبراست.

"القدوس، السلام" با عظمت و مبراست از تمامی صفات نقص و از اینکه بنده ای با او شبیه باشد. او از تمامی عیوب منزّه و به دور بوده و از این پاک است که کسی در صفات کمال مانند او باشد.

خواهی، فرمانروایی بازستانی و هر کس را که خواهی گرامی داری و هر کس را که خواهی خوار سازی. نیکی به دست توست. به راستی تو بر هر کاری توانایی" [سوره آل عمران آیه ۲۶]

"فرمانروای مطلق" صاحب همه آفریده هاست. حکم او در دنیا و آخرت در میان آنها اجرا می شود، تا به سوی او بازگردند و به او پناه جویند و به دادن او بیش از پیش طمع ورزیده و در درخواست و دعا و فریاد خواهی اصرار ورزند.

همانا او الله همان پادشاه و فرمانروا و صاحب فرمانروایی مطلق است.

الله بسیار پاک و منزّه است.

همانا او الله، همان پروردگار بسیار پاک و منزّه است.

در رفعت و بلندیش پاک و در مدح و ثنائش ارجمند است. نعمت های او بسیار عظیم هستند.

"اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب]" [سوره حشر آیه ۲۳]

با عظمت و مبراست پروردگار فرشتگان و جبرئیل است. مبراست پادشاه با عظمت.

"همانا او الله، همان قدوس است" پاک و مبراست از هر عیب و نقص و از هر صفتی که شایسته او نیست با عظمت و پاک می باشد.

"همانا او منزّه است" متصف به صفات کمال و جمال و جلال است و از هر کمبود و عیب



الله سالم از هر عیب است.

همانا او الله سالم از هر عیب است.
 الله سالم از هر عیب است. سلامتی از او می جوشد و هیچ بنده ای جز با دهش او به سلامتی نمی رسد و هیچ موفقیتی جز به توفیق او حاصل نمی شود.

"سالم بر موسی و هارون" [سوره صافات آیه ۱۲۰]
 "سالم بر پیغمبران" [سوره صافات آیه ۱۸۱]
 و در سرای دیگر خداوند بلند مرتبه می فرماید: "به سلامت و ایمنی به آنجا در آیید"
 [سوره حجر آیه ۴۶]

سالم

همانا او سالم از هر عیب است.
 سالم از هر گونه عیب و نقص و دیگران را از هر گونه شر و بدی و آفت سالم نگه می دارد.
 همانا او سالم از هر عیب است.

صفات او از هر گونه مشابَهت با آفریدگان سالم بوده و از هر نوع عیب و اوصاف ناقص، سالم است. دانش و علم او کامل، عدل اش شامل و فراگیر و بدون هیچ گونه عیب است. حکم و دستور او بی کم و کاست، قضای او بی عیب است. آفرینش او سالم است. او سالم و بی عیب است و سلامتی از او می جوشد با برکت است آن ذات صاحب جلال و عزت.

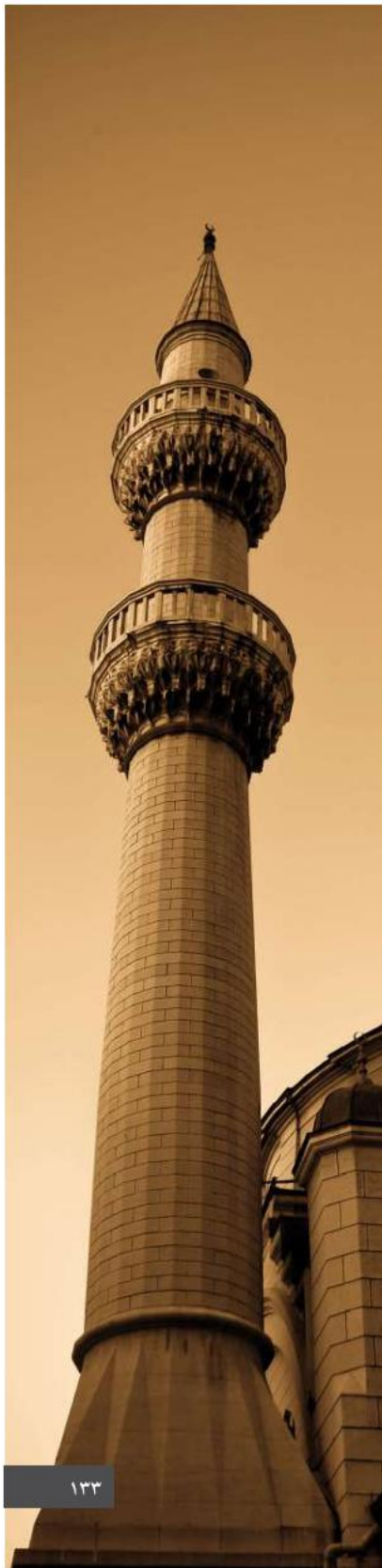
خداوند سلامتی در دو جهان را برای بندگانش قرار داده است.

"سالم بر ابراهیم" [سوره صافات آیه ۱۰۹]

الله حق است

همانا او الله همان ذات راستین و برحق است.
 "این از آن است که خداوند بر حق است"
 [سوره حج آیه ۶]

"الله حق است" در ذات و صفاتش حق است او دارای صفات و ویژگی های کمال است و وجودش از ذاتش می جوشد و هیچ چیز جز به یاری او وجودی ندارد. او همیشه دارای صفات جلال و جمال و کمال بوده و خواهد بود. او



همیشه به صفت احسان معروف بوده و خواهد بود.

"**الله حق است**" سخن، کردار، دیدار او، رسولان او، کتاب های او، پرستش یگانه و بدون شریک او و هر آنچه به او نسبت داده می شود حق اند.

"این از آن است که خداوند بر حق است. و آنچه را به جای او [به نیایش] می خوانند باطل است و [از آن] که خداوند بلند مرتبت [و] بزرگ [منزلت] است"

[سوره حج آیه ۶۲]

همانا او الله همان ذات حق است.

الله ایمنی دهنده نگهبان است.

همانا او الله همان ایمنی دهنده نگهبان است.

"اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان" [سوره حشر آیه ۲۳]

"**ایمنی دهنده**" آن که ایمنی را در میان بندگان و مخلوقاتش می گستراند و وحی را با آرامش و سکینه پخش می کند.

"و در بیمناکی امن و امان بخشید" [سوره قریش آیه ۴]

"**ایمنی دهنده**" ایمنی دهنده ی نگهبان و گواه مخلوقات بر آنچه هستند.

"**ایمنی دهنده**" از پاداش کسی چیزی نمی کاهد و به کیفر کسی نمی افزاید. او شایسته فضل و دهش و نیکی و نیکوکاری است.

"**نگهبان**" نگهبان بندگانست، بر آنان چیره و مسلط شده و حق آنان را رعایت کرده و بر کردار آنان و حالاتشان آگاه گشته است. او بر آنان احاطه دارد و هر امری در نزد آنان آسان و همه به او نیازمند هستند.

"چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست" [سوره شوری آیه ۱۱]

همانا او الله همان ذات ایمنی بخش نگهبان است.



" ایمنی بخش "

آن که خود را به داشتن صفات کمال و به بلندترین جلال و جمال ستوده است. و آن که پیامبرانش را فرستاده و کتابهایش را با آیات و نشانه ها و دلایل گسیل داشته است. پیامبرانش را با دلیل و حجت تایید و تصدیق کرده تا دلیلی بر درستی چیزی باشد که آنها آورده اند.

است. همگی به لطف و مهر او نیازمنداند، همانگونه که به رحمت و کرم او نیاز مبرم دارند. ای کسی که به مغفرت و لطف برای کسی که اسباب آن را فراهم سازد، وعده داده ای. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و به راستی که من کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کردار شایسته انجام دهد آن گاه راه یابد، خواهم آمرزید." [سوره طه آیه ۸۲]

" نگهبان "

کسی است که بر امور پوشیده و مخفی اطلاع دارد و بر اسرار پنهان در دها و به هر چیز دیگر احاطه و اشراف کامل دارد.

ای بخشنده از تو می خواهیم توبه راستین بهره ما گردانی تا با آن گناهان خود را ریشه کن سازیم و بر اشتباهات خود پشیمان شده و به طاعت تو و ترک گناهان، عزم خود را جزم بنماییم و ما را ببخش ای پروردگار بخشنده.

بار الها همانا تو صاحب لطف و مهر هستی پس بر ما لطف کن. پروردگارا توبه ما گفته ای که تو بخشنده و مهربان هستی.

"به بندگانم خبر ده که منم آمرزنده مهربان".

[سوره حجر آیه ۴۹]

پس بر ما رحم کن و ما را ببخش ای خدای بخشنده.

همانا او الله همان ذات صاحب مهر و بخشنده و درگذرنده است.

الله بسیار صاحب مهر و بخشش و درگذرنده است

همانا او الله همان ذات صاحب مهر و بخشش و بسیار درگذرنده است.

"به راستی خداوند بخشاینده آمرزگار است"

[سوره حج آیه ۶۰]

الله بسیار صاحب مهر و بخشش و درگذرنده است

آن که همیشه به داشتن مهر و لطف معروف بوده و صفت او بخشش و گذشتن از بندگان

الله توبه پذیر است.

همانا او الله همان توبه پذیر است.

"بی گمان خداوند است که توبه پذیر مهربان است" [سوره توبه آیه ۱۱۸]

"توبه پذیر" آن که توبه را برای بندگان قرار داده است که آن فضل و احسان و لطفی از جانب اوست و بلکه آنان را به بیش از این وعده داده که بدی ها را به نیکی بدل می کند. "توبه پذیر" آن که بندگان را بر انجام توبه پاداش می دهد و آنان را در انجام وظایف یاری می دهد.

"توبه پذیر" آن که بندگان را توفیق توبه می دهد و آنان را برای آن تشویق کرده و توبه را برای آنان محبوب جلوه می دهد.

"توبه پذیر" آن که توبه را از بندگان می پذیرد و بر آنان پاداش می دهد و درجات آنها را بالا برده و اشتباهات را می زداید. ارجمند و با عظمت است و چقدر شان و مقام او بلند است.

همانا او الله همان ذات توبه پذیر است.

"توبه پذیر"

آن که همیشه توبه ی توبه کنندگان را می پذیرد و از گناهان توبه کنندگان درمی گذرد. هرکس که به اخلاص به سوی خداوند برگردد خداوند هم به سوی او بر می گردد و توبه اش را می پذیرد و به آنان توفیق توبه می دهد و دل های آنها را به سوی خود متمایل می گرداند و بعد از توبه، گناهان و اشتباهات آنان را می بخشد.

الله یکتای یگانه است

همانا او الله همان ذات یکتای یگانه است

ای آنکه دارای یکتایی ذات، صفات و اسماء هستی.

از تو درخواست اخلاص، دوستی و اشتیاق داریم. ای پروردگار یکتای بی نیاز.

"یکتا" در ذات، صفات و اسماء یکتاست. او هیچ شبیه و مانند و همتا و همپایه ای ندارد.

"آیا همنامی برای او می شناسی"

[سوره مریم آیه ۶۵]

"یکتا" یکتا در الوهیتی که مستحق پرستش است. هیچ کس جز الله پروردگار ارجمند و با عظمت به حق پرستیده نمی شود و هیچ پرستشی چه کم و چه زیاد جز او را نسزد.

"یکتا" آن یکتای مقصود و رب معبود که دل ها به این گواهی داده اند و دیدگان به آن داننده غیب وابسته شده اند.

"یکتای یگانه" خداوند بندگان را بر اساس توحید خودش که هیچ شریکی ندارد، آفریده است. هیچ کس با روی آوردن به غیر او رستگار نمی شود و هیچ کس با پرستش غیر او سعادت مند نمی گردد و هیچ کس با شریک قایل شدن به او موفق نشده است.

همانا او الله همان ذات یکتای یگانه است

"یکتای یگانه"

آن که تمامی کمالات را در خود دارد به طوری که هیچ کس با او مشارکتی ندارد و از جهت عقلی و قوی و عملی بر بندگان لازم است تا توحید او را بیان کنند و به کمال مطلق او و یگانگی او در توحید و خاص دانستن تمامی عبادات برای او اقرار کنند.

او گرایش یافته اند پس آنان را امنیت داده و اهل توحید به او امید بسته اند پس امید آنان را محقق ساخته است. مصیبت دیدگان او را به فریاد خواسته اند پس آنان را سلامت داشته است. بندگان خود را در پیشگاه او خوار نموده اند پس آنان را برافراشته است.

همانا او الله همان ذات بی نیاز است

"بی نیاز"

آن که تمامی بندگان در تمامی نیازها و حالت به سوی او می روند، زیرا او در ذات، صفات، اسماء و افعالش کمال مطلق است.

الله بی نیاز است

همانا او الله همان ذات بی نیاز است.

"بگو: خداوند است که یگانه است (۱)
خداوند بی نیاز است (۲)" [سوره اخلاص آیات ۲-۱]

"بی نیاز" آن که در اسماء و صفاتش کامل بوده و هیچ گونه نقص و کمبودی در او نیست.
"بی نیاز است" آن ذات بی نیازی که همگی به او نیازمند اند و او به هیچ کس نیازی ندارد.
"او روزی می دهد و به او روزی نمی دهند"

[سوره انعام آیه ۱۴]

"بی نیاز" پروردگار تدبیر کننده و آن مالک گرداننده.

"بی نیاز" دل ها در وقت نیاز به سوی او متوجه می شوند، پس او حاجات را بر آورده می کند و غم ها را می زداید و دعا را لبیک می گوید. کسانی که با او قطع رابطه کرده اند و سپس او را خواسته اند، آنان را به خود مرتبط ساخته است. افراد خوف زده به سوی

الله پیروزمند است.

همانا او الله همان ذات پیروزمند است
ارجمند و با عظمت است.

"و خداوند پیروزمند فرزانه است"

[سوره انفال آیه ۶۷]

الله پیروزمند توانا و چیره است.

آن که هیچ نیرویی به او زیان نمی رساند و هیچ نیرویی قادر به ناتوان کردن او نیست.
فرخنده است پروردگار بلند مرتبه نکته بین.

"پیروزمند" سربلندی و پیروزمندی او تکمیل شده و همه تسلیم او گشته اند و تمامی نیروها در برابر او ضعیف و ناتوان گشته اند. هرچیز غیر او ناچیز بوده و تمامی مخلوقات در برابر او خوار هستند.

"پیروزمند" او به هر کس بخواهد ارجمندی و پیروزی را می دهد و از هر کس

"قادر مطلق"

او بر تمامی مخلوقات با برتری و دانش و چیرگی و تدبیر خود غالب شده است و هیچ چیز در این هستی پنهان، جز به اجازه و دانش او روی نمی دهد.

"قادر مطلق"

بر معاندان و متکبران با قوی ترین دلایل و روشن ترین براهین چیره گشته تا برای آنان ثابت کند که او تنها مستحق پرستش و به فریاد طلبیدن است. الوهیت و ربوبیت و اسمای نیکو و صفات برتر فقط از آن اوست.

"قادر مطلق"

بر ستمگران و سرکشان و گردنکشان چیره شده و آنان را بدون اراده و ناچار در صحرای محشر گرد می آورد.

"و به پیشگاه خداوند یگانه قهار آشکار شوند" [سوره ابراهیم آیه ۴۸]

"قادر مطلق"

مشیت و خواست او نافذ می شود و هیچ کس از مخلوقاتش هر چند که بزرگ باشد آن را نمی تواند برگرداند. آفرینش او نوپدید بوده و تمام زورمندان در برابر او ناتوان اند و زبان ها در وصف آفرینش بدیع او بند آمده اند هر چند که در بیان تنوع بخرج داده و سعی کنند.

همانا او الله همان ذات پیروز و قادر مطلق است

بخواهد آن را بازمی دارد و هرکس را که بخواهد خوار می کند و تمامی خیر به دست اوست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "که عزت همگی از آن خداست" [سوره یونس آیه ۶۵]

عزت و افتخار به نسب و نژاد و مال نیست، بلکه عزت فقط از جانب خداوند است.

"پیروزمند" تمامی عزت و افتخار از طرف اوست و تمامی توان و نیرو به فضل اوست. هرکس به جایی می خواهد چنگ بزند باید به خداوند چنگ بزند و هرکس پیروزمندی را می خواهد، باید با تمام وجود به سوی الله برود.

"عزت خاص خدا و رسول و مومنان است"

[سوره منافقون آیه ۸]

همانا او اله همان ذات پیروزمند است

"پیروزمند"

آن که تمامی عزت و پیروزمندی از آن اوست عزت قدرت، عزت چیرگی، عزت بازداشتن و امتناع. مانع از آن می شود که کسی از بندگان به ذره ای از عزت برسد و تمامی موجودات را مقهور خود ساخته و تمام آفرینش تسلیم او گشته و در برابر عظمت او به کرنش افتاده اند.

الله فاتح و قادر مطلق است

همانا او الله همان ذات پیروز و قادر مطلق است

فاتح و غالب بر جن و انس است

"و اوست که بر بندگان چیره بوده و اوست فرزانه آگاه" [سوره انعام آیه ۱۸]

قادر مطلق

او بر همه چیز قادر مطلق است. آن است که مخلوقات در برابر عزت و قدرت و کمال اقتدار او تسلیم شده اند.



الله روزی دهنده است

همانا او الله، همان ذات روزی دهنده است
"خداوند است که روزی دهنده است [همان]
توانمند استوار]" [سوره ذاریات آیه ۵۸]

"روزی دهنده" آن که روزی و خوراک
بندگان به دست اوست و او بلند مرتبه است
آن که روزی را برای هر کس از بندگان که
بخواهد فراخ می گرداند و تنگ می گیرد. آن که
تدبیر امور و کلیدهای آسمان ها و زمین بدست
اوست. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و هیچ
جنبنده ای در زمین نیست مگر آنکه روزی
اش بر [عهده] خداوند است و [او] قرارگاه و
آرامگاهش را می داند" [سوره هود آیه ۶]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و چه
بسا جانورانی که روزی شان را بر دوش نمی
کشند. خداوند به آنها و شما روزی می دهد و
او شنوای دانا است" [سوره عنکبوت آیه ۶۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "به راستی
پروردگارت روزی را برای هر کس که
بخواهد فراخ می گرداند و تنگ می گیرد که
او به بندگان دانا بیناست" [سوره اسراء آیه ۳۰]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "خداوند
هر که را خواهد بیشتر روزی می دهد"
[سوره بقره آیه ۲۱۲]

"روزی دهنده" همگی مردم فقیر و نیازمند او
و نیازمند رزق و روزی او هستند و او به همگی
مردم نیکوکار و بدکار، اولین و آخرین روزی
می دهد.

"روزی دهنده" آن که را با قلب صالح و
صلاح قلب به سویش آمد بهترین روزی و
بخشش می دهد و هر کس که از او علم و ایمان
بخواهد خداوند به وی روزی می کند و روزی
حلال می بخشد تا او را در اصلاح قلب و دین
یاری دهد.

همانا او الله همان ذات روزی دهنده است.

الله باریک بین است

همانا او الله همان ذات باریک بین است
"آری پروردگارم برای [تدبیر] آنچه
بخواهد، باریک بین است" [سوره یوسف آیه ۱۰۰]

باریک بین

آن که آفریدگان را برای بندگان رام و مسخر
می کند و این به سبب لطف و مهربانی و
دوستی او است.

باریک بین و مهربان

ذاتی که بسیار نیکی می کند و جود و بخشش
فراوان دارد.

باریک بین و مهربان

نسبت به بندگان بسیار مهربان است
" خداوند به بندگان مهربان است "

[سوره شوری آیه ۱۹]

به آنان می بخشد آنچه برای دین و دنیای
آنان شایسته است و آنان را از آنچه در دین و
دنایشان بد است باز می دارد.

باریک بین و مهربان

دیدگان او را در نمی یابند و او دیدگان را در
می یابد.

" چشم ها او را در نیابند و او چشمان را در
می یابد و او باریک بین آگاه است "

[سوره انعام آیه ۱۰۳]

" باریک بین " امور پنهان و پوشیده را می
داند و کردارهای بسیار ریز را می شمارد و در
شب و روز هیچ چیز از او پنهان نمی ماند.
مصلح کوچک و بزرگ بندگان را می داند و
با آنان مهربانی می کند.

" باریک بین " در هنگام قضاوت در امور به
بندگان لطف و مهربانی می کند و چون امری
را تقدیر نمود آنان را یاری می دهد و چون
کار سخت و بسته شد دروازه های گشایش
را برایشان می گشاید و به وقت سختی کار
را برایشان آسان می کند. پاک و منزّه است آن
ذات.

همانا او الله همان ذات باریک بین و مهربان است.

" باریک بین "

آن که دانش او به تمامی اسرار و رازها و امور
پوشیده احاطه یافته است و امور مخفی و
رازهای درونی و نکته های پنهان را می داند و
به بندگان مومنتش بسیار مهربان و به لطف و
احسان خود از راه هایی که نمی دانند مصالح را
به آنان می رساند.

الله مشکل گشا است

همانا او الله، همان ذات مشکل گشا است.

" و او داور داناست " [سوره سباء آیه ۲۶]

" مشکل گشا " رحمت های خود را بر ما می
گشاید.

" [در] رحمتی را که خداوند برای مردم
بازگشاید، برای آن [رحمت] هیچ بازدارنده
ای نیست " [سوره فاطر آیه ۲]

" مشکل گشا " خداوند دروازه برکت های
خود را بر ما می گشاید و از فضل و بخشش
خود به ما می دهد و عفو و لطف خود را شامل
حال ما می گرداند.

او همان پروردگاری است که دلهای بسته را با
کلید هدایت و ایمان می گشاید.

" گشاینده " درهای رحمت را می گشاید و
آنها را لبریز می کند و جوشش نعمت را بر آنان
سرازیر کرده و سرچشمه های دانش و حکمت
را به سوی عقل های آنان سرازیر می کند و

ایمان را بر دل های آنان می گشاید و آنان را هدایت می کند.
"گشاینده" آن که غم و غصه را از بندگان زدوده و همه اندوه ها را از آنان برطرف می کند. ناراحتی را زدوده و هر زیان را از بین می برد.
"داور" آنکه با عدل در میان بندگان در سرای دیگر داوری می کند و او کارساز ستوده است.
همانا او الله همان داور است.



"داور"
 اوست که در میان بندگان با احکام شرعی و احکام کونی و احکام کیفری داوری می کند. کسی است که با لطفش دیدگان راستگویان را گشوده و دل های آنان را برای شناخت و محبت و میل به سوی خودش باز کرد و برای بندگان دروازه های متنوع رحمت و روزی را گشود.

ایمان را بر دل های آنان می گشاید و آنان را هدایت می کند.
"گشاینده" آن که غم و غصه را از بندگان زدوده و همه اندوه ها را از آنان برطرف می کند. ناراحتی را زدوده و هر زیان را از بین می برد.
"داور" آنکه با عدل در میان بندگان در سرای دیگر داوری می کند و او کارساز ستوده است.
همانا او الله همان داور است.



الله همان ذات بی نیاز بی نیاز کننده است.

همانا او الله همان ذات بی نیاز بی نیاز کننده است.
"بی نیاز" او با ذات خود از همه بی نیاز است. او دارای بی نیازی کامل و مطلق بوده و به هیچ صورت نقص و عیبی به صفات و کمال او وارد نمی شود. او همیشه غنی و بی نیاز است، زیرا غنا از لوازم ذات اوست، همانگونه که همیشه او خالق توانا و رازق نیکوکار است و به هیچ صورت نیازمند نمی شود، او آن بی نیازی است که گنجینه های آسمان و زمین و دنیا و آخرت از آن اوست و او تمام بندگان را به طور عموم بی نیاز می گرداند.

الله تواناست.

همانا او الله همان ذات توانا است.
" و خداوند بر هر کاری تواناست "

[سوره نساء آیه ۸۵]

"توانا" آن که تمامی خوراک و مواد غذایی را به تمامی مخلوقات می رساند و آفرید آنچه را که بوسیله آن زندگی می کنند و زنده می مانند و به آن می بخشد آن چه را که سبب سیرابی، سیری، خوشبختی او در زندگی می گردد.

"توانا" آن که دل ها را با انواع مختلف دانش زنده می کند و در نتیجه آن ارواح افراد زنده می شوند و نفس آدمی به آن شادمانی می یابد.

بار الها ای کسی که به امور مخلوقات به پا می خیزی و زندگی و معاد آنها را تدبیر می کنی، از تو خواهان حفظ و رعایت و گذشت هستیم.

" و خداوند بر هر کاری تواناست "

[سوره نساء آیه ۸۵]

همانا او الله، همان ذات تواناست.



"تواناست"

آنکه قوت و روزی هر مخلوق را به او می رساند و روزی را به سمت بندگان می برد و با حکمت و حمدش آن را به هر طرف که بخواهد می گرداند.

"بی نیاز" از بندگانش بی نیاز است. از آنان خوراک و نوشیدنی نمی خواهد. آنان را نیافریده تا از کمی بدر آید یا به آنان قوت گرفته و یا از تنهایی خارج شود. بلکه آنان در آب و غذا و دیگر امور خود به او نیاز دارند. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریدم (۵۶) از آنان هیچ روزی ای نمی خواهم و نمی خواهم که به من خوراک بدهند (۵۷)"

[سوره ذاریات آیات ۵۷-۵۶]

"بی نیاز کننده" مردم را از فقر و نیازشان بی نیاز می کند و از دادن، کمی نمی یابد. بندگان به غیر از او نیازمند نمی شوند، همانگونه که در حدیث قدسی آمده است: "...اگر اولین و آخرین همه انسان ها و جنیان در یک صحرا گرد آیند و درخواست های خود را از من مطرح کنند و من همه درخواست های آنان را اجابت کنم این امر چیزی از ملک من کم نمی کند مگر همانگونه که فروکردن سوزن در دریا سبب کاهش آن می شود..." (روایت از مسلم است)

"بی نیاز کننده"

برخی از بندگان را با هدایت و اصلاح قلب، شناخت خود، تعظیم و محبت خودش بی نیاز می کند و آنان را به آن چه کامل تر از صلاح دنیاست بی نیاز می کند.

ای کسی که بخشش چیزی از تو کم نمی کند. ما را با حلال از حرام بی نیاز کن. زیرا که پروردگار بی نیاز بی نیاز کننده تو هستی.

همانا او الله همان ذات بی نیاز بی نیاز کننده است.



الله حسابگر و کافی است.

همانا او الله همان ذات حسابگر و کفایت کننده است.

خداوند از بندگان حساب می گیرد. او برای بندگان از هر جهت کافی است
" آیا خداوند برای بنده اش بس نیست؟ "

[سوره زمر آیه ۳۶]

خداوند ما را کافی است و او بهترین کارساز است. این سخن ابراهیم خلیل به هنگام انداخته شدن در آتش بود و در نتیجه آتش سرد و سلامت گشت و صحابه این سخن را اظهار داشتند و خداوند از آنان چنین نقل می کند: "به یقین مردمان [کافر] برای [نبرد] با شما [سپاه] فراهم آورده اند"

[سوره آل عمران آیه ۱۷۳]

پس گفتند: "گفتند: خدا ما را بس است و چه نیک کارسازي است (۱۷۳) پس [مؤمنان] به نعمت و فضل الهی بازگشتند. گزندی به آنان نرسید و از خشنودی خدا پیروی کردند. و خداوند فضلی بزرگ دارد" [سوره آل عمران آیات ۱۷۴-۱۷۳]

"حسابگر"

به بندگانش داناست، برای توکل
کنندگان کافی است. پاداش اعمال
کم و زیاد و خوب و بد را بر حسب
حکمت و دانش خود می دهد.



الله حسابگر و حسابرس بندگانش است. برکردارشان حسابگر بوده و براساس کردارشان به آنان پاداش نیک یا کیفر بد می دهد. "و او سریع ترین حسابرسان است"

[سوره انعام آیه ۶۲]

"حسابگر" به تمام جزئیات و تفصیل ظاهری و باطنی کردار بندگانش احاطه کامل دارد.

ای پروردگار ای ذات کفایت دهنده ما را در هر آن چه به خود مشغول ساخته کفایت کن و رشد و هدایت را بهره ما بگردان و خیر و خوبی ما را بیفزای، ای پروردگار کریم

"و خداوند به عنوان حسابرس بس است"

[سوره نساء آیه ۶]

همانا او الله همان ذات حسابگر و کافی است.

"کافی"

برای تمام نیازهای بندگان و آن چه به آن نیاز دارند کافی است و به شکل ویژه بنده ای را که به او توکل نموده و ایمان آورده و نیازهای دین و دنیایش را از او درخواست می کند، کفایت می کند.

الله آشکار است.

همانا او الله همان ذات آشکار است.

"که خداوند است که حق آشکار است"

[سوره نور آیه ۲۵]

ای پروردگار آشکار که ارجمند و با عظمت هستی، راه حق را برای ما هموار ساز و از اشتباه گرفتن آن با راه باطل، ما را پناه بده ای پروردگار.

الله آشکار، حق و تمامی حقایق است و در آن هنگام شک و شبهات از بین می رود.

الله بیانگر امر و حدانیت خود می باشد و او به هیچ عنوان همانند و شریکی ندارد.

"آشکار" بر مخلوقاتش دلایل عقلی، شرعی، حسی و معنوی که به بخشش و وجود و قدرت او را می رساند پوشیده نیست.

"آشکار" آن که برای بندگان راه حق را با فرستادن پیامبر صلی الله علیه و سلم با کتاب آشکار، روشن ساخته است.

"به راستی از [جانب] خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است" [سوره مائده آیه ۱۵] الله همان ذاتی است که راه سعادت را برای بندگانش روشن ساخته و آن را در گرو اطاعت از خود و پذیرش یکتایی و توحید خود نموده است.

همانا او الله همان ذات روشن است.

الله همان ذات توانای صاحب قدرت و نیرومندی است.

همانا او الله همان ذات توانای صاحب قدرت و نیرومند است.

"و خداوند بر هر کاری تواناست"

[سوره بقره آیه ۲۸۴]

در مقام و منزلتی راستین، در نزد فرمانروایی توانا [سوره قمر آیه ۵۵]

"بگو: او تواناست" [سوره انعام آیه ۶۵]

"قدرتمند" صاحب قدرت و استواری کامل بوده و بر انجام هر کاری و با هر کس تواناست. "توانا" دارای قدرت کامل، زنده می کند و

می میراند. موجودات را بوجود آورده و آنها را مدیریت می کند و حکم او در میان آنان جاری است.

"**قادر مطلق**" به قدرت خود برمی انگیزد و پاداش می دهد و دل ها را به هر سان که بخواهد می گرداند.

"**توانا**" دارای قدرت کامل، با قدرت و توان او هیچ گونه ناتوانی و نقصی همراه نیست.

"**توانا**" کسی که هر یک از مخلوقات خود را به آن چه می خواهد اداره می کند و این با انتهای قدرت و فراگیری صورت می گیرد.

همانا او الله همان ذات قدرتمند پر توان نیرومند است.

الله به ارث برنده است.

همانا او الله همان ذات به ارث برنده است.

"و به یقین ما زنده می کنیم و می میرانیم و ما میراثبریم" [سوره حجر آیه ۲۳]

"**به ارث برنده**" کسی که زمین و هر آن چه در آن است را به ارث می برد و چیزی جز آن ذات ارجمند و با عظمت بر جای نمی ماند.

"**به ارث برنده**" او بعد از مخلوقاتش بر جای می ماند. برای تمام پادشاهیش، هر پادشاهی و سلطنتی به سلطنت و پادشاهی او بازمی گردد. از ستم و سرکشی و گردنکشی و تکبر هشدار داده و بازگشت همگی به سوی خداست، زیرا او به ارث برنده است.

"**به ارث برنده**" او بندگان را برای هزینه کردن در راهش تشویق می کند. مال و ثروت یک امانت و عمر فانی بوده و بازگشت به سوی

پروردگار به ارث برنده است.

"**به ارث برنده**" بندگان را از ناشکری هشدار می دهد. اصل نعمت و بازگشت و سرانجام آن، از آن اوست.

"**به ارث برنده**" زمین و هر آنچه بر آن است را به ارث می برد و هر آنچه که بعد از بندگان بر جای می ماند از آن اوست. او همه را به ارث می برد.

"و ما میراث بر [آنان] بودیم" [سوره قصص آیه ۵۸]
همانا او الله همان ذات به ارث برنده است.

الله شنوای بیناست.

همانا او الله همان ذات شنوای بیناست.

ای شنوا دعای ما را گوش کن و آن را اجابت فرما، چرا که تو به کردار ما و کوتاهی ها و نیازمندی های ما بینایی و ما فقط نیازمندی های خود را به پیش تو می آوریم.

"**الله شنواست**" تمامی صداهای ضعیف و قوی را شنیده و یک صدا او را از شنیدن صدای دیگری و صدای یک سائل، او را از شنیدن صدای سائل دیگر باز نمی دارد.

"شنوای بیناست"

سخن تو را می شنود، از خودت حساب بگیر. دعای تو را می شنود پس با اصرار دعا کن. کردار تو را می بیند و هیچ امری بر او پنهان نمی ماند پس نیکی کن که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

هر کس از او سپاسگزاری کند به او می دهد و هر کس از او بخواهد می بخشد و یاد می کند هر کس که او را یاد کند. حق شناس را فزون می دهد و بهره کافر و حق ناشناس زیان و ضرر است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "اگر سپاس گزارید به شما افزون دهم و اگر کفر ورزید، [بدانید که] عذاب من سخت است" [سوره ابراهیم آیه ۷]

همانا او الله همان ذات حق شناس بسیار سپاسگزار است.

الله ستوده است.

همانا او الله همان ذات ستوده است. در ذاتش ستوده ، در کردارش ستوده ، در آفرینشش ستوده و در سخنانش ستوده است. در این هستی جز آن ذات بی آلائش هیچ ستوده دیگری وجود ندارد. سپاس و ستایش کامل از آن پروردگار پاک و بی آلائش است.

"ستوده" او در ذات و صفات و اسماء و افعالش ستوده و بلکه او بهترین اسماء را دارد. کاملترین صفات و نیکوترین آنها را داراست. افعال او در میان عدل و نیکویی می گردند. ای پروردگار، ستایش تنها تو را سزد. ای ذاتی که کتابت را بر ما فرستادی و عظمتت را به ما نمایاندی و پیامبرت محمد صلی الله علیه و سلم را به سوی ما فرستادی.

همانا او الله همان ذات ستوده است.

"الله بیناست" همه چیزها را می بیند هرچند که کوچک و یا بزرگ ، در شب و یا روز پنهان باشد.

"شنوا" همه سخنان را با وجود تفاوت زبان ها و تنوع نیازها می شنود.

"بیناست" حرکت پای مورچه سیاه را در شب تاریک بر صخره سخت می بیند و هر آنچه را که زیر هفت زمین است مشاهده می کند، همانگونه که هر چیز بالاتر از هفت آسمان را نیز می بیند.

"شنوای بیناست" هیچ چیزی بر او مخفی نمی ماند، هیچ امر عجیب و غریب و استثنایی و سرگردان و غیر سرگردان بر او پنهان نمی ماند.

همانا او الله همان ذات شنوای بیناست.

الله سپاسگذار حق شناس است.

همانا او الله همان ذات سپاسگذار حق شناس است.

همانا او الله همان ذات حق شناس است.

"خدا قدردان داناست" [سوره بقره آیه ۱۵۸]

"به راستی پروردگارمان آمرزنده قدرشناس است" [سوره فاطر آیه ۳۴]

آن پروردگار پاک و بی آلائش از عمل بسیار کم هم قدردانی می کند و اشتباهات فراوان را می بخشد. کردار افراد مخلص را بدون حساب چند برابر می کند.

"الله بسیار سپاسگزار است"

الله همان ذات با عظمت و بزرگ و سترگ و با هیبت است.

همانا او الله است همان ذات با عظمت و
بزرگ و با هیبت است.

او الله است همان ذات موصوف به عظمت
و کبریاء و ارجمندی و سرافرازی. او از هر چیز
دیگر بزرگتر و از همه عالی تر و برتر است و
احترام، تعظیم و بزرگی او در قلوب دوستان
و برگزیدگان اوست. دل های آنها از احترام و
اجلال و فروتنی و خشوع برای کبریای او لبریز
گشته است.

چقدر پاک و بی آلایش هستی ای پروردگار
بزرگ، چقدر تو عالی شان هستی.

"پس نام پروردگار بزرگت را به پاکی یاد کن"

[سوره واقعه آیه ۹۶]

ای پروردگار ارجمند و با عظمت، ای ذات
عالی مقام ما توان شمارش ستایش و عظمت
تو را نداریم ای پروردگار صاحب جلال و
کرامت.

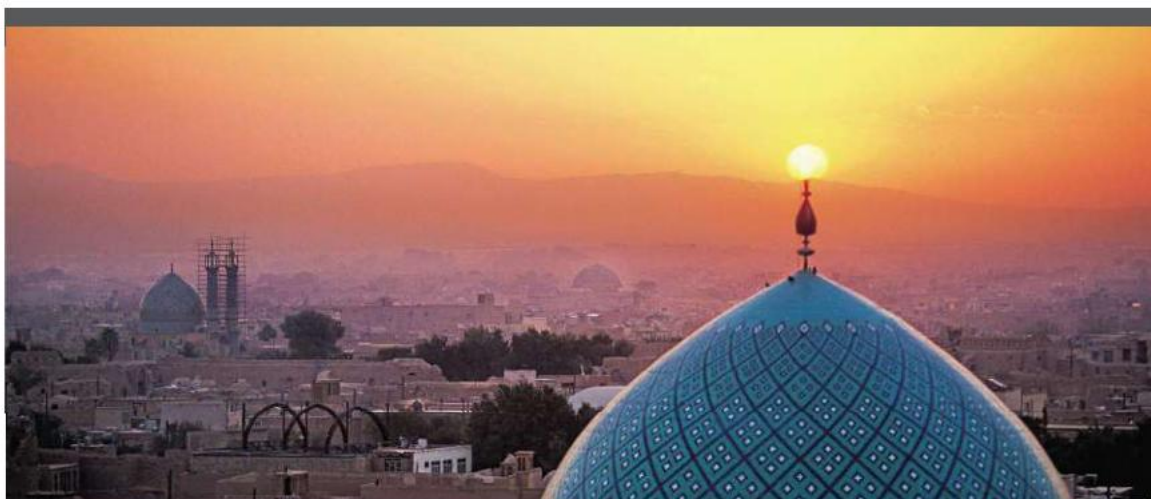
او در ذات پاکش بسیار بزرگ و عالی شان و
در اسماء و صفاتش بزرگ است.

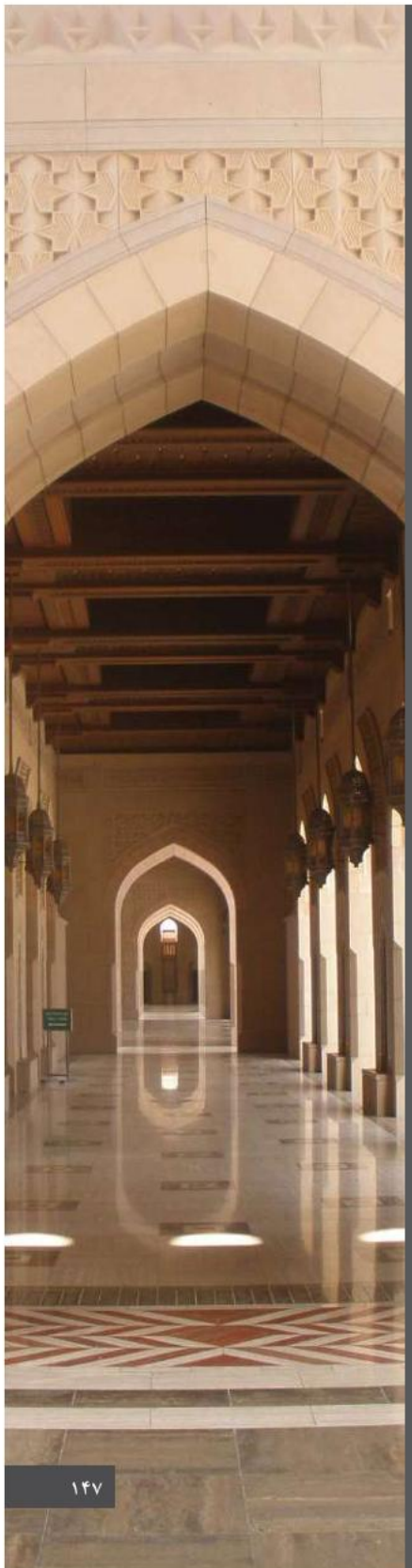
"چیزی مانند او نیست." [سوره شوری آیه ۱۱]

او صاحب مقام عالی و با عظمت است.
هر کس در چیزی از آن با او درگیر شود
او را از بین برده و کمرش را می شکند.
همانگونه که در حدیث قدسی می فرماید:
"کبریاء پوشش بالا تنه من و عظمت شلوار
من است، هر کس در یکی از این دو با
من درگیر شود او را در آتش می اندازم"

(روایت از احمد است)

همانا او الله همان ذات ارجمند بزرگ و با
عظمت و صاحب جلال و برتری است.





الله همان ذات رفیع، بلند مرتبه صاحب رفعت است.

همانا او الله همان ذات رفیع بلند مرتبه صاحب رفعت است.

"رفیع بلند مرتبه صاحب رفعت" بلندی مطلق از هر وجه از آن اوست. دارای رفعت ذات و رفعت مقام و صفات و برتری سیطره و چیرگی است.

"و او بلند مرتبه بزرگ [قدر] است" [سوره بقره آیه ۲۵۵] او بر عرش قرار گرفته است. او با تمامی صفات بزرگی، کبریایی، جلال، جمال و انتهای کمال وصف می شود و عظمت منتهایی این امور به نزد اوست.

"رفیع بلند مرتبه:

از هر صفتی که شایسته او نیست و از هر نقص و عیبی منزله است. او در ذات، صفات و چیرگی اش برتر بوده و او الله، همان ذات صاحب رفعت است.

همانا او الله همان ذات رفیع بلند مرتبه صاحب رفعت است.

الله گیرنده و گشاینده است

همانا او الله همان ذات گیرنده و گشاینده است.

"الله ذات گیرنده و تنگ کننده" روزی برخی را می کاهد و آنان را می آزماید و آن را از برخی باز می دارد تا آنان را خوار سازد و به برخی می دهد تا آنان را برافرازد.

"الله گشاینده است" گشاینده روزی و گشاینده معارف قلوب است و تمامی این ها برابر با حکمت، رحمت، کرم و جود اوست.

همانا او الله همان ذات گیرنده و گشاینده است.

الله دهنده و بازدارنده است.

همانا او الله همان دهنده و بازدارنده است.

"الله دهنده و بازدارنده است" به آنچه او بدهد هیچ بازدارنده ای نبوده و آن چه را او بازدارد هیچ دهنده ای نیست. تمامی مصالح و منافع از او خواسته می شود و اوست که به هر کس بخواهد می دهد و به هر کس نخواهد نمی دهد و تمام آن ها بر اساس حکمت و رحمت هستند.

بار الها ای پروردگار گشاینده، رحمت را بر ما بگشای و از بخشش ات به ما ببخش. ای پروردگار گیرنده، بدی ها را از ما بازدار. ای پروردگار بازدارنده و منع کننده، شر و بدی را از ما بازدار.

همانا او الله همان ذات دهنده و بازدارنده است.

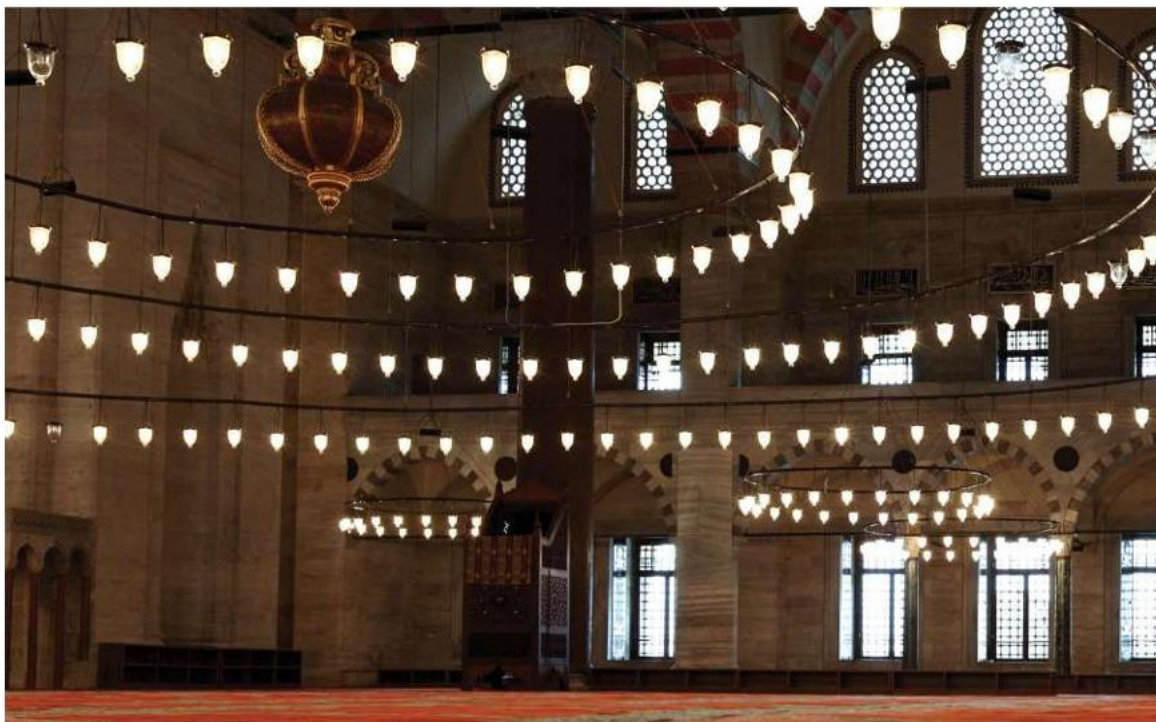
ب: آثار اسماء الله در هستی:

شناخت اسماء الحسنی و صفات برتر، از برترین و شریف ترین علوم می باشند و هر یک از نامهای خداوند پاک نشانه یک صفت خاص است. اسمهای او صفت های مدح و کمال بوده و هر صفت دارای یک فعل و مقتضای بخصوص است و هر کاری تأثیر خود را دارد و آن از ملزومات آن بوده و محال است که ذات را از صفات خالی تصور کنیم و یا اسماء را از معانی و اوصاف آن تهی سازیم و همچنین تعطیل کردن صفات های خداوند از اعمالی که لازمه آنها بوده و برعکس تعطیل کردن کارها از اثرات آنها همه از محالات هستند. تمام اینها از آثار اسماء و صفات آن هستند.

و افعال او بر اساس حکمت، مصلحت و نام های نیکوی او هستند. گمان و انهادن معانی از موجبات آنها در حق او محال است. به همین سبب خداوند کسی را که آنها را از امر، نهی و پاداش و کیفرش جدا می کند هشدار داده است. به این ترتیب آنها به او چیزی را نسبت می

سپاس خدایی را که چنان است که خود را وصف نموده و بالاتر از توصیف بندگان است.

امام شافعی



دهند که شایسته او نبوده و او از آن پاک و منزّه است. هر کس چنین نسبتی به خداوند بدهد خداوند را آن گونه که شایسته است نشناخته و حق احترام و عظمت او را بجای نیاورده است. همانگونه که خداوند در حق منکرین نبوت، فرستادن پیامبران و کتب آسمانی فرموده است: "و خداوند را چنان که سزاوار ارج اوست، ارج نگذاشتند. چون گفتند: خداوند بر هیچ

[سوره جاثیه آیه ۲۱]

بشری چیزی نازل نکرده است" [سوره انعام آیه ۹۱] و خداوند بلند مرتبه در حق منکرین روز رستاخیز و پاداش و کیفر آن روز می فرماید: "خداوند را چنان که سزاوار بزرگی اوست، ارج ننهادند. و روز قیامت زمین، یک جا در قبضه [قدرت] اوست. و آسمانها در دست [قدرت] او درهم نوردیده شوند. "

[سوره زمر آیه ۶۷]

به آنان خبر داد که این حکم و داوری ناشایست بوده و اسما و صفات خداوند آن را نمی پذیرد. خداوند پاک می فرماید: "آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوي ما بازگردانده نمی شوید! (۱۱۵) خداوند، فرمانروای راستین، [بسی] برتر است. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، که پروردگار عرش گرانقدر است (۱۱۶)"

[سوره مومنون آیات ۱۱۶-۱۱۵]

خداوند از این گمان باطل و تخمین که اسماء و صفات خداوند آن را نمی پذیرد، منزّه است. و نمونه های این در قرآن بسیارند که خداوند آن چه را خلاف ملزومات اسماء و صفاتش باشد، از خود نفی می کند. چرا که لازمه آن است که کمال و مقتضیات آن را تعطیل کنیم.

نام "**الحمید و المجید**" او مانع از آن می شود که آدمی را بیهوده رها سازد و به او امر و نهی نکرده و به او پاداش و کیفر ندهد. و همچنین نام "**الحکیم**" این را نمی پذیرد و اسم "**الملک**" نیز هم چنین می باشد. نام "**الحی**" مانع از آن می شود که او از انجام کار باز آید و تعطیل باشد، بلکه حقیقت حیات و زندگی، کار است و هر موجود زنده ای فعال است و کردار دارد و این که خداوند سبحان آفریننده پابرجا باشد از جمله مقتضیات اومی باشد. لازمه نام "**السمیع البصیر**" بودن چیزهای قابل دیدن و شنیدن است و لازمه اسم "**الخالق**"، بودن مخلوقات و لازمه "**الرازق**" و "**الملک**" بودن یک مملکت و گرداندن و تدبیر کردن، دادن و گرفتن، احسان و عدل، ثواب و عقاب است. و اسمهای "**البر، المحسن، المعطی و المنان**" (نیکوکار، احسان کننده، دهنده و رساننده خیر و احسان) و مانند این اسم ها مقتضیات، آثار و موجبات خود را لازم دارند.

و اسم های "**الغفار، التواب و العفو**" (بخشنده، توبه پذیر و درگذرکننده) باید اموری مرتبط به خود داشته باشند. باید گناهی باشد تا بخشیده شود و توبه ای صورت پذیرد تا مورد قبول واقع شود و باید گناهی باشد تا از آن در گذشته شود و لازمه اسم "**الحکیم**"، بودن

اموری است که حکمت در آنها آشکار شود؛ زیرا اقتضای این اسم ها به نسبت آثار آنها مانند اقتضای اسم خالق، رازق، معطی و مانع به نسبت مخلوق، مرزوق و ممنوع (آفریده شده، روزی داده شده، داده شده و منع شده) بوده و تمام این ها اسمای نیکو هستند.

و پروردگار بلند مرتبه ذات خود، اوصاف، صفات و اسمهایش را دوست دارد. او درگذر کردن و عفو و گذشت را دوست دارد. بخشش، مغفرت، توبه و بازگشت را دوست دارد. به توبه و بازگشت بنده اش بیش از انتظار شادمان گشته و توبه او را می پذیرد و از او گذشت می کند.

و پروردگار پاک "**الحمید و المجید**" (ستوده و با عظمت) است. این دو صفت مقتضیاتی دارند و آثار آن دو، بخشش اشتباهات و درگذشت از لغزش ها و عفو کردن گناهان و چشم پوشی از آنهاست. با وجود آن که خداوند به گناهان و اشتباهات آگاه است و توان گرفتن حق و مقدار کیفر را می داند، اما حلم و بردباری او بعد از دانش و علمش قرار دارد. عفو و بخشش او بعد از قدرت اوست. مغفرت او با وجود کمال عزت و حکمت صورت می پذیرد. همانگونه که خداوند بلند مرتبه از زبان عیسی مسیح علیه السلام نقل می کند: "اگر آنان را عذاب کنی، آنان بندگان تو هستند، و اگر آنان را بیامرزی، تویی که پیروزمند فرزانه ای" [سوره مائده آیه ۱۱۸]

یعنی بخشش و مغفرت تو از کمال قدرت و حکمت توست. تو مانند کسی نیستی که از سر ناتوانی می بخشد و یا از سر نادانی در میزان حق کوتاهی می کند. بلکه تو به حقت دانا بوده

دعا کردن با استفاده از اسمهای نیکو، شامل دعا برای درخواست و دعا برای ستایش و پرستش می باشد. خداوند از بندگانش می خواهد تا او را با نام ها و صفاتش شناخته و او را ستایش کنند و بهره خود را از پرستش بر اساس آن اسم بگیرند.

و خداوند پاک مقتضای اسماء و صفاتش را دوست دارد. او داناست و همه دانایان را دوست دارد. بخشنده است و همه بخشنندگان را دوست دارد. یگانه بوده و یگانگی را می پسندد. زیباست و زیبایی را دوست دارد. بخشنده است و بخشنندگی و اهل آن را دوست دارد. نیک است و نیکوکاران را دوست دارد. قدردان بوده و دوستدار قدردانان است. شکیباست و شکیبایان را دوست دارد. بردباراست و بردباری را می ستاید. خداوند به سبب محبتش به توبه، مغفرت و گذشت کسانی را آفرید که آنان را ببخشد و توبه آنان را بپذیرد و درگذرد و عفو کند.

هیچ چیز او به بندگان شبیه نبوده و هیچ چیز بندگان به او شبیه نیست. او همیشه با همین اسماء و صفات بوده و خواهد بود.

امام ابوحنیفه

و می توانی آن را بگیری و نسبت به گرفتن آن هم حکیم هستی.

هر کس به حرکت و جریان آثار اسماء و صفات در عالم و در دستورهای خداوند تامل کند، پی می برد که مصدر انجام این جنایات از طرف بندگان است. تقدیر آنها از کمال اسمها و صفات و افعال خداوند بوده و غایت آنها هم مقتضای حمد و عظمت خداوند است، همانگونه که مقتضای ربوبیت و الوهیت اوست.

او در هر آن چه قضاء نموده و تقدیر داشته، حکمت رسا و آیات روشن دارد و شناخت خود به بندگانش را با اسماء و صفات انجام داده است. از آنان خواسته تا محبت او را داشته و او را یاد کنند. از او قدردانی کرده و او را با نام های نیکویش پرستند. چرا که هر اسمی از جهت دانش و معرفت و حالت عبادت خاص خود را دارد. و کامل ترین فرد در عبادت کسی است که خداوند را با تمام اسماء و صفات، که بشر از آنها آگاه است، پرستد. عبودیت یک اسم مانع از عبودیت دیگری نشود. مانند کسی که خداوند را بر اساس اسم "**القدیر**" می پرستد و این مانع از پرستش بر اساس اسم "**الخلیم**" می شود، یا بر اساس اسم "**الرحیم**" خداوند را می پرستد و این مانع از پرستش بر اساس اسم "**المعطی**" و "**المانع**" می شود و همچنین اگر بر اساس اسم "**الرحیم**" یا "**العفو**" یا "**الغفور**" می پرستد و از اسم "**المنتقم**" (انتقام گیرنده) غافل و بی خبر است.

خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن [نامها] او را به [دعا] بخوانید" [سوره اعراف آیه ۱۸۰]



بازبینی

۱. از اسمهای الله که بر صفات زیر دلالت کرده اند چه آموخته اید.

ا- جلال، قدرت و عظمت

ب- جمال و کمال

ج- رحمت و کمال

۲. آثار اسماء و صفات الله چگونه در زندگی شما آشکار می شوند؟

۳. کدامین اسمها و صفات پروردگار در شما بیشترین تاثیر را بر جای گذاشته اند و چرا؟

۴. برخی از صحنه های تاثیر اسمای خداوند در زندگی خودتان را بیان کنید.



پایان: دعوت به ایمان خالص

من عرف الله أحبه وعبدته وأخلص له



پایان: دعوت به ایمان خالص

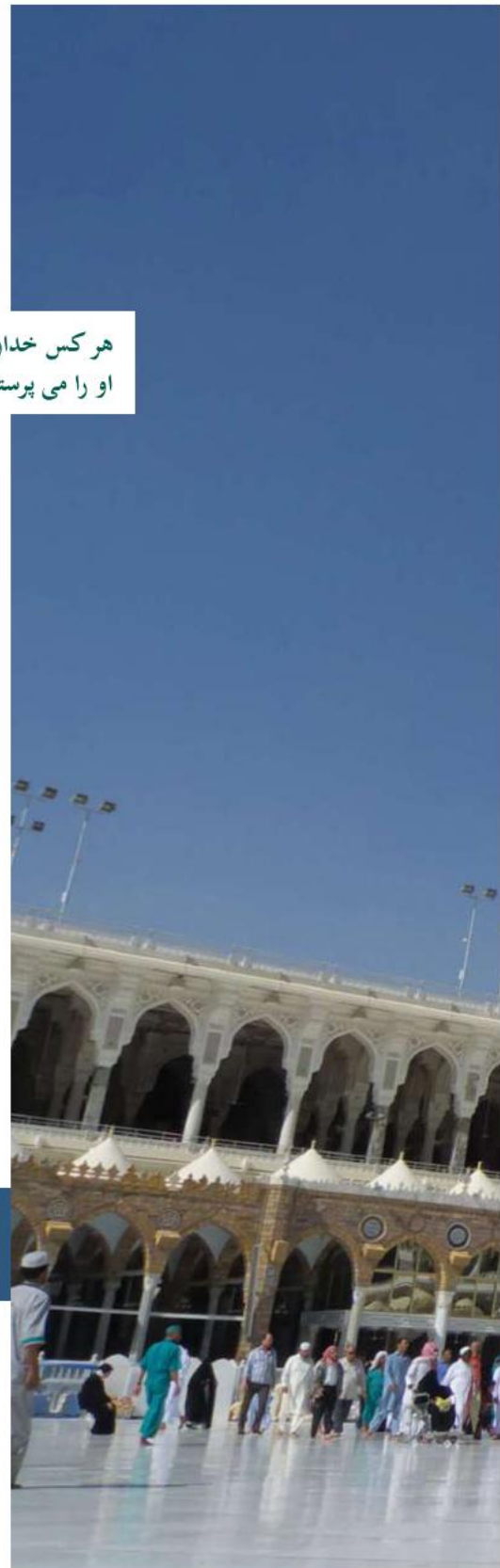
هر کس خداوند را شناخت، او را دوست گرفته و
او را می پرستد و خود را برایش خالص می گرداند.

معنی اخلاص:

اخلاص، همان بهشتی است که افراد مخلص در
پی آیند و آن روح پرهیزکاران و رازی میان بنده و
خدایش است. اخلاص از بین برنده وسوسه و ریا
بوده و عبارت است از آن که هدف از هر کاری فقط
خداوند باشد و به جز او به سوی دیگری ننگری و
میل دیگری در دلت بروز نکند. امید شنیدن مدح
و ثنا از سوی مردم نداشته باشی و فقط از خداوند
انتظار پاداش ببری.

اخلاص کمال عمل و نیکویی آن است. آن
گرانبهاترین چیز در دنیا بوده و عبارت است از این
که در اعمال و طاعات، نیت و هدف فقط خداوند
بوده و دیدن زودگذر مردم را با پایداری دیدن و
نظارت پروردگار از یاد ببری. آن چه را که برای الله
است، پروردگار بزرگواری پاداش داده و آن چه که
برای غیر اوست نابود می شود و از بین می رود.
رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

هر کس خداوند را شناخت، او را دوست گرفته و او را
می پرستد و خود را برایش خالص می گرداند.



"همانا معیار پذیرش اعمال بر اساس نیت بوده و هرکس بر اساس آن چه نیت کند پاداش می بیند. هرکس هجرتش برای دنیا یا برای ازدواج با زنی باشد، پس هجرتش به همین هدف قرار داده می شود" (روایت از بخاری است)

و خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکوکارتر است" [سوره ملک آیه ۲]

و همچنین می فرماید: "بی گمان ما کتاب را به حق به تو نازل کرده ایم، پس خدا را در حالی که پرستش [خویش] را برای او خالص می داری، بندگی کن (۲) بدان که پرستش ناب از آن خداست" [سوره زمر آیه ۲-۳]

و می فرماید: "پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیارد"

[سوره کهف آیه ۱۱۰]

ایوب سختیانی تمام شب را قیام می کرد و این را پنهان نگاه می داشت و به هنگام صبح چنان صدایش را بالا می برد که گویی همین لحظه از خواب برخاسته است.

جایگاه اخلاص:

اخلاص در دین جایگاهی دارد که با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نبوده و هیچ عملی جز با اخلاص پذیرفته نمی شود. خداوند بلند مرتبه در قرآن کریم در آیات فراوانی ما را به داشتن اخلاص یادآوری کرده است.

"و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را- در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته اند، بپرستند" [سوره بینه آیه ۵]

و خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "بگو: بی گمان نمازم و عبادتم و زندگانیام و مرگم [همه] در راه خداوند، پروردگار جهانیان است (۱۶۲) او شریکی ندارد و به این فرمان یافته ام و من نخستین [کس از] مسلمانانم (۱۶۳)" [سوره انعام آیات ۱۶۲-۱۶۳]



چگونه مخلص خواهی شد؟

هر امر درونی که با ظاهرش مخالف باشد باطل است.

و همچنین به یاد بیاور: "همانا پذیرش اعمال به نیت بستگی دارد.." (روایت از بخاری است)

چهارم: از محبت تعریف و تمجید رویگردان باش و از آنچه در دست مردم است ناامید شو و ارتباط خود را با خالقت قرار بده. مخلص برای رسیدن به دنیا و یا به زنی طمع نمی کند، بلکه امید او به رحمت خداوند است.

پنجم: خودت را در پیش خدایت بینداز و دروازه خواری را در درگاه او لازم بگیر و دعا کن تا اخلاص روزیت کند و از ریا نجات داده و گناهان و اشتباهات گذشته را از تو ببخشد.

اخلاص آن است که برای عملت جز خداوند شاهد و پاداش دهنده ای نخواهی.

ششم: دوری از ریا و احتیاط از آن، آنگاه که بنده راه ریا را در پیش گرفت و محل های ورودی آن را شناخت، از راه اخلاص دور می شود. از جمله این موارد است، توصیف برخی مردم نسبت به خودشان مبنی بر این که آنها ولی هستند یا به این نام گذاری دیگران خشنود می شوند، یا کارها و طاعات خود را گزارش می کنند. پروردگار ارجمند و صاحب عظمت می فرماید: "هر کس که زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد، [پاداش] کارهایشان را در آنجا برایشان به تمام و کمال می رسانیم و آنان در آنجا کاستی نینند (۱۵) اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش [جهنم] ندارند و آنچه در آنجا (دنیا) کرده بودند، بر باد رفته و آنچه را که انجام می دهند باطل است (۱۶)" [سوره هود آیه ۱۶-۱۵]

نخست: محقق کردن توحید پروردگار ارجمند و با عظمت. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "پس خدا را در حالی که پرستش [خویش] را برای او خالص می داری، بندگی کن (۲) بدان که پرستش ناب از آن خداست" [سوره زمر آیه ۲-۳]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را- در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته اند، پرستند" [سوره بینه آیه ۵]

دوم: محقق ساختن پیروی رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اطاعت از او در آنچه امر نموده و پرهیز از آن چه نهی کرده و بازداشته است و تایید او در آن چه خبر داده است. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [هم] اطاعت کنید هر گاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام تر است" [سوره نساء آیه ۵۹]

سوم: اگر می خواهی مخلص باشی بر انجام عمل صالح حریص باش و همیشه به یاد بیاور که مخلص از جمله آن هفت دسته ای است که به روز رستاخیز زیر سایه عرش خداوند قرار می گیرند: "مردی که صدقه ای داد و آن را مخفی کرد.." (روایت از بخاری است)

در کلام خداوند پاک تامل کن که می فرماید:
"در راه ما"

دهم: ضرورت به دعا خواندن خداوند و برگشت به سوی او و تکرار آن، پس زمانی که بنده مستمند پیوسته بر در خانه اربابش معتکف بشیند، بر او رحم و شفقت کرده و نیاز و خواسته اش را برآورده و قصورش را جبران می کند... پس دعا، دعا برای خداوند عز و جل است.

از ثمرات اخلاص:

۱. پذیرش اعمال:

اخلاص برای رسیدن به هدف بسیار مهم و شرطی از شروط پذیرش اعمال است. پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همانا خداوند عز و جل هیچ عملی را نمی پذیرد، مگر اینکه خالصانه برای خداوند و فقط جهت رضای خداوند باشد" (امام نسائی روایت کرده است)

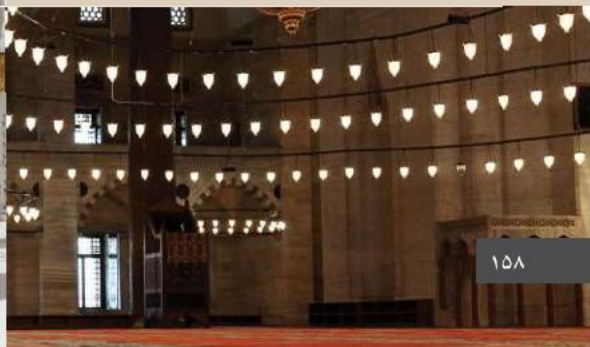
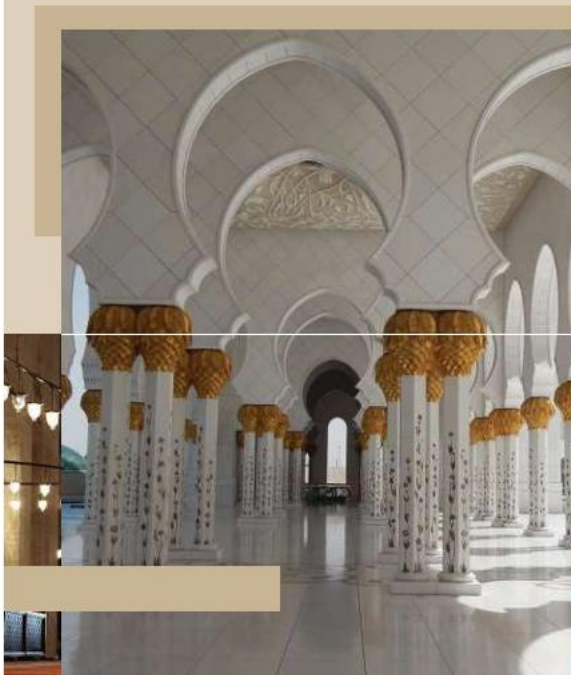
ریا شرک کوچک است. از عواقب و خیم آن کافی است که بدانیم اعمال با آن پذیرفته نمی شوند اگر چه ظاهر آن نیکو جلوه کند و خداوند آن را به صاحبانش باز می گرداند.

هفتم: همراهی و مصاحبت با مخلصان: رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "مرد بر دین دوستش است.." (روایت از ترمذی است)

اخلاص و دوستی مدح و ثناء در یک دل گرد نمی آیند مگر همانگونه که آب و آتش با هم در یک جا گرد آیند!

هشتم: پنهان کردن عبادت، پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "اگر صدقات را آشکار کنید، آن نیکو [کاری] است. و اگر آن را نهان دارید و به فقیرانش بدهید، پس آن برای شما بهتر است" [سوره بقره آیه ۲۷۱]

نهم: محاسبه نفس، دقیق ترین و شدید ترین محاسبه ممکن بوده و آن حسابرسی ای است که همیشه لازم است. خداوند عز و جل می فرماید: "و کسانی که در راه ما کوشش کنند آنان را به راههای خویش رهنمون شویم" [سوره عنکبوت آیه ۶۹]



۲. پیروزی و استقرار بخشی:

را در جای حرام دفع کند گناهکار نیست؟ پس همچنین وقتی آن را در جای حلال دفع کند پاداش دارد" (روایت از مسلم است)

۵. راندن توهّمات، خیالات و وسوسه های پلید و شیطانی:

پروردگار بلند مرتبه آن گاه که شیطان را راند و او را از رحمت خود دور کرد فرمود: "گفت: پروردگارا، از آنجا که مرا گمراه ساختی، البته [گناه] را برایشان در زمین آراسته جلوه دهم و همگی آنها را گمراه کنم. (۳۹) مگر آن بندگان اخلاص یافته ات را از میان آنان. (۴۰)"

[سوره حجر آیات ۴۰-۳۹]

۶. آسان کردن سختی ها و رنج ها: و مثال آن داستان آن سه نفر است که شب را در غاری بسر بردند و اصل حدیث در کتب صحیح موجود است.

۷. نجات یافتن و سالم ماندن از خطرات فتنه ها: و از این نمونه است آن چه که برای یوسف علیه و علی نبینا الصلاه والسلام آمد، خداوند بلند مرتبه در این زمینه می فرماید: "و به راستی [آن زن] قصد یوسف کرد و [یوسف نیز به حکم طبیعت بشری] آهنگ او نمود. اگر برهان پروردگارش را ندیده بود [آهنگ او می کرد]. چنین کردیم تا بدی و ناشایستی را از او بگردانیم. که او از بندگان اخلاص یافته ماست" [سوره یوسف آیه ۲۴]

بسیارند کسانی که با جسم خود از دنیا فاصله گرفته اند اما دلشان در دنیا است و بسیارند کسانی که با جسم خود در دنیا هستند اما دلشان از دنیا بیرون است.

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "همانا خداوند این امت را به دعا و نیاز و اخلاص افراد ضعیف یاری می رساند"

(امام نسائی روایت کرده است)

۳. سالم ماندن قلب از بیماریها:

منظور بیماریهای قلبی مانند؛ کینه، تنفر، خیانت و حسد می باشد. پیامبر صلی الله علیه و سلم در حجة الوداع فرمودند: "سه چیزاند که قلب مسلمان همیشه از آنها آکنده است: اخلاص عمل برای خداوند، خیر خواهی برای پیشوایان مسلمان و لازم گرفتن جماعت مسلمانان، چرا که دعا از پشت، آنان را در برگرفته است"

(روایت از ترمذی است)

ابن عمر گفته است: اگر می دانستم که خداوند یک سجده را از من می پذیرد و یک درهم را از من قبول می کند در آن هنگام هیچ چیز غایی چون مرگ برای من محبوب نبود، آیا می دانید خداوند از چه کسی می پذیرد؟ "خداوند فقط از پرهیزگاران می پذیرد"

[سوره مائده آیه ۲۷]

۴. ملحق کردن کارهای دنیوی به کارهای نیکو و صالح:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:

"... در رابطه جنسی شما صدقه هست، گفتند: ای رسول خدا آیا وقتی یکی از ما غریزه جنسی خود را دفع می کند این کار برایش پاداش دارد؟ فرمود بنظر شما اگر آن



کارهای کوچک فراوانی هستند که با نیت
نیکو زیاد و سنگین می شوند و کارهای
بزرگ فراوانی هستند که با نیت نادرست
حقیر می شوند.

ابن مبارک

نیکي هایت را به مانند بدی هایت بپوشان
ابو حازم مدینی



۸. به پاداش رسیدن با وجود عمل اندک:
پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید:
"و [نیز] بر آنان که چون به نزدت آیند تا
[بر مرکبي] سوارشان کنی، گویی چیزی
نمی یابم که شما را بر آن سوار کنم، [گناهی
نیست]. در حالی که چشمانشان از آنکه چیزی
نمی یابند که خرج [سفر] کنند از اندوه سرشار
از اشک است" [سوره توبه آیه ۹۲]

و پیامبر معصوم صلی الله علیه و سلم در این
باره فرموده اند: "هرکس به راستی از خداوند
طلب شهادت کند، خداوند او را به جایگاه
شهداء می رساند، اگر چه بر بسترش بمیرد"
(امام مسلم روایت کرده است)

۹. ورود به بهشت: بنا به گفته پروردگار عز و
جل: "و جز به [سزای] آنچه می کردید جزا
نمی بینید" [سوره صافات آیه ۳۹]

و خداوند بلند مرتبه می فرماید: "مگر
بندگان اخلاص یافته خدا (۴۰) [که]
اینان روزی ای معین دارند (۴۱) [انواع]
میوه ها. و اینان گرامی اند (۴۲) در بهشتهای
پرناز و نعمت (۴۳) بر تختها رو به روی هم
[نشسته اند] (۴۴) و بر آنان جامی از شراب
روان گردانده شود (۴۵) که سفید رنگ [و]
لذتبخش برای نوشندگان است (۴۶) نه در
آن [نشانه ای از] تبهکاری است و نه آنان از
آن مست شوند (۴۷) و در نزدشان [زنان] دیده
فروهمشته فراخ چشم خواهند بود (۴۸) گویی
آنان بیضه های در پرده [شتر مرغ] اند (۴۹)"

[سوره صافات آیات ۴۹-۴۰]

و این از بزرگترین ثمرات اخلاص است.

بازيني

۱. دیدگاه های خود را پیرامون تفاوت میان مخلص و غیر مخلص بنویسید.
۲. عکس اخلاص چه می شود؟
۳. چه چیز مردم را به ریا کاری یا شرک می کشاند، با وجود اینکه فضل و برتری توحید و اخلاص را می دانند؟



تیم کاری

گروه نظارت

عالی جناب شیخ محمد بن حسن آل شیخ
عضو هیات کبار علماء

گروه علمی و تالیف

شیخ محمد بن سرار یامی
د. عبدالله بن سالم باهمام

گروه نظارت

شیخ محمد بن سرار یامی
د. عبدالله بن سالم باهمام
حسن جونی
کمال سعید فهمی

پارکینی

شیخ ارجمند دکتر عبدالحکیم
بن محمد بن عجلان

گروه زبان شناس

دکتر رامی سید عقیفی
نشوی اسعد

گروه فنی و طراحی

دکتر سعید نادى
کارشناس طارق صلاح
کارشناس احمد یوسف
کارشناس امیر عادل

گروه ضبط

دکتر احمد عدوی
کارشناس اسلام عبدالحلیم
کارشناس عبدالله عماد
کارشناس محمد محروس

تیم تشخیص مهارت

حسین سرور
محسن ابراهیم
سامح مجدی

گروه تشخیص محتوای الکترونیکی

کارشناس حامد عبدالله
عبدالسلام حسن
عبدالرحمن عماد

گروه برنامه ریز و اجرا کننده

کارشناس عبدالله ربیع
کارشناس رضا رمیح
کارشناس محمد حسین
کارشناس محمد علی

گروه بازار یاب الکترونیکی

احمد سعید ابراهیم
تاج الملوک وجیه
زینب عبدالخالق حسن
اسماء وهدان فضل
آیات سید فراج
اميرة ابراهيم محمد

همانگونه که تیم خاص زبان ها و ترجمه و بازار یاب و آماده کردن و مدیریت زبان های زیر وجود دارد:

عربیة - Español - Bahasa Indonesia - فارسی - Hausa - English - Português
- Тоҷикӣ - বাংলা - Filipino - Français - Türkçe - Русский - አማርኛ - हिन्दी -
Deutsch - 中文 - اردو - Kiswahili - Italiano - தமிழ்



پیام پروژه

نزدیک کردن مردم به خداوند ارجمند و با عظمت و محبوب ساختن اوبه نزد آنان از خلال شناساندن و آموزش عقیده صحیح و تأثیر آن در سلوک و اخلاق و استفاده از تکنولوژی جدید و وسایل ارتباط جمعی که به این هدف می‌رسانند.

اهداف

۱. نزدیک کردن مردم به خداوند و محبوب ساختن او در نزد آنان
۲. شناساندن خداوند و جمال و جلال و عظمت او به مردم
۳. بیان عقیده صحیح در باره خداوند پاک.
۴. بیان اثرات عقیده در رفتار و کردار

اقشار هدف

۱. مسلمانان به شکل عمومی.
۲. مسلمانان تازه
۳. غیر مسلمانان، برای بیان عقیده مسلمانان پیرامون الله.



www.with-allah.com

کتاب "پروردگار من الله است"	سریالهای تلویزیونی	کلیپ های دیداری	ترانه ها	فرهنگ عقایدی	سایت "مع الله"
سایت رسانه های جدید	برنامه های کاربردی "مع الله"	فلش های "مع الله"	ضمیمه های "مع الله"	شنیداریهای "مع الله"	

عربی - Español - Bahasa Indonesia - فارسی - Hausa - English - Português -
 - Тоҷикӣ - বাংলা - Filipino - Français - Türkçe - Русский - አማርኛ - हिन्दी -
 Deutsch - 中文 - اردو - Kiswahili - Italiano - தமிழ்





www.spacechannels.com



فقه مبصّر عبادات

www.al-feqh.com



منبر جهانی

www.minbar-raf.com

فضاء
SPACE CHANNELS
www.spacechannels.com



www.lighttv.com



الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness



www.path-2-happiness.com



زبانهای پروژه



فقه مصور عبادات

تسهیل و آموزش احکام اسلام بطور مفصل (فقه عبادتها) به وسیله راههای آموزشی و پرورشی مدرن و با استفاده از رسانه های متعدد و انتشار آن با کمک وسایل رسانه ای و فنی و به بیشترین تعداد از زبانهای زنده دنیا.

www.daneshfarsi.com



الطريق إلى السعادة
The Path to Happiness



زبانهای پروژه



مسیر خوشبختی

تولید و بازاریابی محصولات اطلاعاتی و فنی مختلف برای تعریف اسلام و تمدن و تاریخ آن، گفتگوی ادیان و دیگر ایده ها می باشد که هدف این پروژه رسیدن به سعادت در این دنیا و آخرت است و جمع آوری تمام محصولات مذکور برای معرفی اسلام و گسترش آنها به تعدادی از زبانهای زنده دنیا است.

www.path-2-happiness.com

های دوستانه سایت وب





زبانهای پروژه



www.with-allah.com